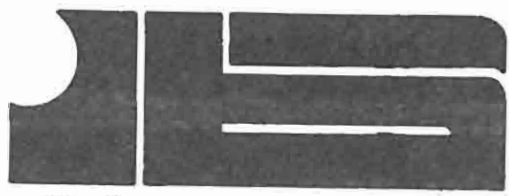


**کارگران و زحمتکشان  
متحد شوید**



**مرگ بر امپریالیسم  
امریکا  
دشمن اصلی خلق ما**

ارگان سراسری سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

شماره ۸۴ - قسمت ۳ - ریال - ۲۴ صفحه

سال دوم - چهارشنبه ۲۱ آبان ۱۳۵۹

(اگریت)

## هجوم خط سازش علیه انقلاب

بازداشت صادق قطب‌زاده وزیر سابق امور خارجه جمهوری اسلامی ایران و عضو شورای انقلاب که پس از مناظره تلویزیونی اخیر وی صورت گرفت، موجی از تبلیغات محافل لیبرالی و امپریالیستی را به دنبال آورده است. وقتی که قطب‌زاده بر خلاف انتظار دوستان و جاسوسان امپریالیسم آمریکا توسط مقامات جمهوری اسلامی دستگیر شد، شرکای وی تلاش‌های ضدانقلابی خود را گسترش داده و موج جدیدی از تهاجم تبلیغاتی را علیه نیروهای خط امام شروع کردند. مهندسین بازرگان که قبلاً نیز در دفاع از بار صمیمی خود، امیر انتظام تبلیغات زیادی به راه انداخت، این بار نیز بیش از همه در نامه‌های اعتراض آمیز بازداشت قطب‌زاده را محکوم کردند.

بقیه در صفحه ۳

## جمل و افترا در خدمت

### تضعیف نیروی مقاومت خلق

امروز که ضرورت همبستگی و ضرورت متشکل شدن همه مردم علیه ضدانقلاب بیش از همیشه احساس می‌شود، انقلاب برای دفاع از خود بیش از همیشه به سیاستی نیازمند است که مردم و نیروهای مبارز و ضد امپریالیست ایران را از هر عقیده و مذهب و مسلک و ملیتی که باشند به دور هم گرد آورد. لیکن مادام که جمهوری اسلامی به آزادی‌های سیاسی و حقوق دموکراتیک مردم که از هدف‌های اساسی انقلاب ایران بوده و هست، مادام که جمهوری اسلامی به حقوق ملی خلق کرد و سایر مردم ایران پای بند نباشد مادام که برخی محافل جمهوری اسلامی بجای مبارزه با سانسور، جمل و افترا علیه مردم و علیه نیروهای سیاسی ضد امپریالیست، خود مبشر سانسور، جمل اخبار و سپاشی علیه آنان باشد، مادام که تلویزیون جمهوری اسلامی و روزنامه‌های رسمی آن علیه فداکارترین فرزندان خلق، علیه رزمندگان پرشوری که جان خود را در جبهه جنگ و در راه استقلال و آزادی ایران نثار می‌کنند، به سانسور، جمل و افترا ادامه می‌دهند، مادام که برخی محافل جمهوری اسلامی از هرگونه تلاش برای مخدوش جلوه دادن چهره دیگر نیروهای ضد امپریالیست و درهم ریختن مرز دوستان و دشمنان انقلاب فروگذار نمی‌کنند، وحدت و یکپارچگی مردم به مفهوم واقعی آن تحقق نخواهد یافت. و طبعا سرنوشت انقلاب ایران و استقلال و آزادی ایران سخت دستخوش مخاطره خواهد بود و بی تردید در چنین وضعی علیرغم فعالیت‌های همه نیروهای ترقیخواه و ضد امپریالیست برای برانگیختن تمامی مردم به مبارزه علیه امپریالیسم و رژیم جنایتکار

بقیه در صفحه ۲

## رفیقان شهید فدائیم، قهرمانان سنگرهای مقاومت

### در قلب بزرگ خلق همیشه زنده‌اید



☆ رفقای شهید فدائی در سنگرهای رزم دلاورانه خلق در جنوب خونین میهنمان، خون سرخ خویش را نثار استقلال میهن و رها نشی کارگران و زحمتکشان نمودند نام این رفقای شهید آذین بخش این شماره "گار" است.

یادشان گرامی باد

فدائی شهید

فدائی شهید

در صفحه ۱

رفیق کاظم عسدی

رفیق محمد اسدالله زاده رودینه

## خلق ما از پای نمی‌نشیند

از یادداشت‌های فدائیان خلق در سنگرهای خونین جنوب:

☆ با تمام وجود احساس می‌کنم، دشمن در برابر چنین خلق بزرگی چقدر زبون و حقیر است  
☆ در این شهر هر اسلحه‌ای که از دست رزمندگانی بر زمین می‌افتد، در دست دیگری هست که آن را بردارد.  
در صفحه ۴

## «کمیسیون کار و امور اجتماعی» مجلس

چه می‌کند؟

در صفحه ۲۰

## متحد شویم!

تجاوزات امپریالیسم آمریکا و رژیم عراق را درهم کوبیم!

**در این شماره:**

- کارگران شرکت راهسازی اربل (۸): ۸ صفحه
- ما داریم به... (در صفحه ۸)
- نجوم مبارزه یکبارچه و مشکل بی‌هی بریم (۸)
- صیادان روستای زاغمرز (۸)
- توطئه زمینداران بزرگ را خنثی کردند (۱۶)
- جمهوری دموکراتیک خلق گره (۱۲)
- تحصیل رایگان و همگانی را مهم‌ترین و اولین وظیفه خود می‌دانند (۱۲)
- به حمایت از آوارگان جنگ برخیزیم (۶)
- از حرمت شهیدان انقلاب دفاع کنیم (۱۵)

### جعل و افترا در خدمت

#### تضعیف نیروی مقاومت

بقیه از صفحه ۱

صدام ، بازم بسیاری از هم میهنان ما ، چه آن که در مناطق اشغالی است چه آن که در پشت جبهه است و چه آنان که در کارخانه ، اداره ، مزرعه و ... کار می کنند ، منتها آن چنان که باید به دفاع از انقلاب که تیلور آن را در سیاست های حکومت جمهوری اسلامی می بینند ، جلب نمی شوند ، بلکه چه بسا که برخی از آنهايي که هنوز از حداقل آگاهی طبقاتی برخوردار نیستند ، جذب لبرال ها و جذب دیگر دشمنان انقلاب می شوند . . .

هم اکنون این سیاست های وحدت نکن ، بدون آن که مصالح انقلاب را ببینند همچون گذشته دنبال می شوند . ما در این جا تنها به گوشه ای از این سیاست ها یعنی تنها به اقدامات و تبلیغاتی که در همین شرایط علیه نیروهای ضد امپریالیست خارج از حزب جمهوری اسلامی می شود ، اشاره داریم .

اکنون تقریباً روزی نیست که روزنامه حزب جمهوری اسلامی آهنگ تازه ای علیه هر آنچه ضامن وحدت و یکپارچگی مردم ما و ضامن گسترش شور و خروش مبارزه علیه امپریالیسم و تجاوزگران است ساز نکند .

برخی محافل و عناصر جمهوری اسلامی حتی در شرایطی که از زمین و هوا و دریا بر سر مردم خوزستان بمب و راکت می بارد ، در این منطقه علیه نیروهای کدر سنگرهای مقدم جبهه می جنگند ، تبلیغ می کنند . در شرایطی که مرگ و زندگی انقلاب ایران مطرح است ، در شرایطی که روزی صدها پیر و جوان و کودک خوزستانی زیر آتش جنایتکاران تکه تکه می شوند ، به دنبال پاک کردن شمار از روی دیوارهای محروبه شهرهای خوزستان هستند و مرتب در گوش پاسداران و دیگر مسلمانان مبارز می خوانند که با سایر نیروهای ضد امپریالیست همکاری نکنند و با از مبارزه سایرین جلوگیری کنند . این محافل و عناصر آشکارا بر ضد همکاری مردم علیه تجاوز عراق تبلیغ می کنند و . . .

در رشت و کرمان معدودی مزدور و مرتجع به جنازه شهدای قهرمان ما که در سنگرهای خوزستان در شهادت رسیده اند ، با شاره های اسلامی اما صد بر صد مخالف شاعر اسلام که حمله و فحاشی به جنازه به ویژه کسی که در راه دفاع از وطن شهید شده باشد ، محکوم می داند ، حمله می کنند و حتی جنازه فرزند فدakar خلق ، کارگر قهرمان ، شهید فدایی حبیب الله فرح بخش را میزدند . البته این اعمال جنایتکارانه ، فقط با سکوت توأم با حمایت و رضایت برخی مسئولان استان های کرمان و گیلان می تواند انجام گیرد .

تولوزیون در کمال بی شرمی زنده ترین دروغ ها و تبلیغات عوام فریبانه را از طریق مصاحبه ها و گزارشات علیه ما و دیگر نیروهای ضد امپریالیست خارج از طیف جمهوری اسلامی پخش می کند بدون آنکه حتی یک بار هم که شده گوشه ای از قهرمانی های هزاران فدایی جان بر کف را که در جبهه های غرب و جنوب ایران علیه تجاوزگران نبرد می کنند ، گزارش دهد . در روزنامه جمهوری اسلامی برخی از نویسندگان مشکوک به چنان ورشکستگی و انحطاطی سقوط کرده اند که دفاع از عقاید و اندیشه های شان را تنها با زشت ترین دروغ ها و زنده ترین اتهامات علیه دیگران امکان پذیر می داند ، ناچار نمرودانه ترین و بی شرمانه ترین اتهامات را علیه ما و دیگر نیروهای انقلابی به چاپ می رسانند ، بدون آن که مسئولان این روزنامه جرات کنند حتی یک بار هم که شده به حکم قانون ، اخلاق و . . . تکذیب نامه های ما را به چاپ رسانند .

این سیاست بر جنگ چه تأثیری دارد ؟ واقعیت این است و بسیاری از مردم هم حالا دیگر به این واقعیت پی برده اند ، آنچه هم اکنون پیشروی ارتش عراق و سقوط اغلب شهرهای خوزستان و غرب کشور را سد کرده است ، قبل از همه مقاومت قهرمانانه توده های مردم است .

تبدیل ای مردمی که با جنگ و دندان ، با

کوتل مولوتف و به بهای فدکاری های جانسازانگیز و شور انگیز خویش جلوی پیشروی ارتش بسیار مجبور و نیروهای زرهی دشمن را به آبادان ، دزفول ، اهواز و خیلی از مناطق عرب ایران گرفتارند ، و به بهای جان های عزیز بهترین فرزندان خود ، با ابتدائی ترین تجهیزات علیه نیروی زرهی دشمن در دروازه های خرمشهر هفته ها جنگیدند و تلفات بسیار سنگینی به دشمن وارد ساختند . بخشی از این مردم که این چندین از استقلال و آزادی ایران به دفاع برخاستند ، با از هواداران و اعضای همسان نیروهای هستند که تولوزیون جمهوری اسلامی ، برخی مفسدین و وعاظ از جمهوری اسلامی و روزنامه های جمهوری اسلامی بهترین تبلیغات دروغ و بی شرمانه را علیه آنها به پیش می برند و برخی از آنها نیز جزو میهن پرستان هستند که سیاست های وحدت شکنانه جمهوری اسلامی را قبول ندارند . تأثیر این تبلیغات وحدت شکنانه جمهوری اسلامی بر روی این نیروها چیست ؟

آنها که آگاه ترند و می دانند که مبارزه بگیرد آنها علیه رژیم صدام قبل از هر چیز در خدمت منافع و مصالح انقلاب و تداوم آن است ، خشم خود را فرو می خورند و هر چند این تبلیغات موانع زیادی در همان جبهه ها و سنگرها ، و در پشت جبهه برای آنان ایجاد می کند ، به مبارزه خویش ادامه می دهند ( هواداران رشد یافته نیروهای سیاسی اغلب اینطورند ) . اما بدون تردید ، بخشی از این نیروها که هنوز از آنچنان انجام ایدئولوژیک و پختگی سیاسی برخوردار نیستند ، به گونه ای دیگر عمل می کنند . از این بخش عدماي به انفعال و سرخوردگی می گریزند و انقلاب از انرژی بگیران آنها محروم می شود . رعد های نیز تسلیم سیاست های لبرال ها و انقلابی ناهای می شوند که با به انفعال می گریزند و یا به ضد مبارزه علیه امپریالیسم تبدیل می شوند .

عواقب تا چه حد جبهه مقاومت مردم ما را علیه امپریالیسم آمریکا و رژیم صدام تضعیف می کند ، چقدر باعث خروشندگی و خوشحالی امپریالیسم جهانی ، رژیم صدام و عوامل داخلی آنها می شود ، تلفات و خسارات ما را در برابر تجاوزگران تا چه حد افزایش می دهد و در یک کلام انقلاب را تا چه اندازه در خطر شکست قرار می دهد .

از این گذشته بسیاری از نیروهای هوادار حزب جمهوری اسلامی ، بسیاری از پاسداران و سربازان و درجه داران و افسرانی که شاهد و ناظر دروغ های تولوزیون ، روزنامه های دولتی و رهبران خود هستند به شدت از این تبلیغات برآشفته و سرخورده می شوند این نیروها اگرچرا جوانان پرشوری هستند که از دروغ و حيله و نیرنگ بیزارند ، که دروغگویی و جعل حقایق را مخالف آنچه که آنان از اسلام فهمیده اند ، می دانند و خیلی از آنها این را می دانند و به تجربه دریافته اند که تنها کسانی دروغ می گویند و حقایق را در چشم مردم وارونه جلوه می دهند که حقانیت ندارند . تبلیغات دروغ علیه سازمان ما که هم اکنون در دفاع از آبادان ، در دفاع از راه شهرهای خوزستان و غرب میهن ، در کنار پاسداران علیه دشمن می جنگد ، که تاکنون دهها شهید تنها در همین دو شهر خرمشهر و آبادان نثار انقلاب کرده است ، که هم اکنون قست عمده امدادگری ، درمان و جراحی زخمیان جنگ و بهداشت پشت جبهه را به عهده دارد ، که هم اکنون مبارزات در کارخانه و مزارع و محلات برای افزایش تولید ، به راه انداختن کارخانه ، به صرفت درست امر توزیع و مقابله با همه توطئه های امپریالیسم را بسیاری از مردم ، بسیاری از مردمی که پایگاه تودمای جمهوری اسلامی و عناصر محافل وابسته به جمهوری اسلامی را تشکیل می دهند می دانند و به عین می بینند ، قطعا تأثیرات مخربی بر اعتقاد مردم باقی می گذارد . قطعا این تبلیغات دروغ و وحدت شکنانه با بیزاری و نفرت بسیاری از پاسداران و مسلمانان مبارزی که به چشم خود بی اساس بودن این تبلیغات پراشان اثبات می شود و در عمل تأثیر مخرب این تبلیغات بر اساس و کینه توزانه را تجربه می کنند ، مواجه می شود و این به ویژه در شرایط بسیار حساس امروز در جبهه و پشت جبهه ضربات سنگینی بر نیروهای مقاومت وارد می سازد و نوعی سرخوردگی ، سردرگمی و بی اعتدایی

به هرکس و هر چیز در میان تمامی آنهايي که با وحدت و یکپارچگی و اعتماد به یکدیگر بیش از هر زمان نیاز دارند ، ایجاد می کند و به راستی که اگر ماهرترین کارشناسان دشمن در رسانهای گروهی نفوذ کند چه گاری بیش از این می تواند انجام دهد ؟

مواظب این روشها و اقدامات مخرب ، تنها ایجاد تفرقه میان مردم ، با انفعال کشاندن و سرخورد کردن بسیاری از مردم و تضعیف شدید جبهه مقاومت نیست . یکی از نتایج به شدت زیان بار این روشها آن است که تودمهای مردمی که از تبلیغات حکومت جمهوری اسلامی و رسانهای گروهی خود بی اعتماد شده اند ، با مشاهده دروغ ها و جعلیات رسانهای گروهی جمهوری اسلامی علیه نیروهای ضد امپریالیست غیر مکتبی به همه گفته و نوشته های رسانهای گروهی جمهوری اسلامی بی اعتقاد شد . برای کسب خبر به رادیوهای بی بی سی ، رادیو بغداد ، رادیو آزاد ، رادیو واشنگتن ، رادیو اسرائیل و دیگر رادیوهای محافل امپریالیستی و ارتجاعی یعنی به دشمن سوگند خورده انقلاب پناه می برند و بدینسان امپریالیسم جهانی و ارتجاع منطقه بهترین فرصت تبلیغ علیه انقلاب ایران و تبلیغ به سود سیاست های امپریالیستی را کسب می کنند و هر شب و هر روز سیاست های امپریالیسم جهانی را برای میلیون ها هم وطن ما تبلیغ می کنند ، آذهان برخی از مردم را علیه آنچه به زبان مردم است ، بسوج می کنند و موفق می شوند تا بهای انقلاب ایران را از درون بپوشانند و اینجا نتیجه همان سیاست های تبلیغاتی است که نه بر انعکاس واقعات بلکه بر جعل ، دروغ و سانویز استوار است . بنابراین پاسخ حجت الاسلام خاکنای که می پرسد چرا به این رادیوها گوش می کنند ، این است که سیاست های تبلیغاتی جمهوری اسلامی خود عامل تشدید کننده این پدیده است و مادام که دنبال شود نمی توان از بهر سرداری امپریالیست جلوگیری کرد . بر چنین زمینه ای است که قطب زاده زمینه عوام فریبی می یابد " آزاد بخواب " جلومگر می شوند و فرصت پیدا می کنند چهره همه محافل ضد امپریالیست جمهوری اسلامی را در انتظار مردم مخدوش جلوه دهند . خط آمریکا ، امپریالیسم پیدا می کند و بازگان و شرکا ، این دوستان امپریالیسم خود را میدان دار آزادی جا می زنند . . .

ما اعتقاد داریم که برخی از محافل موسوم به خط امام نه تنها از ابتدا پشتیبان سیاستی که امروز گارش به اینجا کشیده شده ، نبوده اند ، بلکه کم و بیش از عواقب و خطرات چنین سیاست هایی باخبر بوده و با آن مخالفت ورزیده اند .

طبعاً باید برخی از آنها نیز که در گذشته از این سیاست ها حمایت می کردند ، به این نتیجه رسیده باشند که بیش از این نمی توان به این شیوه های تخریبی ادامه داد بدون آنکه سرنوشت انقلاب بطور جدی در معرض خطر قرار گیرد . چنین سیاست هایی نه تنها نمی تواند مورد حمایت نیروهایی که مفهوم مبارزه با امپریالیسم را عمیقاً درک کرده اند ، باشد بلکه مشخصاً از آنها که در سیاست در خدمت تضعیف وحدت و یکپارچگی مردم ، تقویت لبرال ها و دیگر نیروهای مورد حمایت امپریالیسم و شکست انقلاب است ، مورد مخالفت و اعتراض جدی همه کسانی است که از عواقب آن باخبرند . بهر سرنوشت و حامیان این سیاست قطعا باید در پیشگاه خلق افشا شوند .

به موازات لبرال ها ، انقلابی ناهای نیز قطعا می گویند با بهرگیری از سیاست های نفاق افکنانه و روش های مخرب یاد شده به تئوری های سواپا پوچ و بی اساس خود رنگ و روغن بزنند . آنها نیز به اندازه لبرال ها از کینه توزی های رسانهای گروهی علیه ما و دیگر نیروهای انقلابی نادانانه می کنند و سعی دارند سیاست های جمهوری اسلامی را در خدمت به انفعال کشاندن مردم ، تضعیف جبهه مقاومت و تقویت سیاست های خودشان که در اساس با سیاست لبرال ها نرفی ندارد ، در آورند . آنها هم اکنون در میان مردم و هواداران سازمان چنین تبلیغ می کنند که راستی برای کسی برای چه خودتان را به گشتن می دهید ؟ شما چرا از اینها که حتی به جنازه شهدا هم حمله می کنند ، دفاع می کنید ؟ چرا از اینها که با وجود این همه

بقیه در صفحه ۲۳

## بگوئیم تا با استقرار صلح عادلانه در کردستان وحدت مردم میهنان را بگوئیم

### علیه امپریالیسم آمریکا تحکیم بخشیم



# هجوم خط سازش

شماره ۱ صفحه ۱

به دنبال او فراکسیون لیبرال‌های درون مجلس، روزنامه‌های میزان و کیهان و دیگر عناصر و محافل لیبرالی به دفاع از قطب زاده پرداختند و متأسفانه در این میان برخی نیروها و شخصیت‌های مترقی نیز به دام این تبلیغات فرو افتادند.

رادیوهای امپریالیستی و صهیونیستی همچون صدای آمریکا، بی بی سی، ایران آزاد، بختیار مزدور و رادیو اسرائیل برنامه‌های ویژه‌ای را به بازداشت قطب زاده اختصاص داده و جمهوری اسلامی را مورد حمله قرار دادند! بدین ترتیب می بینیم که امپریالیست‌های آمریکایی و انگلیسی و صهیونیست‌های اسرائیلی هم‌صدا با بازرگان و شرکا، متحداً در دفاع از قطب زاده بازداشت او را محکوم ساخته‌اند.

محافل طرفدار امپریالیسم آمریکا می‌کوشند تا ماهیت واقعی درگیری‌هایی را که به دنبال بازداشت قطب زاده شدت یافته است لاپوشانی کرده و با بی‌شرمی تمام این اختلافات را ناشی از دفاع طرفداران آمریکا از "آزادی" و "حقوق بشر" جلوه‌گر سازند. بازرگان در نامه اعتراضی خود می‌گوید:

"وقتی با چنین سادگی و افتخار یک مبارز کهنه‌کار، عضو شورای انقلاب مدیر عامل رادیو و تلویزیون و وزیر خارجه جمهوری توثیق و توهین می‌شود، دیگر چه آبرو برای اسلام و انقلاب ایران باقی خواهد ماند؟! اما سوال بسیاری از مردم آگاه و مبارز ما این است که چرا چنین شخص رسوایی که دیگر کمتر کسی در دوستی او با امپریالیسم آمریکا تردید دارد، عضو شورای انقلاب مدیرعامل رادیو تلویزیون و وزیر خارجه جمهوری اسلامی بوده است. لابد به همان دلیل که امیرانتظام جاسوس هاون نخست وزیر سر بوده. بازرگان در رابطه با دستگیری امیر انتظام نیز همین حرف‌ها را زده بود.

دعوی بازرگان، قطب زاده، صباغیان و دیگر شرکای آنها با جمهوری اسلامی، دعوی نمایندگان خط سازش است یا جناح‌های ضد امپریالیست جمهوری اسلامی همان دعوی‌هایی است که ما در شماره پیشین کار از آن نام بردیم و تاکید کردیم که

او همان کسی است که هواره کوشیده است با بهره برداری از احساسات هدمکونیستی برخی محافل جمهوری اسلامی سیاست سازش با امپریالیسم آمریکا را به پیش برد، دولت ایران را با سرسپرده ترین دولت‌های آمریکائی مثل رژیم صیفا، الحق متحد سازد و از هر فرصتی برای دور کردن ایران از دولت‌ها و کشورهای که دوستی با آنها ضامن استقلال میهن ما و تداوم مبارزه ضد امپریالیستی خلق ما است، استفاده کند.

قطب زاده در مصاحبه اخیر خود بیش از همیشه و واضح تر از همیشه نشان داد که به نحو جنون آمیزی با کسانی که علیه امپریالیسم مبارزه می‌کنند کینه‌ای عمیق در دل دارد. او در این مصاحبه به سبک استادش بازرگان و به سبک ارتجاعی ترین محافظان امپریالیستی جهان کوشید با بهره برداری از تمایلات ضدکونیستی برخی محافل حکومت، آنان را از نفوذ کونیست‌ها بترساند و حتی خود این محافل را نیز کونیست خواند. این برخورد قطب زاده، انسان را به یاد شاه هدموم می‌اندازد که هر وقت می‌خواست روحانیون و دیگر محافل ضد امپریالیست غیر کونیست را از مبارزه ضد امپریالیستی بترساند، همین حرف‌های قطب زاده را تکرار می‌کرد. و در واقع این همان شیوای است که آلن دالس رئیس سازمان سیا بنیانگذار آن بوده است: "بهره‌گیری از احساسات ضدکونیستی عناصر و محافل ملی جهان در جهت نزدیک کردن آنها به آمریکا"

اصلاً تلاش لیبرال‌ها برای برانگیختن جناح‌های ضد امپریالیست جمهوری اسلامی علیه کونیست‌ها یکی از اصول سیاست آنها در راه تضعیف نیروهای ضد امپریالیست جمهوری اسلامی و تقویت خط سازش با امپریالیسم است. قطب زاده و دیگر لیبرال‌ها در جریان نخستین ماه‌های پس از تسخیر سفارت نیز با همین سیاست مودیانه، دانشجویان خط امام را به موضعگیری علیه سازمان ما واداشتند و بدین ترتیب علاوه بر تضعیف زمینه‌های اتحاد عمل نیروهای ضد امپریالیست و ترقیخواه، بطور کلی از حمایت وسیع توده‌ای و پایگاه توده‌ای دانشجویان کاستند. آنها هم اکنون نیستند - امیدوارند که برانگیختن

نیروهای ضد امپریالیست جمهوری اسلامی علیه کونیست‌ها صف مردم را برانگیزد ساخته و نیروهای ضد امپریالیست جمهوری اسلامی را تضعیف کنند. لیبرال‌ها و دیگر دوستان امپریالیسم که امروز دم از آزادی می‌زنند از نخستین روزهای ورود به دستگاه‌های دولتی، خود، از اولین به بند کشندگان آزادی بوده‌اند همین صادق قطب زاده، اولین کسی بود که به هنگام سرپرستی صدا و سیمای جمهوری اسلامی به برقراری سانسور و حقفان پرداخت و در این راه آنقدر پیش رفت که از طرف مردم به او لقب "سانسورچی" داده شد. لیبرال‌ها ادعا می‌کنند که قطب زاده از مبارزین کهنه‌کار آزادی و هم‌رزم "حنیف نژاد" بوده است. اما آنها "فراموش" می‌کنند که مردم توضیح دهند که همین "هم‌رزم" صفا اصطلاح "هم‌رزم" حنیف نژاد شهید بود که پس از انقلاب رسماً دستور داد که رادیو و تلویزیون به هیچ وجه حتی اسمی از مجاهدین ( یعنی ادامه دهندگان راه حنیف نژاد) و فدائیان برده نشود!

این سند قطب زاده را به عنوان نخستین سند رسمی سانسور در جمهوری اسلامی در نخستین ماه‌های پس از انقلاب در "گزار" به چاپ رساندیم.

ماهیت "آزادخواهی" و دفاع از آزادی این دوستان امپریالیسم وقتی روشن تر می‌شود که به یاد بیاوریم آنها در جریان اعدام ناجوانمردانه پزشک انقلابی خلق دکتر نریسا و امثال او با شادمانی تمام نظاره‌گر این اقدامات چنانیتکارانه بودند. وقتی توماج و هم‌زمانش ترور شدند مردم زحمتکش ایران یک‌صدا این عمل وحشیانه را محکوم کردند، این آقایان عوامفریب تبلیغات ضد کونیستی خود را افزایش دادند. "آزادخواهی" لیبرال‌ها از همان نوع "حقوق بشر" آمریکایی گارتر و شرکای اوست. آنها "آزادی" می‌خواهند، اما نه برای خلق، بلکه برای خودشان. تا بتوانند آزادانه خط آمریکا - ضد انقلابی خود را تبلیغ کرده و تخم کینه و نفاق در بین مردم ما بپاشند بدون آنکه کسی مزاحم آنها بشود. لیبرال‌ها که هر وقت در تنگنا قرار می‌گیرند، بی‌شرمانه خود را

به حنیف نژاد و دیگر شهدای انقلابی خلق می‌چسباند، در زمان دولت موقت طی یک توطئه حساب شده آمریکایی که سولوان سفیر آمریکا آن را رهبری می‌کرد، توسط کمیته پشت سفارت که آقای قطب زاده روابط نزدیکی با آن کمیته داشت، مجاهد خلق سعادت را دزدیدند تا با چسباندن اتهامات واهی به او، از یک سومیان نیروهای ضد امپریالیست و ترقیخواه ایران نفاق اندازند و از سوی دیگر ایران را از دوستان انقلاب دور کرده و به امپریالیسم آمریکا نزدیک کنند. این آقایان همان‌هایی هستند که به اعدام هویداها، به بهانه دفاع از حقوق بشر اعتراض کردند، اما نه تنها هرگز به دستگیری و ترور فرزندان انقلابی خلق، به اعدام نریسی‌ها، میر شکاری‌ها و به بستن روزنامه‌های ترقیخواه اعتراض نکردند، بلکه خود طراحان و همدستان این اعمال ضدانقلابی بوده و هستند. علت اصلی تبلیغات وسیع آنها همانگونه که قبلاً نیز پیش‌بینی کرده بودیم آن است که شرایط را برای تضعیف نیروهای ضد امپریالیست و تقویت خط سازش با آمریکا مناسب یافته‌اند. اما علیرغم تمامی عوامفریب‌های دوستان امپریالیسم هر روز بخش‌های وسیع تری از توده‌های زحمتکش در می‌یابند که برای کسب آزادی واقعی و بهبود وضع زندگانی خویش باید هرگونه "آزادی" امپریالیسم و متحدین داخلی آن را که امروز قطب زاده، بازرگان و شرکا، به دفاع از آن برخاسته‌اند، سلب کنند. و امیرانتظام‌ها امروز باید به خاطر تلاش در راه ریختن خون شهدای خلق به پای امپریالیسم آمریکا، به خاطر فریب توده‌های مردم، به خاطر همدستی با محافل امپریالیستی و رژیم‌های سرسپرده در راه منحرف ساختن مبارزات ضد امپریالیستی - دموکراتیک مردم ایران و به خاطر همه خیانت‌هایی که به مصالح و منافع ایران مرتکب شده‌اند محاکمه شوند. محاکمه این عناصر می‌تواند گامی باشد در راه افشای هرچه بیشتر دوستان امپریالیسم آمریکا. آزادی قطب زاده که زیر فشار لیبرال‌ها و تجار و بازار صورت گرفت، نشان می‌دهد که لیبرال‌ها هنوز نیروی هستند که برآستی انقلاب را تهدید می‌کنند.

# خلق ما از پای نمی نشینند

از یادداشت‌های فدائیان خلق در سنگرهای جنوب :  
با تمام وجود احساس می‌کنم دشمن در برابر چنین بزرگی چقدر زبون و فقیر است .  
در این شهر هر اسلحه‌ای که از دست رزمندگانی بر زمین می‌افتد ، دست دیگری هست که آن را بردارد .

روز بیستم مهرماه برای بار دوم به خط اول جبهه می‌روم شهر خرمشهر کاملاً ویران شده است و کمتر خانه سالمی پیدا می‌شود . بر نخل‌ها که بخشی از آنها سوخته است ، هنوز خرما می‌چیده نشده پیداست . وقتی آدم بسه نخل‌های برپا نگاه می‌کند ، غمگین می‌شود حاصل زحمات دهقانان عرب ، در اثر این جنگ تجاوزگرانه دود شده است . دیگر بر ساقه بلند و تنومند آنها ، دهقانان عربی را نمی‌بینی که با بازوان لاغر ، تنه درخت را در بر گرفته و دارد با "من‌یل" ( نوعی داس ) خود خوشه‌های برپا را می‌برد . بیشتر آنها رفته‌اند اما خاطراتشان آنجاست زندگی آنها در کار برمشقت‌شان روی همین زمین سخت معنا پیدا می‌کند . زمین تابستان در دست‌های آنها ، عطر نعنای و بوته‌های گوجه فرهنگی و خیار می‌داد ، اما اکنون جنگ ...

بهمراه دیگر برادران زحمتکش خلق عرب به جبهه می‌روم . در میان ما پاسداران هواداران سازمان ، افراد مسلح که بیشتر محلی هستند و چند نفری ارتشی و تکاور دیده می‌شود . ما به طرف دبیرستان "دریابدرستی" پیشروی کردیم . حدود ۲۰ نفری بودیم که بعد از دو ساعت در محاصره نیروهای عراقی قرار گرفتیم . آنها بطرز وحشیانه‌ای به ما حمله کردند . ما با شجاعت بسیار و با دادن ۸ شهید توانستیم حلقه محاصره را بشکنیم . من با تمام توان با کالیبر ۵۰ شروع به تیراندازی کردم ، شهادت ۸ هم‌رزم نفرت مرا دوچندان کرده بود . بعد از شکستن خط محاصره باران توپ و خمپاره روی سرمان قطع نمی‌شد . جلوی چشم من سه نفر بر اثر اصابت خمپاره نکهت‌ها شدند . با تمام وجود فریاد کشیدم " مرگ بر آمریکا ، نفرت بر جنگ " به طرف پل عقب نشستیم . به ما خبر رسیده بود که مسجد در محاصره است و باید نیروی آتشمان را برای درهم شکنستن محاصره به آن سو گسیل کنیم . بعد از تلاش زیاد توانستیم خیابان ۴۰ متری را آزاد کنیم . در این گرمای آتش و خون ، همه چیز در یک لحظه خلاص می‌شود . میان مرگ و زندگی

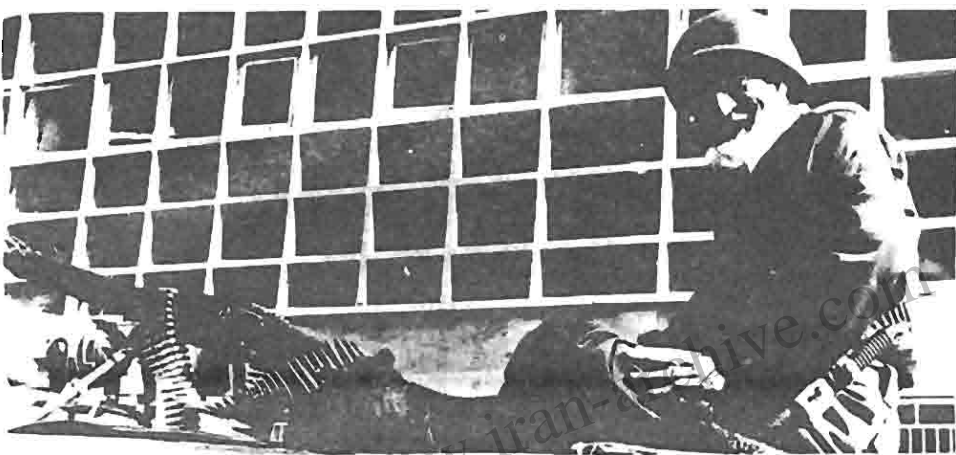
## هن اینها را حفظ خواهم کرد

دزفول :  
در تاریخ ۷ آبان ماه ۵۹ به دزفول می‌رسیم بعد از حمله موشکی به دزفول شهر حالتی آماده در برابر نیروهای متجاوز به خود گرفته است . خشکی عمیق و انسانی‌بر چهره مردم

مردم رسید . مردم دسته دسته به سراغ مایه‌های آمدند تا از زبان خودمان آنچه را که در خرمشهر گذشته بود ، بشنوند . در چشمان همه آنها از زن و مرد ، پسر و جوان می‌خواندی که ای گاش ما آنجا بودیم تا جلوی این تجاوزگران وحشی را

زحمتکشان وطنش تقسیم می‌کند و با ایمانی عظیم از انقلابش در برابر گلوله دشمن دفاع می‌کند . دلم می‌خواهد به گوش زحمتکشان سراسر جهان برسانم که اینجا چه حماسه‌هایی از قهرمانی خلق و چه جنایات هولناکی از سوی دشمنان بشریست

مرزی نیست و من با چشمان خود می‌دیدم که چگونه فرزندان قهرمان میهن به استقبال مرگ می‌روند تا زندگی آزاد و آباد فردا را شکوفان کنند . رزمندگان جنوب از فارس و عرب با کونکول و سمراهی و هر چه که دستشان می‌رسد در برابر



زحمتکش دزفول سایه افکنده است ، روح مقاومت و همبستگی کاملاً موج می‌زند . روی دیوار هر کوچه ، عکس شهیدی دزفول که در اثر حمله شبانه جانان را از دست داده‌اند ، ما را می‌خکوب می‌کند . همه از یک خانواده‌اند ، پسر و دختر ، پدر و مادر . مردم دسته دسته به عکس‌ها نگاه می‌کنند و با تأسف و خشم سرشان را با تکان می‌دهند . آنها هم شهریان خود را می‌شناسند . می‌دانند از کدام محله و کدام خانه هستند . خاطراتی باهم داشته‌اند ، در یک کارخانه کار می‌کردند و با روی زمین جان می‌کندند . رنج بیماری و رنج بی‌دوایی را با هم می‌کشیدند . با هم مبارزه کردند تا استبداد را براندازند ، با هم تلاش می‌کردند که دست فئودال‌ها را کوتاه کنند و با شوراهای خودشان را بسازند . سند محکومیت رژیم تجاوزگر عراق چشم‌های نگران و دستان‌های پنهان‌بسته بقیه در صفحه ۵

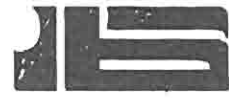
بگیریم ... نه خلق ما از پهای نمی‌نشیند . با این روحیه مقاومت‌جو و خستگی‌ناپذیر که تجلی آن را در دست‌های کوچک نوجوانانی که سنگر می‌سازند و با خنده‌ها پشان امید پراکنده می‌کنند ، می‌توانی ببینی ، خلق ما هرگز از پای نخواهد نشست . خلق ستم‌پدیده ما انقلاب را ادامه خواهد داد و ما امپریالیسم آمریکا را که دزخیم تمام خلق‌های جهان است از خاک خود بیرون خواهد راند . شب تاریک اکنون شهر ما را در تاریکی فرو برده اما ستاره فروزان چشم‌های بیدار مردم ، به ما می‌گوید :  
صبح نزدیک است . صبح رهایی زحمتکشان . با اتحاد آنهاست که نظام ستمگر سرمایه‌داری که همه جنگ‌های کثیف و تجاوزگرانه از درون آن نشاء می‌گیرد ، محو خواهد شد . آنگاه برق صلح و آزادی برخانه مردم در نسیمی سبک به رقص در خواهد آمد .  
با نفرت از جنگ ، با

می‌گذرد . دلم می‌خواهد از تنگ نظری‌ها و تزلزل‌ها از خیانت برخی از فرماندهان ارتش بگویم . بالاخره روز ۲۴ مهر ماه فریاد رسید . روزی که خرمشهر "خونین‌شهر لقب گرفت . این روز ، روز مقاومت مردم و روز شهادت آنها بود . روز جانبازی نیروهای پاسدار ، بسیج و هواداران سازمان . دسته ما با تمام قوا از ستاد مستقر در بانک عمران خرمشهر دفاع می‌کرد . من همراه دیگر هم‌رزمان ، حدود ۸ ساعت تمام با کالیبر ۵۰ شلیک کردم ، اما قوای دشمن با استفاده از آتش توپخانه ، لحظه به لحظه جلو می‌آمد و حلقه محاصره را تنگ‌تر می‌کرد . ۳۵ نفر شهید و چندین نفر هم به سختی مجروح شده بودند . فقط من و دو پاسدار باقی مانده بودیم که عازم آبادان شدیم بعد از رسیدن به آبادان به ستاد جنگ رفتیم و گزارش واقعه را دادیم . هنوز ساعتی از ورود ما به شهر گذشته بود که خبر مقاومت و جانبازی دسته ما به گوش

دشمنان تجاوزگر مقاومت می‌کردند . آدم در اینجاست که پیوستگی و اتحاد خلق را به میان می‌بیند . دلم می‌خواهد فریاد بزنم و به جهانیان اعلام کنم حماسه مقاومتی را که در این خطه از خاک میهن ما جاری است . دلم می‌خواهد بگویم آنچه را که از ایستادگی خلق ستم‌پدیده عرب می‌بینم ، خلقی که سالهاست در اسارت فرهنگی و اقتصادی حکومت‌های دست‌نشانده و فئودال‌ها و شیوخ مرتجع به سر می‌برند ، بگویم که سرمایه‌داری ، عرب و فارس ، کرد و لر ، بلوچ و ترک نمی‌شناسد . بگویم که توده‌های عرب خرمشهر ، آبادان و سوسنگرد ، تحت سخت‌ترین شرایط ، در زیر آفتابی سوزان ، در دل خاکی شور در میان هزاران ستم غیر انسانی که از زاندارم و ساواک و شیوخ مرتجع دیده است ، باوجود کشتار توطئه‌گرانه تیسار مدنی و در زیر باران گلوله ارتش صدام ، هنوز دار و ندار خود را با دیگر

# بسیج مسلحانه توده‌ها ضامن پیروزی خلق‌های ماست





بعید از صفحه ۴

# خلق ما از پای نمی نشینند...

زحمتکشان این خطه است. دزفول به خاطر مرگ عزیزانش سه روز عزای عمومی اعلام کرده است. خیابان آفرینش محل اصابت یکی از موشکهاست. از صد متری آثار تخریب دیده می شود. حدود ۲۰ خانه فرو ریخته است. از خانه‌ها جز تلی از آجر و آهن و حفره‌های گشادی که در اثر انفجار به وجود آمده، چیز دیگری دیده نمی شود. درختان اطراف لخت و

وقتی برای تو حرف می زنند. وقتی با تو دست می دهند. وقتی راهنمایی ات می کنند. وقتی حرف های تو را گوش می دهند، حتی در چهره مرد میانسالی که تمام خانواده اش را از دست داده، روحیه مقاومت، زنده و پیکارجو، وجود دارد. می گویند ارتش تجاوزگر عراق بی خود خیال کرده است. ما شهر را ترک نخواهیم کرد. می گویند: جوانان رزمنده و

بیمارستان های شهر مشغول به کار شدم. کاری طاقت فرسا اما شوق انگیز. تمام کارکنان بیمارستان، همه آنهایی که قلبشان به خاطر انسان های ستمدیده می تپد، از پزشک و جراح و پرستار آستین های را بالا زده و به مداوای مجروحین جنگ مشغولند. آمار شهدا و زخمی ها بالاست. بیشتر از مردم محلات فقیرنشین خوزستان هستند. کارگر عربی، می آید. جسد متلاشی

و برای گرما بخشیدن به وجود خویش، دست های زخمین اما بیرومند توده ها را در دست می گیرد.

## ۲۷ مهر

برای آموزش کمک های اولیه به محله "صد دستگاه" رفته ایم. دو بعد از ظهر بود آفتاب جنوب مثل همیشه نمی تابد. مدت ها است که از تابش خود بر خاک خونین خوزستان دلگیر است. گرمایش دیگر صبحگاهان پایشی پیرمردان و پیرزنان را به پشت کلبه های گلین خود نمی کشاند. می خواهیم به مسجد برویم. اما در بسته است. پاسداران محل و پیش نماز آنجا همگامی نمی کنند. یک ساعتی معطل می شویم. مردم محل بعد از اینکه فهمیدند برای آموزش دادن آمده ایم از ما استقبال خوبی کردند. می خواستند بدانند از طرف چه سازمانی آمده ایم. گفتیم ما وظیفه خود می دانیم در خدمت مردم باشیم. دلممان می خواهد تا آنجا که می توانیم کمک کنیم. حدود یک ساعتی در مورد کمک های فوری صحبت کردیم. سپس پیشنهاد تشکیل کمیته های امداد محلی را دادیم که با استقبال همه جوانان روبرو شد. همانجا سه کمیته از میان جوانان تشکیل شد. قرار شد که با سه نفر از آنها در تماس باشیم و راهنمایی های لازم را بدهیم. پس از آن به محل کارمان برگشتیم. ۳۰ مهرماه:

رفتیم. تمام زن ها و دخترهای محل برای آموزش کمک های فوری جمع شدند. طبق اظهار مردم عده ای به آنجا آمده و به آنها گفته بودند: " اینها که اینجا می آیند ضد خلقی هستند" مردم محل در جوابشان گفته بودند: " بروید پی کارتان! کدام ضد خلقی می آید اینجا توی این همه کثافت و خاک به ما چیز یاد بدهد؟" کار که تمام شد سه مدرسه ای رفتیم. در یک قسمت از حیاط پسر ها در حال تمرین پر تاب نارنجک و حرکات دیگر نظامی بودند کسی که به آنها آموزش می داد یکی از رفقای خودمان بود. احساس غرور می کنم.

اهواز همچنان مورد حملات آتشبارهای نیروهای متجاوز عراقی است. خیابان ها سوراخ سوراخ شده، دیوارها فرو ریخته اما مردم همچنان مقاوم آمده در گوشه و کنار شهر به سنگر سازی مشغولند. هواپیماهای عراقی به سرعت آمدند و شهر را زیر آتش گرفتند. شدت انفجارها زیاد بود. آنهایی که توی خیابان بودند، به طرف پناهگاهی می دویدند. صداها هر لحظه شدیدتر می شد همه فریاد می زدند:

بیماران هوایی،  
کنار دیوار دراز بکشید!

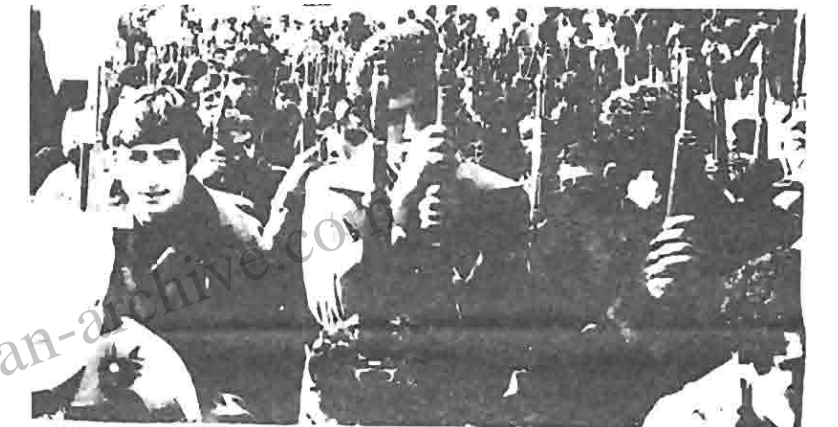
به طرف بیمارستان دویدم بیماری درحالی که کیسه سرمش را در دست گرفته بود می دوید، بیمار دیگری با پای گچ گرفته در حال فرار بود... هواپیماها مدام می آمدند و مناطقی را زیر بمباران می گرفتند.

بیمارستان شلوغ شده بود به هرکجا که نگاه می کردم رفقایم را می دیدم که بر سر کارشان مانده اند و با جدیت به مردم کمک می کنند. از بودن آنها احساس غروری به من دست می داد. قلمم گرم می شد. در این تولاها، در این رفت و آمدها از اینکه مرهمی روی زخمی بگذارم و یا تسلائی دردمندی باشم شوقی همراه با اندوه به من دست می داد. شوق از اینکه همراهشان هستم و اندوه از اینکه می دیدم این جنگ لعنتی بیشترین طعمه های خود را از میان زحمتکش ترین

شده دوستش را روی دست دارد. می گوید: ما با هم همسایه بودیم. می خواستیم دو تا گاو میشی را که داشت به جای امنی ببریم که هواپیماها، خانه گلی اش را زیر بمباران گرفتند

مشتن را بلند می کند و با همه وجودش فریاد می زند: " مرگ بر آمریکا، لعنت بر جنگ. چند نفر زخمی را با هم می آورند، زیر ترکش خمیازه بدن همه شان له و لورده است. نای حرف زدن ندارند. اما می گویند اول آنهایی را که وضعیتش خرابتر است به اطاق عمل ببرید. مقاومت، پایداری، عشق به یکدیگر، جوان آفتابی در چشم های آنان می درخشد در این بحبوحه مرگ و زندگی احساس می کنم قطره ای در برابر سیلاب امید دهند، خلق هستم. برادری، خواهری، رفیقی که برای کمک به مردم قهرمان میهنش

اول آبان:  
برای بار سوم به کپرآباد



پاسداران دستجات چریکی درست کرده اند. می گویند شب ۸۰ نفر از آنها را از بین برده ایم. پیرمردی می گوید: من اینجا متولد شدم. اینجا زندگی کرده ام، اینجا پسرم را زن داده ام. با این مردم کار کرده ام و رنج کشیده ام مبارزه کرده ام تا فردا بچه های دخترم سر خود را گرسنه بر بالین نگذارند. من اینجا را حفظ خواهم کرد!

سوخته، بر مزار این زحمتکشان قربانی جنگ، پیراهن دریده و سگوار نشسته اند. حدود ۳۰ نفر در این محل شهید شده اند. هنوز بوی اجساد زیر خاک مانده می آید، بولدوزر مشغول کار است و مردم تا آنجائی که دستشان برسد با تمام تولا دارند کند و کاو می کنند. به کمکشان می رویم. در لابلای آجر و خاک، کارنامه تحصیلی بچه ها را پیدا می کنم. اینجا در دل این خاک زندگی ها مدفون شد. خاطراتی به خاک سپرده شد و دستهایی که در کار و نبرد برای رهایی زحمتکشان بود، از تلاش باز ایستاد...

آسیب منطقه خیابان فلسطین بیشتر است. حدود ۳۰ خانه خراب شده و نزدیک به ۴۰ نفر کشته شده اند. مردم می گویند، تلفات دزفول در اثر حمله موشکی بیش از ۲۰۰ نفر بوده است. با این همه در حرکات آنها،

**اهواز سرابا**  
**به جنگ نشسته است**  
**مرگ بر آمریکا،**  
**لعنت بر جنگ**

اهواز  
۲۶ مهر

از نخستین روزهای جنگ تاکنون، در شلوغ ترین

بغیبه در صفحه ۲۱

مردم میهن ما ناقطع کامل سلطه امپریالیسم آمریکا  
به مبارزات خود ادامه خواهند داد

## ○ به حمایت از آوارگان جنگ برخیزیم



جنگ جنایتکارانه و تحمیلی رژیم مرتجع صدام بیش از یک میلیون نفر از مردم میهن ما را آواره شهرها و روستاها کرده است. در شهرهای نزدیک جبهه هزاران خانواده بی سرپرست در سرگردانی به سر می برند. جنگ بیشترین خسارات جانی و مالی را به زحمتکشان شهرها و روستاها وارد آورده است. در حالی که سرمایه داران و خانواده های مرفه در دو سه روز اول جنگ شهرها را ترک کردند و حتی بسیاری از آنها کلیه اثاثیه خود را با پرداخت مبالغی هنگفت با کامیون به شهرهای امن حمل نمودند. اما اکثریت زحمتکشان تا مدت ها پس از شروع جنگ در آن مناطق ماندند و تنها هنگامی مجبور به ترک شهرها و روستاها شدند که حملات مداوم توپخانه و بمباران های هوایی عراق تنها سرپناه آنان را با خاک یکسان کرده بود و آنان را بی دفاع و بی سلاح در برابر این حملات وحشیانه قرار می داد. بدون شک اگر دولت با برنامه های سریع و پیش بینی شده اقدام به بسیج مسلحانه زحمتکشان می کرد، اگر چنانچه کودکان، مادران و سالخوردهگان از زیر آتش و بمباران دشمن به جای امنی انتقال می یافتند و یا در پناهگاه های امن اسکان داده می شدند، مطمئناً زحمتکشان و جوانان بی شماری حاضر به ترک شهرها نمی شدند. تنها عدم سازماندهی و تشکل اهالی، دلسردی ناشی از شرکت نداشتن در جنگ به هر شکل و صورتی، نگرانی نسبت به سرنوشت کودکان، سالخوردهگان و اعضای خانواده، تعداد بی شماری را مجبور به ترک محل کرده است. حتی روستائیان نواحی مرزی و اطراف کارون که تنها و بدون سلاح در برابر هجوم وحشیانه نظامیان عراق قرار گرفتند، مجبور شدند با برجای گذاشتن ذخیره غذایی، وام و احشام خویش محل زندگی خود را ترک کنند و با پای پیاده روان نقاط امن تر شوند. اکنون شهرهای مجاور در نقاط جنگ زده در مواردی حتی بیشتر از جمعیت اصلی خود با انبوه آوارگان روبروست.

سند جنایت رژیم عراق را می توان با بی خانمانی هزاران دهقان، کارگر، کاسب و سایر زحمتکشان شهر و روستا و به همراه زن و فرزند و سالخوردهگان در دهها شهر استان های کرمانشاه، لرستان و خوزستان به وضوح مشاهده کرد.

بخش ملائانی (نزدیک اهواز) و روستاهای اطراف آن مثل ندافیه، زورآباد و... بخشی از فقیرترین جنگ زدگان را در خود جای داده است در این ناحیه کمبود غذا و مایحتاج عمومی امکانات پزشکی و داروئی شدیداً محسوس است. بیماری های عفونی و زنده های بخصوص در میان کودکان شایع و رو به افزایش است. عده ای از جنگ زدگان که به ایلام مهاجرت کرده اند در آنجا با بی پولی و بی غذایی و بدون سرپناه مناسب درگیر هستند. نفت کمیاب است و در چهره زحمتکشان محلی و آوارگان نگرانی از یک زمستان سخت نقش بسته است.

جمعیت شادگان (از شهرهای خوزستان) در حالی که پیش از جنگ کمتر از ۲۰ هزار نفر بود، اکنون چندین برابر شده است. تراکم جمعیت، در این شهر به حدی است که مدارس و مساجد و مجلسن های هایش هزاران خانواده را در خود جای داده است. تنها "جهاد سازندگی" به یاری مردم آواره شتافته و با نصب تعدادی حادربجسی از جنگ زدگان را جای داده است. شهر سوسنر به محل تجمع مهاجرین و آوارگان شهرهای آبادان، خرمشهر، شوش و دزفول

بیدل شده است. افزایش جمعیت این شهر چند برابر جمعیت بومی اش گزارش شده است. مناطق بهبهان، گچساران، آنجاچی، دهدشت و کهگیلویه ملو از انسان های دردمند، کودکان معصوم و زنان و مادرانی است که در این شهرها آواره هستند. در شهرک سراب نیلوفر (۲۵ کیلومتری کرمانشاه) تعداد ۹۵۰۰ نفر از جنگ زدگان قصر شیرین در زیر چادر اسکان یافته اند. ساکنین این اردوگاه که غالباً سالخورده، زن و کودک هستند به خاطر سردی هوا، فقدان بهداشت و شرایط نامساعد تغذیه در معرض خطر قرار دارند.

همچنین در شهر کرمانشاه چندین هزار آواره جنگی به سر می برند. بیش از ۳۰ هزار نفر به شیراز روی آورده اند و شهرهای استان لرستان، همدان و اراک نیز تعداد زیادی را در خود جای داده اند.

مسئله آوارگان مشکلی بسیار جدی است که باید به آن توجه فوری شود. همچنانکه گسیل نظامیان به جبهه و رساندن مهمات و ادوات جنگی به آنها از وظایف مهم جنگی دولت است، برخورد جدی با مسئله آوارگان نیز از وظایف مهم جنگی است که باید به آن توجه داشت. از این رو دولت باید با به کار گرفتن کلیه امکانات و بدون تلف کردن وقت برای اسکان آوارگان محل های مناسب در نظر گیرد و غذا و بهداشت آنها را تأمین نماید. هرگونه سهل انگاری در این مورد می تواند زمینه را برای تبلیغ عوامل دشمن

فراهم کرده و عواقب وخیم و غیرقابل جبرانی به بار آورد.

همراه با اسکان آوارگان باید زمینه انتقال مادران، کودکان و سالخوردهگان را از شهرها و روستاهایی که در معرض تهاجم دائمی دشمن هستند، فراهم آورد و با ساختن پناهگاه های امن شهرهای مورد تهاجم را به دژهای نفوذ ناپذیر مبدل کرد.

از این طریق دولت باید به اهالی مناطق جنگ زده نشان دهد که تنها نیستند و از حمایت بی دریغ میلیون ها مردم سراسر ایران برخوردارند و بدین ترتیب می توان و باید انرژی هزاران هم میهن جنگ زده و آواره را بیش از پیش برای دفاع از استقلال و آزادی میهن سازمان داد.

هرگونه بی توجهی به مشکلات هم میهنان آواره و کوچکترین اهانت به غرور میهن پرستانه آنها تحت عنوان فرار از جنگ و غیره، ضربات جبران ناپذیری بر روحیه انقلابی آنها وارد می آورد و این عمل قبل از هر چیز زمینه را برای تبلیغات عوام فریبانه و ضد انقلابی عوامل امپریالیسم آمریکا و رژیم مرتجع صدام فراهم خواهد آورد.

بدون شک وظیفه هر میهن پرست و انقلابی است که در ادامه وظایف میهنی خود و در راه دفاع از میهن انقلابی، به یاری آوارگان شتافته و ارگان هایی همچون کمیته امام، هلال احمر و سایر ارگان های انقلابی، که در راه کمک به آوارگان جنگ بسیج شده اند را یاری دهد.

### مدافعین قهرمان آبادان

در برابر ارتش متجاوز رژیم ضد خلقی عراق همچنان به مقاومت پیر شکوه خود ادامه می دهید!

برای تداوم مقاومت قهرمانانه رزمندگان آبادان، ضروری است:

- ۱- پاسداری و نیروهای بسیج شده مردمی به سلاح های سنگین مجهز شوند!
- ۲- کارگران و نیروهای انقلابی که جانبازانه اما با دست خالی به دفاع از شهر مشغولند، به فوریت مسلح گردند!
- ۳- ارتش در ارسال تجهیزات و قوای پشتیبانی برای مدافعان شهر، حتی یک لحظه هم نباید درنگ کند!

سارمان چریکهای فدایی خلق ایران (اکثریت) - شاخه خوزستان

۱۳ آبان ماه ۱۳۵۹

اتحاد دانش آموزان و  
معلمین اخراجی بوشهر

• اخبار...  
بمه از صفحه ۲۴

فعالیت کمیته کمک رسانی به  
برنج کاران آستارا

به دنبال اخراج یکصد تن از طلمان مبارز بوشهری از طرف اداره آموزش و پرورش بوشهر، دانش آموزان و معلمان خواستار بازگشت معلمین خود می شوند و از حضور در کلاس درس معلمینی که به جای طلمان اخراجی به کلاس فرستاده می شوند، خودداری می کنند.

طلمان دلجو و مبارز موجب می شود که آموزش و پرورش بوشهر در مورد اخراج طلمان تجدید نظر کرده و به دنبال اخراج یکصد تن از طلمان مبارز بوشهری از طرف اداره آموزش و پرورش بوشهر، دانش آموزان و معلمان خواستار بازگشت معلمین خود می شوند و از حضور در کلاس درس معلمینی که به جای طلمان اخراجی به کلاس فرستاده می شوند، خودداری می کنند.

طلمان دلجو و مبارز موجب می شود که آموزش و پرورش بوشهر در مورد اخراج طلمان تجدید نظر کرده و به دنبال اخراج یکصد تن از طلمان مبارز بوشهری از طرف اداره آموزش و پرورش بوشهر، دانش آموزان و معلمان خواستار بازگشت معلمین خود می شوند و از حضور در کلاس درس معلمینی که به جای طلمان اخراجی به کلاس فرستاده می شوند، خودداری می کنند.

آستارا:

هواداران سازمان آستارا به هنگام برداشت محصول برنج، با برهنگان محلی که محل اجتماع هواداران و جوانان شهر برای کمک رسانی به برنجکاران بود شروع به فعالیت کردند. از نخستین روز فعالیت کمیته کمک رسانی مردم و به ویژه هواداران گروه به بهانه جادر مراجعه می کردند و به کشتزارها اعزام می شدند تا دواغوش برنجکاران به برداشت محصول بپردازند. لازم به یادآوری است که باران های موسمی که هنگام برداشت برنج آغاز می شود لطمه زیادی به محصول وارد می کند و موجب بوسیدگی به همین منظور برنجکاران به نیروی زیاد احتیاج دارند تا قبل از باریدن باران محصول خود را جمع آوری کنند. با توجه به این امر فعالیت پیگیر هواداران با استقبال روستائیان روبرو شد.

حرکت مردمی هواداران سازمان، در آستارا و در روستاهای اطراف بازتاب گسترده ای داشت و پیوند ناگسستنی فدائیان خلق را با زحمتکاران به نمایش گذارد.

دومین مدیرکل

بانک ملی  
هم به خارج  
فرار کرد

حسین الماسی مدیر کل بانک ملی که سه ماه پیش برای شرکت در یک کنفرانس بانکی به مصر رفته بود، از پاریس درآورده است! وی بعد از "جلیل شرکا" دومین مدیر کل بانک ملی است که به خارج فرار می کند. سازمان چریکهای فدایی خلق ایران (اکثریت) در "کار" شماره ۴۵ به تاریخ دوشنبه ۲۱ آبان ۱۳۵۸، حسین الماسی و جلیل شرکا و ۳۰ نفر دیگر از مدیران وابستگان به رژیم سابق بودند. افشاء کرد و خواهان برکناری آنها شد.

براساس مدارک تا که یکسال پیش منتشر شد، حسین الماسی قبیل از انقلاب در راس چند بانک مهم کشور از جمله بانک دارپوش و بانک بین المللی قرار داشت. مدارک نشان می دادند که الماسی مدافع سرخست سرمایه داران وابسته به امپریالیسم است. با این وجود وی پس از انقلاب به مدیریت عامل بانک تهران منصوب شد و پس از فرار جلیل شرکا مدیر کل سابق بانک ملی، جای او را گرفت. چندی پیش الماسی به وسیله انجمن اسلامی و هیئت پاکسازی نیز افشاء شده بود. فرار حسین الماسی که در راس یکی از مهم ترین بانک های کشور قرار داشت، یکبار دیگر خاطره فرار تیمسار مدنی، خسرو قشقایی و... دیگر نوکران امپریالیسم را به یاد می آورد.

سیاست های مسامحه کارانه ای که به این عوامل سرسپرده امکان می دهد همچنان بعضی از مواضع مهم ملکنی را در دست داشته باشند، تاکنون ضربات جدی بر انقلاب میهن ما وارد آورده است. فرار حسین الماسی زنگ خطر دیگری است که ضرورت مقابله هرچه قاطع تر با لیبرال ها و همه مدافعین سرمایه داری وابسته را ایجاب می کند.

تقرقه افکنان

دشمنان مردم اند

هم میهنان مبارز!

در مراسم تشییع جنازه دو تن از شهدای فدایی که در جریان مبارزه ای فیرمانانه علیه امپریالیسم آمریکا و رژیم جنایتکار صدام در سنگرهای سرخ خوزستان جان باختند، مردم مبارز شهرهای کرمان و رشت شاهد اعمال غیرانسانی و شرم آور عده ای عناصر متعصب و ناآگاه به رهبری گروهی از اوباشان و مزدوران شناخته شده بودند. اینان که وظیفه ای جز تلاش مذبحخانه علیه وحدت و یکپارچگی مردم مبارز میهن ما برای خود نمی شناسند، در مراسم تشییع جنازه کارگر شهید فدایی خلق حبیب الله فرحبخش اهل کرمان و رفیق علی صاف اهل رشت که جنازه آنان برای دفن به زادگاهشان فرستاده شده بود، بیشرمی را بغایت رساندند. این گروه معدود درحالی که ظاهراً شعارهایی به طرفداری از اسلام می دادند، در جلو چشمان مادران و پدران پیر شهدا، در جلو چشمان غمزده خانواده های قهرمانی که عزیزانشان را در راه انقلاب و دفاع از استقلال ایران از دست داده و در برابر انظار مردمی که گرد آمده بودند تا یاد شهدای خلق را گرمی دارند، ضمن تکرار زنده ترین شعارها علیه شهدای فدایی، به تشییع کنندگان حمله ور شده و مراسم تشییع شهدا را با اقداماتی شرم آور و غیر انسانی برهم زدند.

شهید حبیب الله فرحبخش، این کارگر فدایی خلق به محض تهاجم رژیم صدام، خود را به خوزستان رساند و مثل هزاران کارگر دیگر، برای دفاع از میهن جان بر کف در کنار زحمتکاران، در کنار پاسداران، سربازان و افسران و درجه داران میهن پرست علیه تجاوزگران به نبرد برخاست و تا هنگامی که به شهادت رسید، لحظاتی از پیگار و تلاشی علیه دشمن باز نایستاد.

رفیق شهید علی صاف نیز در همان روزهای آغاز تهاجم مزدوران یعنی به جبهه های نبرد خونین خوزستان شتافت و تا لحظه شهادت دلیرانه با دشمنان مردم به نبرد پرداخت.

هم میهنان مبارز!

هویت سردستان اوباش این گروه ها که این چنین به مقدسات و سنن میهنی، مذهبی و ملی مردم ایران جسارت دردهاند، بر اهالی شهرهای کرمان و رشت و بر سازمان ما معلوم است. اما تاکنون مقامات مسئول



(اکثریت)

در کرمان و گیلان نه تنها هیچ اقدامی برای دستگیری و مجازات آنان نکرده، بلکه به قرار اطلاع با حمایت برخی مسئولان مشکوک این دو استان، جسارت یافته اند به چنین اعمال وحشیانه، ضد مردمی و بیشرمانه دست بزنند.

آیا از این اعمال جنایتکارانه چه کسی بجز امپریالیسم آمریکا و متحدان آن سود می برد؟ آیا عاملین این فجایع را بجز خدمتگزاران و مزدوران امپریالیسم چه می توان نامید؟

ما با صراحت اعلام می داریم کسانی که این اعمال جنایتکارانه را رهبری کرده و یا از آن حمایت کردند، در هر پست و مقامی که باشند، دشمن انقلاب و مردم ایرانند. ما و هر نیروی ضد امپریالیست دیگری موظفیم چهره کریه این دشمنان وحدت و یکپارچگی مردم را در پیشگاه خلق افشاء کنیم.

این اعمال غیرانسانی و نفرت انگیز آنهم در این شرایط حساس، گوشه ای از تلاش مذبحخانه دشمنان انقلاب علیه مردم ستمدیده ایست که هم اینک علیه عظیم ترین تجاوز امپریالیسم، قهرمانانه پیگار می کنند.

باتوجه به اینکه هویت سازمان دهندگان و رهبران اینگونه جنایات بر مردم کرمان و رشت روشن است، هرگونه تعلل در دستگیری و محاکمه آنان دست آنها و اربابان آنها را برای ادامه این قبیل اقدامات و ایجاد یاس و دلسردی و پراکندگی میان مردم و به شکست کشاندن انقلاب باز می گذارد.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران (اکثریت) ضمن تاکید بر این نکته که محافل ترقیخواه و ضد امپریالیست حکومت جمهوری اسلامی از عواقب اعمال وحشیانه این عناصر مرتجع آگاهی دارند، خواستار دستگیری فوری و مجازات آنان است.

ما بار دیگر بهرغم همه تلاشهای مزدوران امپریالیسم اعلام می داریم که پیگیرتر و مصمم تر از همیشه بر پیمانی که با خون فدائیان شهید امضاء شده است، وفاداریم و این اعمال بیشرمانه هرگز صدها هزار فدایی خلق را که جان برکف برای دفاع از میهن و برای وحدت همه مردم مبارز ایران از هر عقیده و مذهب و ملیتی که هستند، پیگار می کند، باز نخواهد داشت.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران (اکثریت)  
یکشنبه ۱۸ آبانماه ۱۳۵۹



کارگران شرکت راهسازی آریل (میانہ):

«ما داریم به»

لزوم مبارزهٔ یکپارچه و متشکل پی می بریم

شرکت راهسازی و ساختمانی آریل، متعلق به مقاطعه کاران بزرگی چون هاشمی و پیور ناصریان است. این شرکت با چند هزار کارگر راهسازی و ساختمانی در شهرهای متعددی از جمله میانه، اراک، مرند، بوشهر، ساوه و... کارگاه دارد. این کارگران تحت سخت ترین شرایط کار در برف و بوران زمستان و گرمای تابستان و بدون برخورداری از حداقل حقوق رفاهی و خدمات تأمین اجتماعی، با کمترین دستمزدها کار می کنند. حداقل دستمزدها حتی تا همین اواخر از ۳۰ تا ۵۰ تومان تجاوز نمی کرد. ولی پس از آنکه کارگران کارگاه ساوه بطور یکپارچه نسبت به شرایط کار و افزایش دستمزدشان دست به اعتراض زدند و موفق به افزایش دستمزدها شدند، کارگران کارگاه ساوه نیز برای بهبود شرایط کار و افزایش دستمزدشان به حرکت درآمدند. در کارگاه میانه، صاحبان شرکت حتی از پرداخت منظم و مستمر همان دستمزد ناچیز کارگران نیز امتناع می کردند و گاه پرداخت دستمزدها ماهها به تعویق می افتاد و فشار زندگی را بر خانواده های کارگران غیرقابل تحمل می نمود. یکی از کارگران شرکت آریل که سه ماه بود شرکت حقوقش را نپرداخته بود، می گفت:

«من وقتی به خانه می روم نمی توانم به روی بچه هایم بخندم چون در آن صورت آنها از سر و کولم بالا می روند و از من پول می خواهند و آن وقت من کفتم می شوم. ناچارم در خانه، با زن و بچه هایم شهر

باشم.»  
در شرکت راهسازی آریل، یک سنت ردیلانه ضد کارگری نیز وجود دارد و آن وجود پرسشنامه ای (تعهدنامه) است که به وسیله یکی از کارگران دغلاکار کارفرما تهیه شده و هم کارگران در آغاز کار موظف به امضاء و اجرای آن هستند. این پرسشنامه، کارگران با سابقه شرکت را بدون آنکه بتوانند حقوق و مزایای سابقه کارشان را طلب کنند، مجبور به تمهید شرایط یکجانبه ای می کند که کارفرما تعیین کرده است. آنچنانکه براساس آن حتی حقوق ۶۳۵ ریال (که حداقل دستمزد روزانه یک کارگر ساده است) به کارگران فنی نیز پرداخت نمی شده است. کارگران که از این شرایط کار در رنج بودند ابتدا تک تک به کمیته میانه شکایت می کردند بدون آنکه نتیجه ای از این مراجعاتشان بگیرند. بتدریج به تجربه دریافته اند که باید: اولاً- هر حرکتی که می خواهند بکنند نه به صورت تک تک بلکه بطور جمعی پیش ببرند. ثانیاً- آموختند که قبل از هر چیزی باید روی پاهای خودشان بایستند و کسی بجز خود آنها حششان را نخواهد گرفت آنان در ابتدای مبارزات صنفی شان (که عمدتاً حول شرایط کار و دستمزدشان دور می زد) به واسطه کم تجربگی در برابر تهدید به اخراج و... دست از مبارزه کشیدند و یا در برابر آن واکنشهای ناهماهنگ و متفاوتی از خود نشان می دادند و هرکسی سعی داشت، به شیوه خودش با مسئله برخورد کند و یا با آن "کار نباید" ولی بتدریج کارگران پیشرو و

انقلابی توانستند به اتکای همین تجارب مبارزاتی و ارائه تجارب پیروزمند کارگاه های دیگر، این اعتراضات پراکنده را سازماندهی نموده و بتدریج سطح مبارزه را ارتقاء دهند تا اینکه در روزهای آخر شهریور کارگران بطور یکپارچه، برای بهبود شرایط کارشان دست به حرکت اعتراضی جدیدی زدند و این بار نیز عوامل کارفرما ابتدا سعی کردند بین کارگران تفرقه بیاندازند و این حرکت را به شکست کشانند. آنها سعی کردند با دادن "پاداش" (رشوه) به کارگران پیشرو و نمایندگان دیگر، مانع از پیشرفت کار شوند اما کارگران با هشیاری و قاطعیت انقلابی شان این اقدام سالوسانه کارفرما را نزد کارگران افشا کردند. کارفرما بدنبال این شکست در صدد تلافی برآمد و یکی از نمایندگان کارگران را به دلایل واهی اخراج نمود ولی کارگران، متحد و مصمم به خاطر اخراج نماینده شان در کارگاه اجتماع نمودند و خواسته های خود را به شرح زیر اعلام کردند:

- ۱- برگرداندن نماینده بر سر کار.
- ۲- پرداخت حق مسکن و حق اولاد و حق خواربار.
- ۳- پرداخت مابه التفاوت حقوق از بدو کار
- ۴- لغو پرسشنامه و تعهدنامه اشتغال.

سرانجام اولین حرکت مبارزاتی یکپارچه و پیگیرانه کارگران راهسازی شرکت آریل به نتیجه رسید و کارفرما مجبور به قبول خواسته های کارگران شد. کارگران آموختند که این پیروزی قبل از هر چیز مرهون اتحاد و یکپارچگی آنهاست. این پیروزی باید مقدمه ایجاد تشکلی مستحکم و پایدار گردد. تشکلی که بتواند مبارزات طولانی و دشوار کارگران را برای تحقق پیروزی های بزرگتر به شایستگی رهبری کند. یکی از کارگران پیشرو آریل مهم ترین درس این حرکت مبارزاتی را این چنین خلاصه کرده است:

«ما داریم به لزوم مبارزه یکپارچه و متشکل پی می بریم.»

راه حل کارگران پیشرو

کارخانجات کفش ملی برای جلوگیری از

بسته شدن کارخانه و ادامه تولید

امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم امریکا مادامی که قدرت سیاسی ایران در دست نیروهای ضد امپریالیست است، برای فلج کردن اقتصاد ایران و تشدید بحران اقتصادی - سیاسی، از ارسال مواد اولیه ضرور و کالاهای استراتژیک اکیدا خودداری خواهد کرد.

از آنجا که تداوم و تعمیق انقلاب ضد امپریالیستی ما به تداوم تولید و تأمین استقلال اقتصادی بستگی دارد و از آنجا که کارگران ایران بیش از هر نیروی دیگری خواهند تداوم تولید و استقلال و آزادی میهن هستند، از هم اکنون می بینیم که چگونه در کارخانه ها و کارگاه ها، در رابطه با کمبود مواد اولیه و ضرورت تداوم تولید، قبل از همه و بیش از همه نیروهای طبقه کارگر قهرمان ایران است که به مسئولیت انقلابی خطیرش که مبارزه مجدانه در راه تداوم تولید و تأمین استقلال اقتصادی است، توجه نشان داده است. در اینجا نمونه ای از این تلاش های مسئولانه و انقلابی را که در کارخانجات کفش ملی طی روزهای اخیر شاهد بوده ایم، می آوریم:

کارگران پیشرو و انقلابی کارخانجات کفش ملی بیانیهای به شرح زیر منتشر کردند که ذیلاً قسمت هایی از آن را نقل می کنیم:

چه راه حلی برای جلوگیری از بسته شدن کارخانه و ادامه تولید داریم؟

دوستان کارگر! می دانید که کارخانجات کفش ملی یکی از مراکز تولیدی بزرگ ایران است که مواد اولیه و وسایل یدکی این کارخانه از خارج تأمین می شود. مواد پلاستیکی پی.یو. پی. وی. سی. بیشتر از آلمان غربی وارد می شده. ماده پی.یو. پی. که حلال و نرم کننده پی.وی. سی. است، که قبلاً به وسیله شرکت ایران نپتون از بندر خمینی و خونین شهر وارد می شد، اخیراً در اثر جنگ و بمباران این بندر و همچنین محاصره اقتصادی، تهیه این مواد

برای کارخانه دچار اشکالات فراوانی شده است در حال حاضر کارخانه باید برای ادامه تولید و جبران کمبود این مواد از سایر کشورهایی که حاضر به دادن آن هستند، اقدام کند. اخیراً یک هیئت از مجارستان با تمام مسئولین گروه تولیدی کفش ملی تماس گرفته و حاضر شده است تمامی مواد و سفارشات لازم را تأمین کرده و به کارخانه بدهد. کشورهای آلمان شرقی و یوگسلاوی اعلام کرده اند که حاضرند متخصصان کارخانه را آموزش بدهند و در صورت لزوم کارشناس نیز به کارخانه بفرستند. طبقه سرمایه دار همیشه سعی کرده است که کشورهای سوسیالیستی را دشمن مردم و انقلاب ایران جا بزند. بخشی از اقشار کشور ما نیز به تقلید از آنها به کشورهای سوسیالیستی کینه می ورزند و در نتیجه به انقلاب ضد امپریالیستی و دمکراتیک میهن ما لطمه فراوانی می زنند.

امپریالیستها و رژیم ارتجاعی عراق برای بسته شکست کشاندن انقلاب ایران می خواهند اقتصاد و تولیدات کشور ما را فلج کنند تا نتوانند مبارزات مردم ما را به شکست کشانند. ولی مردم قهرمان ایران به توطئه های آنها پاسخی دندان شکن می دهند. در این شرایط سخت مبارزه با امپریالیسم و توطئه های آنها می بینیم که کشورهای سوسیالیستی مجارستان، آلمان شرقی و یوگسلاوی آمادگی کامل خود را برای تأمین تمامی مواد لازم برای ادامه تولید کارخانه اعلام کرده اند.

ما کارگران پیشرو حمایت این کشورها از انقلاب ایران و کمکهای اقتصادی آنها به کارخانجات مان را برای غنی کردن توطئه تحریم اقتصادی و اثرات بحرانی ناشی از جنگ لازم دانسته و از آن استقبال می کنیم و از کلیه مسئولین کارخانجات کفش ملی می خواهیم که موضع و جواب خود را در مقابل این مسئله که مسئله انقلاب ایران و سرنوشت کارخانه و کارگران است، بطور صریح اعلام کنند.

تصفیه فرماندهان و عناصر امریکایی درون ارتش  
گامی دیگر در جهت دفاع از استقلال میهن و  
درهم شکستن تجاوز امپریالیسم جهانی  
ورژیم جنایتکار صدام است





کارگران مجتمع صنعتی قزوین :

«هر آن آماده ایم تا برای دفاع از  
میهن به جبهه اعزام شویم»

کارگران مجتمع صنعتی قزوین دوش بدوش دیگر کارگران رزمنده قهرمان ایران؛ چه در جبهه جنگ و چه در جبهه تداوم تولید، در این مقطع حساس تاریخی شایستگی انقلابی خود را در دفاع از استقلال میهن و تعمیق انقلاب ———— امپریالیستی — دمکراتیک مردم ایران نشان می دهند. نمونه های زیر برخی از اقدامات انقلابی کارگران این مجتمع صنعتی است

۱- کارخانه مهنخ و زرنخ :

۲۵۰ نفر از کارگران کارخانه مهنخ و زرنخ در مجتمع صنعتی قزوین در پاسخ به ضرورت دفاع مسلحانه از کارخانه و شرکت در جبهه جنگ، داوطلبانه در بسیج ثبت نام کردند. کارگران می گویند: ما هر آن آماده ایم تا برای دفاع از میهن و انقلابمان به جبهه اعزام شویم.

۲- کارخانه شیشه قزوین :

۲۰۰ نفر از کارگران کارخانه شیشه برای حفاظت از مخازن کارخانه، روز جمعه را بدون دریافت حقوق کار کردند تا با پرکردن کیسه های شن و قرار دادن آنها در مکان مورد نظر، آن قسمت از کارخانه را که در حملات

و بمباران های هوایی احتمال احتراق آن می رفت حفاظت نماید. هم چنین در این کارخانه بدنیاال اطلاعاتی از طرف شورا، در حدود ۵۰۰ نفر برای آموزش نظامی و اعزام به جبهه و هم چنین دفاع از کارخانه ( کمیته های مسلح دفاع از تاسیسات کارخانه ) ثبت نام کرده اند.

۳- کارخانه بوش :

در کارخانه بوش نیز به پیشنهاد شورا، کارگران در امر آموزش نظامی فعالیت شرکت می کنند. شورا کارخانه هم چنین پیشنهاد نموده است که پول غذای ماه رمضان کارگران که به آنان پرداخت نشده بود برای کمک به هم میهنان جنگزده، اختصاص یابد.

۴- کارخانه سیکاب :

در کارخانه سیکاب به پیشنهاد شورا، یک گروه ۱۸ نفره در سه دسته ۶ نفری آماده نگهبانی از کارخانه شدند. از این گروه، هر شب یک دسته در سه پاس انجام وظیفه می کنند. این کمیته در اطلاعیه شماره ۱ خود از کارگران خواسته است که جهت همکاری بیشتر در کمیته ثبت نام کنند. کارگران از این پیشنهاد انقلابی استقبال کرده اند.

شورای کارخانه سینرونی :

«هدیرا خلکو،

دستمزدی جز اخراج ندارد»

در جواب وزارت صنایع و معادن اعلام کرد که: "مدیریتی که نه تنها کار نکرده، بلکه اخلاقی نیز نبوده است، دستمزدی بجز اخراج ندارد و ما هیچگونه پولی به این مدیر نخواهیم پرداخت و صراحتاً می گوئیم که تلاش سایر مدیران، مخصوصاً مدیر عامل نیز در این رابطه از نظر ما بیهوده بوده و به کلی مردود است."

چندی قبل، مدیر لیبرال و ضد کارگر کارخانه سایپا (سینرونی) که توسط وزارت صنایع و معادن به این سمت منصوب شده بود، به علت اخلاخل در تولید و نظم کارخانه، توسط شورا از کارخانه اخراج شد. اکنون پس از گذشت چند ماه، وزارت صنایع و معادن طی نامه ای خطاب به شورای کارخانه خواستار پرداخت حقوق مدیر اخراجی از طرف شورا شده است. شورا

خطاب به کارگران فرانسه :

«اجازه ندهید حاصل دسترنج شما  
نابودکننده انسانیت باشد»

کانون هماهنگی شورا های اسلامی کارخانجات ( خانه کارگر) در پیامی خطاب به کارگران فرانسه با تاکید بر ضرورت تحکیم همبستگی طبقاتی کارگران سراسر جهان مسئولیت خطیر کارگران مبارز فرانسه را در دفاع از مافع کارگران و زحمتکشان ایران مندرک شده و چگونگی کاربرد سلاح هایی را که به دست آنان ساخته می شود همدار داده اند.

در اینجا قسمت هایی از این پیام انقلابی را نقل می کنیم :  
بسمه تعالی  
از کانون هماهنگی شورا های اسلامی کارخانجات  
به : کارگران غیور و زحمتکش و انقلابی فرانسه  
شما کارگران غیور و پرتلاش فرانسه که سالهای سال پیشگامان جبهه نبرد با استبداد و استکبار و

با تبدیل سوخت کارخانه به مازوت و

تامین مواد لازم از کشورهای دوست،  
تدام تولید را تضمین کنیم

کارگران پیرو تهران، طی این هفته در رابطه با مسائل و مشکلات جدید کارخانجات و کارگران در شرایط کنونی، یعنی مسائل مربوط به سوخت، مواد اولیه بیکاری و اخراج کارگران و دیگر عوارض موجود ناشی از جنگ تحمیلی، تراکت هایی منتشر کردند و ضمن آن برخی وظایف مهمی در شکل های کارگری را برای مقابله با این نارسایی ها و رفع آن یادآور شدند که ما عین این تراکت ها را به دلیل اهمیت این مسائل برای شکل های کارگری، نقل می کنیم :

کارگران مبارز و آگاه!

رژیم تجاوزگر عراق می کوشد با بمباران پالایشگاه های ایران اقتصاد ما را فلج سازد. اکنون بسیاری از کارخانجات با کمبود مواد سوختی روبرو هستند در حالیکه انبارهای پالایشگاه های ایران مقادیر عظیمی سوخت مازوت دارند. بکوشیم از طریق شوراها با تبدیل سوخت کارخانه ها به مازوت از امکانات موجود، حداکثر بهره برداری را نموده و با بالابردن امکانات تولیدی کارخانه، توطئه های امپریالیسم و هم سنگر او، رژیم مرتجع عراق را خنثی کنیم.

در شرایط کنونی که خطر کم شدن تولید و حتی خوابیدن کامل آن وجود دارد و در حالیکه بیکاری، گرانی و تورم همچنان بیداد می کند، کارگران نیابست اجازه اخراج کارگران دیگر را بدهند. با تعدیل حقوق ها و بخصوص حقوق های کلان، حذف هزینه های غیر ضروری و... جبران کمبود درآمد کارخانه را نموده و از اخراج کارگران جدا جلوگیری نمایند تا بتدریج اشکالات موجود رفع شود.

کمبود مواد اولیه و قطعات یدکی، سطح تولید را در بسیاری از کارخانجات کاهش داده و ادامه این وضع، تامین کالاهای مورد نیاز مردم را در معرض خطر جدی قرار داده است.

کوشش جهت تامین مواد مورد نیاز کارخانجات، یکی از وظایف اساسی دولت جمهوری اسلامی است. بدین منظور شورا های کارخانه ها با همکاری دولت جمهوری اسلامی می باید جهت برقراری ارتباط با کشورهای دوست و پشتیبان انقلاب ایران، برای تامین مواد اولیه و قطعات یدکی مورد نیاز کارخانجات، فعالانه و با تمام قوا کوشش کنند.

استعمار بوده اید و پیام آزادیخواهی و ظلمت شکنی شما زیانزد جهانیان است، بدانید که هم اکنون امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم امریکا و به مزدوری صدام خیانتکار و رژیم خودکامه و پوشالی تکریتی، در دل شب با موشک های زمین به زمین و ۶ متری و بمباران هوایی هزاران کارگر و زحمتکش را در خون غوطه ور کرده و می کند و حتی از بمباران مدارس ابتدائی و بیمارستان ها نیز ابائی ندارند. در کرمانشاه چه بسیار طفلانی که مادرانشان آنها را به علت متلاشی بودن، از روی کفش و یا قطعات لباس آنها شناسائی و خاکسپاری کرده اند.

بمباران کارخانجات انهم در طول ساعات کار کارگران و گلوله باران بیمارستان ها و مدارس و منازل مسکونی و بی دفاع، با هیچ یک از قوانین و اصول انسانی مطابق نیست. برادران! می دانیم که آنچه از صنعت چه نظامی و چه غیر نظامی به دستان پر توان و اندیشه های شما ساخته می شود، با این هدف شکل و فرم می یابد که علیه استبداد و ظلم و قدرت های خودکامه به کار رود. جهان هنوز حمایت شما کارگران عزیز را از خلق قهرمان و تحت ستم الجزایر بیاد دارد. صدام خائن دسترنج و حاصل زحمات شما را، آلت قتاله خلق قهرمان و مظلوم ما قرار داده است در حالیکه نوده های زحمتکش مسلمان ایران از زمین و هوا توسط مزدوران بعثی بمباران می شوند، به زودی توسط دولت فرانسه تعداد زیادی هواپیمای میزاف به این دولت خودکامه و نژاد پرست تحویل خواهد شد. شما اجازه ندهید حاصل دسترنج شما نابود کننده انسان ها و انسانیت ها باشد و اجازه ندهید که نام شما با نام صدام مزدور در قتل عام زحمتکشان ایران همراه گردد.

با درود به رنج دیدگان و زحمتکشان پر توان جهان

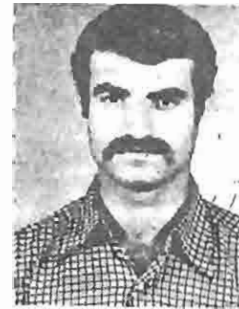
کانون هماهنگی شورا های اسلامی کارخانجات  
خانه کارگر

## رفیقان شهید فدائیم، قهرمانان سنگرهای مقاومت! در قلب بزرگ خلق همیشه زنده‌اید

### شهادت رفیق

محمد اسدالله نژاد  
رودبند

دژ سنگر نبود  
علیه امیر یالیسم



رفیق محمد اسدالله نژاد اگرچه مدت کمی در جبهه بود، ولی در همین مدت محدود با قلبی سرشار از ایمان به آرمان پرولتاریا و پیروزی زحمتکشان، عزم راسخ و شکست‌ناپذیر یک فدایی را در دفاع از میهن انقلابی به نمایش گذاشت. رفیق در یک خانواده

روحانی در روستای رودبند از توابع لاهیجان متولد شده بود و از نزدیک رنج‌ها و مشکلات زحمتکشان میهنان را به خوبی می‌شناخت. او پیشتر عمر خود را در مبارزه با امپریالیسم و عمال داخلی گذراند. در این مبارزه خستگی‌ناپذیر یک دم بقیه در صفحه ۱۵

### ★ رفیق شهید کاظم عبدی

رفیق فدائی کاظم عبدی یکی دیگر از فدائیان خلق است که در کنار مردم، در برابر تجاوزات جنایتکاران رژیم عراق و امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا به دفاع برخاسته و دلاورانه جان باخت. رفیق در سال ۱۳۳۸ در یک روستای فقیرنشین در حومه آمل متولد شد. پس از پایان تحصیلات متوسطه وارد دانشکده تکنیکوم نفیسی گردید و فعالیت‌های سیاسی و مبارزاتی خود را در محیطی دانشجویی آغاز کرد.

رفیق بعد از همکاری‌های خستگی‌ناپذیر در ستادها و کتابخانه‌های سازمان و پیشگام در خرداد ماه سال جاری به خدمت سربازی رفت و بعد از چند ماه با درجه گروهان یکمی و به سمت توپچی تانک، چیفتن برگزیده شد. هنگامی که به رفیق پیشنهاد شد به خط مقدم جبهه اعزام گردد، او با اشتیاق تمام پذیرفت و بلافاصله به دزفول منتقل شد.

رفیق در شامگاه جمعه ۲۵ مهرماه ۵۹ بعد از تارومار کردن عده‌ای از مزدوران جنایتکار یعنی مورد اصابت تکه‌های خمپاره قرار گرفت و بدین وسیله جان خود را در راه رهایی کارگران، زحمتکشان و در راه دفاع از میهن و انقلاب فدا نمود.

یاد این رفیق شهید و تمامی رزمندگان به خون خفته خلق گرامی باد.

### ★ رفیق شهید امیر آقایی

رفیق شهید امیر آقایی به سال ۱۳۴۳ در خرمشهر شهر حماسه و خون متولد شده است. تجاوز رژیم جنایتکار عراق و به خاک و خون کشیدن زحمتکشان جنوب توسط مزدوران ارتش عراق او را به عنوان یک

دانش‌آموز پیشگام با دلی سرشار از مبارزات انقلابی در کنار نیروهای رزمنده قرار داد. رفیق در یک حمله دلاورانه به نیروهای دشمن به منظور جلوگیری از پیشروی تانک‌های مزدوران

عراقی با به‌هلاکت رساندن جمعی از آنان و به‌دست آوردن مقدار زیادی اسلحه از تجهیزات دشمن، بر اثر برخورد خمپاره به شهادت می‌رسد. شدت برخورد به حدی بود که بدن پاره رفیق قابل جمع‌آوری نبود. نام او سپیده دمی است که بر پیشانی آسمان می‌گذرد متبرک باد نام او

### به سنگر نستگان میهن

ما از قبیله خونیم در دستان سلاح نبرد در سینه‌مان سرود رهائی در چشمان امید تمامی زحمتکشان روی زمین بیگانه را بگو

آز مرز این قبیله بپرهیزد... ما از تبار گویاییم همزاد صبر و عصیان با داغ کینه‌ای در دل و تاول خشمی در گلو میراث سالیان ستم را چون گولباری سنگین بردوش می‌کشیم و جویبار سرخ شهادت از رگهای گشاده‌مان جاریست. ما از قبیله رنجیم در گاسه‌ها مان حسرت در سرفه‌ها مان آتش در کیسه‌ها مان وحدت بیگانه را بگو از خشم این قبیله بپرهیزد. ما از تبار خلقیم با درد با عشق با گرفتیم زیستیم با افتخار فدائی‌وار می‌میریم.

رزم و حماسه ما را پایانی نیست و جیرقی خونین بر تارک یگایک دیوکه‌ها مان در بساد می‌درخشند.

### مادر فدائی شهید، محمود اشرف آبادی:

### محمود عزیزم! زندگی‌ت کارگری بود، عزاداریت نیز کارگری بود

رفیق محمود اشرف آبادی در سال ۱۳۴۰ در شهرستان آبادان و در محله فقیرنشین احمد آباد به دنیا آمد. او که در یک خانواده کارگری به دنیا آمده بود، عشقی عمیق و تمام نشدنی نسبت به کارگران و تمامی زحمتکشان داشت. رفیق محمود فعالیت انقلابی خود را قبل از سقوط رژیم شاه خائن شروع کرد و از آن پس همواره در مبارزات توده‌های مردم شرکت کرد. رفیق پس از قیام نیز لحظاتی از خدمت به توده‌ها باز نماند. او در جریان سیل خوزستان فعالیت چشمگیری از خود نشان داد. رفیق محمود با وجودی که دانش آموز سال آخر نظری بود،

اکثر اوقات فراغت و تعطیلات خود را به کارگری می‌پرداخت تا بدین وسیله هم درد ورنج زحمتکشان را با گوشت و پوست خویش حس کند و هم خانواده خود و سازمانش را یاری رساند. رفیق محمود با شروع جنگ تجاوزگرانه، از جمله کسانی بود که طبق رهنمود سازمان فعالانه در پیکار عادلانه خلق شرکت جست. او در کار سازماندهی شوراهای محلی کبک‌رسانی به مجروحین و کمک به مردم در مقابله با خطرات ناشی از حملات دشمن نقش چشمگیری داشت. رفیق محمود در ساعت ۱۱ صبح روز ۱۲ مهرماه در اثر بقیه در صفحه ۱۱

### ★ رفیق شهید مرتضی دارابی

رفیق شهید مرتضی دارابی در سال ۱۳۴۲ در شهر قهرمان‌پرورد خرمشهر متولد شد. سال دوم هنرستان صنعتی را به پایان نبرده بود که ضرورت مبارزه بر علیه متجاوزین رژیم جنایتکار عراق او را در صف مقدم جبهه قرار داد. در این مدت رفیق پیشگام رشادتهای چشمگیری از خود نشان می‌دهد و در

اواخر مهرماه به هنگام مقابله با یک تانک عراقی و بعد از به‌هلاکت رساندن چند تن از افسران و درجه‌داران مزدور و به غنیمت گرفتن مقداری اسلحه و مهمات بر اثر اصابت گلوله دشمن بعد از ۲ روز در بیمارستان آرمین آبادان به شهادت می‌رسد. نام خونینش تاریخ مبارزات دانش‌آموزان انقلابی را درخشان‌تر کرده است.



بقیه از صفحه ۱۰

## رفیقان شهید فدائیم، قهرمانان سنگرهای مقاومت در قلب بزرگ خلق...

### فدائی خلق

"حبیب الله فرحبخش"

شهیدی از تبار

کارگران قهرمان میهن ما

در شهر کرمان همه رفیق حبیب را به عنوان فدایی خلق و کارگری مبارز و پرشور می شناختند. هنوز شعارهایی که او بر دیوارهای شهر نوشته باقی است:

نه سازش، نه تسلیم، نبرد با آمریکا"

رفیق حبیب از رفقای فعال شهر کرمان و نمونه‌ای از میلیون‌ها کارگر قهرمان میهنان بود که امروز دلاورانه بار اصلی جنگ را به دوش می‌کشند و انقلاب را بر شانه‌های استوارشان بر پیش می‌برند. حبیب به محض آغاز جنگ و دریافت رهنمود سازمان، برای شرکت در پیگار مقدس خلق، به بسیج مستضعفین کرمان مراجعه کرد، اما بسیج حاضر نشد او را برای نبرد به جبهه اعزام کند، عشق پرشور این کارگر فدایی به زحمتکشان و انقلاب باعث می‌شود که او آرام نگرفته و به شیراز برود. او از طریق بسیج شیراز به جبهه نبرد شتافت و در خوزستان مورد اصابت خمپاره دشمن قرار گرفته و به شهادت رسید.

رفیق حبیب همچون یک فدایی، همچون یک کارگر زحمتکش، جان پاکش را در راه دفاع از استقلال میهن انقلابی و برای پیروزی خلق نثار کرد.

یادش را گرامی می‌داریم و برای پیروزی آرمان مقدسش پیکار می‌کنیم. یکی از هم‌زمان رفیق در مورد شهادت رفیق می‌نویسد:

رفیق فرحبخش عصر روز ۲۴ یا ۲۵ مهرماه به آبادان آمد. هیچ‌کس از قبل او را نمی‌شناخت ولی شرایط جنگ که مردم را در آبادان بهمم نزدیک کرده است، او را به سنگرهای محله ما کشاند. با صمیمیتی که در برخورد او بود خیلی زود با اهل محل اخت شد. برایمان تعریف کرد که داوطلبانه از کرمان آمده است و طبق رهنمود سازمان وظیفه خود می‌دانست برای حفظ دستاوردهای انقلاب هر آنچه که در توان دارد، بکوشد. چند ساعتی از راه ماهشهر آبادان را پیاده طی کرده بود، راهی که از بیابان‌های بی‌آب اطراف جاده ماهشهر به آبادان می‌گذرد. بارها هواپیماهای عراقی در ارتفاع کم بالای سر ماشین‌ها و پیاده‌هایی که از بیابان می‌گذشتند، پرواز کرده و در چند مورد آنها را به رگبار بسته‌اند. در یک مورد یک نفر شهید و چندین نفر زخمی شدند و شهید را در بیابان به خاک سپرده‌اند. در چند مورد ماشین‌ها را به راکت و یا خمپاره بسته‌اند که منجر به شهادت چند نفر شده است.

دو روزی که رفیق در محله بود با تمام توان در خدمت مردم بود. از حفر سنگر تا کمک به مصدومین جنگ رفیق از کرمان و از زحمتکشان کرمان برایمان سخن می‌گفت. از رفقا برادران میرشکاری یاد می‌کرد. برایمان سرود می‌خواند و عشقی که به بهروزی زحمتکشان داشت از او عزیز می‌انگاشت. نرفتنی ساخت که سرمشقی خواهد بود برای همه آنها که در این فاصله کوتاه با او برخورد کرده بودند.

صبح روز ۲۷ مهرماه رفیق با قیافه‌ای آرام و مصمم با یکایک اطرافیان دست داد و همراه با تعدادی از جوانان رزمنده آبادان به جبهه خرمشهر رفت. در سمت غربی خرمشهر در هنگامه‌ای که باران گلوله و خمپاره می‌بارید، پاسداران، تعدادی از پرسنل مبارز ارتش و نیروهای مردمی شهر بدون پشتیبانی توپخانه در جنگی نابرابر درگیر بودند، شش گلوله خمپاره به تناوب در میان دسته‌ای که رفیق همراهشان بود می‌ترکید. همه به‌موقع عکس‌العمل نشان می‌دهند و خود را روی زمین می‌اندازند ولی گلوله هفتم آنها را غافلگیر می‌کند. ترکش خمپاره بر قلب برمه‌ر رفیق می‌نشیند. او را به بیمارستان طالبانی آبادان می‌رسانند اما قلب رفیق از طیش باز می‌ماند و شهیدی دیگر بر قافله سرخ شهدا افزوده می‌گردد.

عصر روز یکم آبادان جسد رفیق را از سردخانه که نام زیبای گلخانه شهدا را بر آن نهاده‌اند تحویل گرفتیم. بنیاد شهید آبادان ورقه‌ای به ما داد که بتوانیم از کلیه پمپ‌بنزین‌های بین راه آبادان، شیراز، کرمان و بالعکس بنزین تهیه کنیم.

از آبادان که بیرون زدیم و به سمت جاده‌های خاکی پیچیدیم، صدای ترکش خمپاره و کاتیوشا می‌آمد. در مسیرمان پیاده‌هایی را دیدیم که خسته اما مصمم به آبادان برمی‌گشتند و تعدادی نیز به ماهشهر می‌رفتند. تمام شب را در راه بودیم. صبح به شیراز که رسیدیم تابوت رفیق را باز کرده و با کمک مردم پیکر پاکش را با بیخ پوشاندیم و به

سمت کرمان حرکت کردیم. در برخوردی که هنگام بنزین‌گیری و یا جابجا کردن تابوت با مردم داشتیم، مردم ما را باری می‌کردند. غروب به کرمان رسیدیم. خانواده شهید در ابتدای شهر منتظر ما بودند ولی چون ماشین ما را نمی‌شناختند متوجه ورود ما نشدند و ما به محله‌شان رفتیم. آدرس خانه شهید را داشتیم. در آبادان هر رزمنده‌ای که به جبهه می‌رود، مشخصاتش را به کسی می‌دهد که در صورت شهادت بتواند با خانواده‌اش تماس بگیرد. اهل محل وقتی متوجه شدند که جسد رفیق را آورده‌ایم همه غرق تأسر شدند. پیرمردی می‌گفت:

"به آرزوی پیش رسید."

جوانی می‌گفت:  
"جوون‌های خوب، خوب هم می‌میرند"

سری به خانه شهید زدیم. یک خانه کوچک دو اتاقه ساده. دو برادر او را که به سردخانه رفته بودند ما ندیدیم. دو خواهر و مادر رفیق نشسته بودند. با چند نفری از همسایگان و آشنایان. بر روی دیوار پوستری از صمد نصب شده بود و درون طاقچه چند ردیف کتاب چیده بودند. روحیه افراد خانواده خوب بود. به آنها سرسلامتی دادیم. مادر پیر او همچنان که نشسته بود آرام شروع به صحبت کرد:

من گریه نمی‌کنم. یعنی کم گریه کردم. سیاه نمی‌پوشم، افتخار هم می‌کنم. پسرم به آرزوی پیش رسید. همیشه می‌گفت مادر اگر من کشته شدم برای بهتر شدن زندگی بچه‌های برادرانم است. برای این است که همه فقیر بیچاره‌های شهر و کشورمان وضعشون خوب بشه، پسرم چقدر زحمت کشیدی، چقدر گفتند ترا می‌کشیم، کتابفروشات را آتش زدن، همیشه می‌گفتی خودمون فقیرها باید به فکر هم باشیم، پولدارها فقط به فکر ثروتمندان هستند...

ساعت ۹ صبح از کرمان بیرون زدیم.



بقیه از صفحه ۱۰

مادر فدائی شهید. محمود

اشرف آبادی: ●●●

اصابت خمپاره به شهادت رسید. شهادت رفیق غمی سنگین بر قلب همه دوستانش نشاند. در یکی از روزها مادر رفیق که زنی زحمتکش است، در جمع سوگواران فرزندش که نه زیراندازی برای نشستن و نه حتی استگانی جای برای خوردن داشتند، از ته دل فریاد کشید:

محمود عزیزم

زندگیت کارگری بود، عزاداریت نیز کارگری است" رفیق محمود با سن نسبتاً اندکش انسانی می‌نمود که گویی سالیانست با زندگی توده‌های دردمند عجین گشته است. او همواره می‌گفت:  
"مردم، ما را آنگونه می‌بینند که عمل می‌کنیم. نه آنطوری که فکر می‌کنیم، پس بکشیم در میانشان و برایشان باشیم."  
رفیق محمود! از زندگی کوتاه‌ت عشق به زحمتکشان و سازش‌ناپذیری در برابر دشمنان خلق را می‌آموزیم

### در شرایط جنگی

شوراهای محلی، کمیته‌ها و دیگر نهادهای مردمی با همکاری کسبه معتمد محل نقش پراهمیتی در تقسیم آذوقه و مایحتاج عمومی و جلوگیری از احتکار و گرانی کالا دارند.

اهمیت آنها را دریابیم

دستاوردهای

انقلاب و

سوسیالیسم



# جمهوری دمکراتیک خلق کره

## تحصیل رایگان و همگانی را مهم ترین و اولین وظیفه

### خود می داند

شده و نیازی به متخصص خارجی در هیچ زمینه وجود ندارد. برای دستیابی به چنان هدفی علاوه بر آموزش جوانان دانش آموز و دانشجو، به امر آموزش در حین کار و ارتقاء کارگران با مهارت و کم سواد تا درجه متخصص و فراگرفتن آموزش های عالی نیز توجه فراوانی شده است. در این مورد به جای هر توضیحی بهتر است به سخنان یکی از کارگران که این دوره ها را گذرانده است، بپردازیم و از زبان خودش بشنویم:

گذاشتن منافع اکثریت جامعه حتی دستیابی به هدف براندازی بی سواد و نامبین حداقل توانائی خواندن و نوشتن برای همه را نیز ناممکن می گرداند. اما سوسیالیسم با شیوه برنامه ریزی شده و به خدمت گرفتن تمامی امکانات جامعه در راه تامین خوشبختی، اکثریت و سپس تمامی مردم می تواند آرزوهای متعالی را به واقعیت مبدل سازد.

در حال حاضر مسئله تربیت کادرهای متخصص لازم برای اداره جامعه صنعتی کره دمکراتیک حل

حزب کارگران کره پس از پیروزی انقلاب و غلبه بر ویرانی های عظیم تجاوز نظامی امپریالیسم آمریکا به خاک این کشور، بازسازی جامعه را با اتکاء به نیروی انقلابی مردم کره و با پشتیبانی و کمک کشورهای سوسیالیستی در برنامه کار خود قرار داد. ساختن جامعه ای خوشبخت و عاری از فقر و استثمار و عقب ماندگی، به لشگری عظیم از کارشناسان و متخصصین علمی و فنی در عین حال آگاه به مسائل سیاسی و مدافع منافع زحمتکشان نیاز دارد. حزب کمونیست و دولت سوسیالیستی کره برای دستیابی به چنین نیروی عظیم و کارآمدی با طرح برنامه ای زمان بندی شده امر آموزش عمومی توده ها را سازمان داد و با موفقیت به پیش برد.

تحصیل عمومی اجباری و رایگان، متناسب با رشد جامعه و امکانات اقتصادی آن مرحله به مرحله پیش رفت. در سال ۱۹۵۶ تحصیل ابتدائی اجباری و رایگان برای همه به اجرا گذاشته شد. در سال ۱۹۵۸ این امر شامل تحصیل تا دوره متوسطه نیز گردید. از سال ۱۹۶۷ تحصیل ۹ ساله آموزش فنی و از سال ۱۹۷۲ یعنی از ۸ سال پیش تحصیل اجباری همگانی و رایگان شامل دوره ۱۱ ساله تحصیل گردید. این دوره از جمله شامل یک سال آموزش پیش از دبستان یعنی کودکان نیز می گردد. در حال حاضر بیش از ۵ میلیون نفر محصل و دانشجو در کشور جمهوری دمکراتیک خلق کره مشغول تحصیل هستند. با در نظر گرفتن سه میلیون کودکی که با خرج دولت آموزش های قبل از دبستان را می گذرانند، روشن می شود که نیمی از جمعیت ۱۶ میلیونی کره دمکراتیک در حال آموزش می باشند و بدین ترتیب جمهوری دمکراتیک خلق کره از نظر نسبت تعداد دانش آموز به کل جمعیت مقام اول را در جهان داراست.

آموزش های غیر مدرسه ای نیز در جمهوری دمکراتیک خلق کره رایگان است و به این ترتیب از نظر سهمی از بودجه کل کشور که به مصرف آموزش می رسد، نیز این کشور مقام اول را در جهان کسب کرده است.

در مورد تحصیلات عالی، بد نیست بدانیم که قبل از انقلاب حتی یک موسسه آموزش عالی نیز در این کشور وجود نداشت. در حالی که در حال حاضر ۱۷۰ دانشگاه و موسسه آموزش عالی و ۶۰۰ مدرسه عالی تخصصی در نقاط مختلف کشور به کار تربیت جوانان و آشنا کردن آنها با آخرین دستاوردهای علمی جهان مشغولند. هدف آینده دولت و حزب، تامین تحصیل اجباری و رایگان تا سطح دانشگاهی برای همه مردم کره است. این هدف اگرچه بسیار بلند پروازانه به نظر می رسد، ولی با تجربیات همه کشورهای سوسیالیستی و از جمله جمهوری دمکراتیک خلق کره نشان داده است که برانداختن نظام سرمایه داری و در پیش گرفتن راه سوسیالیسم، ناممکن ها را ممکن می سازد.

هرچ و موج و بی برنامه گی ذاتی جامعه سرمایه داری و قرار داشتن تمامی امکانات علمی و فنی و نیروی انسانی جامعه در خدمت کسب سود هرچه بیشتر برای مثنی سرمایه دار انگل، زیر پا

### "چاچانگ ایل" کارگروه ای:

### "من تحصیلات عالی ام را در حین کار کردن به پایان رساندم"

برق) جدید را بهریم. ساختن این دستگاه وظیفه مهمی بود که برای قسمت ما در نظر گرفته شده بود.

این کار ساده ای نبود زیرا نیاز به حل مشکلات فنی فراوانی داشت. معلومات علمی و فنی که در کالج آموخته بودم و تجربیاتی که در ضمن کار در کارخانه به دست آورده بودم کمک شایانی بهمین در انجام این وظیفه کرد.

به این ترتیب سیستم تحصیلی سوسیالیستی ما که در آن دولت تمام شرایط لازم برای تحصیل در حین کار فراهم می کند، قدرت حیات بخش خود را نشان داد.

من با استفاده از دانشی که در کالج به دست آورده بودم ابتکارات زیادی در کار وارد کردم. سال گذشته از کالج فارغ التحصیل، و مهندس شدم. در حال حاضر به عنوان طراح بخش فنی کارخانه کار می کنم.

من که یک کارگر سوارکننده معمولی بودم حالا یک مهندس جاقفاده و طراح شده ام. این سعادت است که در کشور ما همه میتوانند از آن برخوردار شوند. من تمام کوشش را می کنم تا این سعادت را که دولت و جامعه به من ارزانی داشته جبران کنم.

من تا به حال طرح یک ماشین برش بسیار کارآمد و طرح های پیچیده دیگری را آماده کرده ام و به این موضوع افتخار می کنم. من این مهندس را مدیون سیستم سوسیالیستی تحصیل کشورمان هستم که تمام شرایط را برای ما فراهم می کند تا در ضمن کار بتوانیم هرچه بیشتر تحصیل کنیم.

کارگران بسیاری مانند من با تحصیل در کالج کارخانه مهندس می شوند. کالج کارخانه ما امسال صد و اندی فارغ التحصیل دارد. کالج های کارخانه ای ما در نقاط گوناگون کشور مشغول تربیت مهندسین قابل هستند که در امر مدرنیزه کردن و بکار بردن علم در اقتصاد جامعه و همچنین حرکت جامعه بر اساس مارکسیسم-لنینیسم شرکت دارند. به این ترتیب امر با فرهنگ کردن و بالا بردن دانش تمامی جامعه به طور درخشانی شتاب خواهد گرفت.

چاچانگ ایل

از قسمت فنی کارخانه سوم آوریل

"کارخانه ما خیلی مهندس دارد. بسیاری از آنها از کالج کارخانه که یک موسسه آموزش حین کار است، فارغ التحصیل شده اند. من هم یکی از آنها هستم.

من کار را بعنوان یک سوارکننده ماشین آلات الکتریکی آغاز کردم. بعد از چندماه یک روز مسئول قسمت مرا صدا کرد و گفت:

"چانگ ایل" تو باید به تحصیل ادامه بدی. اینطور نیست؟ برای سال تحصیلی آینده خودت را برای ورود به مدرسه عالی تخصصی فنی کارخانه آماده کن. باید بعدا به کالج بروی

من هم وقتی دیدم که خیلی ها با تحصیل در حین کار توانستند به مهندسیین توانا و مخترعین برجسته ای تبدیل شده و نقش مهمی در جبهه ساختمان سوسیالیسم در کشور بازی کنند، کاری را که گفته بود کردم.

رفیق "کیم ایل سونگ" می گوید: "در این کشور شرایط کافی برای تحصیل و

رشد و تکامل همه کس تامین است." واقعا در کشور ما راه برای همه کس باز است که تا آنجا که می تواند بیاورد و این امری عادیست که کارگران معمولی وارد مدرسه عالی فنی تخصصی کارخانه ها شوند.

با این همه همین امر عادی در مورد خودم مرا به فکر فرو برد زیرا که این موقعیت برای من وقتی دست داد که تازه چند ماه بود که در کارخانه مشغول به کار شده بودم.

قسمتی که من در آن کار می کردم همکارانم تمام شرایط را برای تحصیل من فراهم کردند. وقتی خودم را برای امتحان ورودی آماده می کردم، مهندسین و کمک مهندسین قسمت مرا در مطالعه یاری می دادند.

در اثر توجه و کمک کارخانه و همکارانم توانستم شش سال پیش از مدرسه عالی فنی تخصصی کارخانه فارغ التحصیل شوم.

من به تحصیل در کالج کارخانه ادامه دادم و تا پنجسال بعد از فراغت از کار به اتفاق کارگران همکارم مطالعه می کردم. معلمین کالج مرا در تحصیل یاری می دادند تا مطالبی را که آموخته بودم به خوبی فهم کنم.

با عمیق تر شدن معلومات علمی و فنی ام میل شدیدی به کار کردن بیشتر و انجام ابتکاراتی در کار در خود احساس می کردم.

وقتی سال سوم کالج بودم تصمیم گرفتم طرح یک نوع کوماتور (دستگاه تغییر دهنده جریان





### انقلاب صحرا در عرصه جهانی به پیروزی جدیدی دست یافت

همزمان با پیروزیهای شایان بوجه رزمندگان جبهه پولیساریو در برود علیه رژیم اشغالگر مراکش، خلق صحرا به موفقیت بزرگی در صحنه بین المللی نائل آمد. براساس گزارش خبرگزاریها سازمان ملل قطعنامه‌ای را به تصویب رسانده است که بر طبق آن پولیساریو به عنوان نماینده قانونی مردم صحرا به رسمیت شناخته می‌شود. این قطعنامه ضمن دفاع از حق مردم صحرا برای استقلال و تعیین سرنوشت، ادامه اشغال صحرای غربی توسط نیروهای نظامی مراکش را مورد نکوهش قرار داده است. قطعنامه مذکور در حالی به تصویب رسید که کشورهای مانند مراکش و اسرائیل به آن رای مخالف داده بودند.

به رسمیت شناخته شدن جبهه پولیساریو به عنوان نماینده خلق صحرا در سازمان ملل یک پیروزی برای خلق صحرا در جبهه مبارزه دیپلماتیک می‌باشد که در روند مبارزات سیاسی، نظامی این خلق برای اشغالگران و به عنوان محصول آن کسب شده است. این پیروزی راه مبارزه خلق صحرا را برای دست یافتن به استقلال و آزادی هموارتر می‌سازد.

### شوروی

در دوده دهه ۱۹۶۰ و ۷۰ در جهان سالانه ۳۷۰/۰۰۰ میلیون دلار برای تولید تسلیحات نظامی مصرف شده است. این هزینه در سال جاری از مرز ۵۰۰/۰۰۰ میلیون دلار تجاوز خواهد کرد و در طی دهه ۱۹۸۰ احتمالاً به ۶۰۰/۰۰۰ میلیون دلار در سال خواهد رسید. در حال حاضر تعداد پرسنل ارتش‌های منظم در جهان به ۲۵ میلیون نفر یعنی ۷ میلیون نفر بیش از تعداد ارتشیان در سالهای ۶۰ می‌رسد و ارزش سرانه مواد منفجره در جهان بیش از ارزش سرانه مواد غذایی است.

بنگاه‌های خبری اتحاد جماهیر شوروی ضمن اعلام این خبر افزودند، در حالیکه ۸۰۰ میلیون نفر از مردم جهان در فقر کامل به سر می‌برند و ۲۰ میلیون بیکار در کشورهای سرمایه‌داری صنعتی وجود دارد، محافل میلناریستی غرب که جنون اتمی تمام فکشان را به خود مشغول داشته برای نابودی جهان در یک جنگ هسته‌ای تدارک می‌بینند. این خبرگزاریها در پایان گزارش‌های خود متذکر شده‌اند که اتحاد جماهیر شوروی برای مذاکره درباره کاهش یا ممنوعیت تولید هرنوع سلاحی آماده‌است

### قبرس

به کوشش سازمان همبستگی افریقا-آسیا و کنگره خلق عرب، در هفته گذشته کنفرانسی با شرکت بیش از ۲۰۰ نماینده از سراسر جهان به منظور همبستگی با مبارزه ضدامپریالیستی خلقهای منطقه خلیج فارس در نیکوزیا پایتخت قبرس تشکیل گردید. این کنفرانس در پی افزایش خطر دخالت نظامی امپریالیستها در منطقه خلیج فارس تشکیل گردیده است.

ادواردو سیگا در نطق‌های انتخاباتی خود به کرات حمایت خود را از محافل امپریالیستی غرب اعلام و دشمنی خود را با نیروهای مترقی و کمونیست ابراز نموده است. در جریان مبارزات انتخاباتی جامائیکا که منجر به روی کار آمدن یک دولت طرفدار امپریالیسم گردیده است، بیش از ۵۰۰ نفر جان خود را از دست دادند. زد و خورد‌های شدید علیرغم پایان انتخابات جامائیکا همچنان ادامه دارد.

### افزایش نیروی نظامی امپریالیسم در خلیج فارس

اخیرا سومین ناو هواپیمابر امریکائی بنام "زنجبر" در منطقه خلیج فارس مستقر گردیده است. این سومین ناو هواپیمابر امریکا می‌باشد که در ادامه سیاست نظامی‌گری امپریالیسم در منطقه خلیج فارس به جولان پرداخته است. هم‌اکنون حدود ۴۰ ناو نیروی دریائی امریکا در منطقه استقرار یافته‌اند. امریکا همچنین در ادامه گسیل سلاح‌ها و ارتش خود به منطقه (هواپیماهای آواکس و غیره) اخیرا ساختمان دو پایگاه نظامی امریکائی در اسرائیل را نیز آغاز کرده است. این اخبار بخوبی نشان می‌دهد که امریکا هرگز دست از توطئه علیه انقلاب ایران و خلقهای منطقه برنداشته و برخواهد داشت و تنها مبارزه مصمم خلقهای ایران و منطقه می‌تواند طومار موجودیت امپریالیسم را در منطقه درهم بشکند.

### قطع رابطه عربستان سعودی با لیبی

در پی اعتراض لیبی به حضور هواپیماهای جاسوسی امریکا (آواکس) در عربستان سعودی و اعلام حمایت آشکار این کشور از انقلاب ایران، رژیم ارتجاعی و وابسته به امپریالیسم عربستان سعودی طی بیانیه‌ای اعلام نمود که روابطش را با کشور لیبی قطع نموده است.

خبرگزاری رسمی لیبی در رابطه با قطع رابطه دو کشور طی تفسیری پس از اشاره به توطئه‌های امپریالیسم جهانی و از جمله امپریالیسم امریکا در منطقه عربی نوشته است که:

"ذخامت روابط لیبی و عربستان در زمانی صورت گرفته که خانواده سلطنتی پادشاهی عربستان در حال تحکیم پیوندهایش با دولت امریکا در چهارچوب اجرای یک توطئه امپریالیستی در منطقه عربی است."  
این خبرگزاری در ادامه تفسیر خود اظهار می‌دارد که:

"شورای سلطنتی عربستان سعودی هنگامی به قطع روابط سیاسی با ملت‌های عرب دست زد که مقامهای سعودی می‌خواستند مناسبات خود را با امریکا بیش از پیش تنویت کرده و نقشه‌های امپریالیستها را در منطقه عربی به اجرا درآورند." قطع رابطه بین لیبی و عربستان سعودی بیانگر تعمیق صف‌بندی جبهه انقلاب و ضد انقلاب در منطقه خاورمیانه است. رژیم‌های عربستان سعودی اردن، مصر، عمان و شیخ‌نشین‌های خلیج فارس در چهارچوب استراتژی امپریالیسم امریکا هر روز به هم نزدیک‌تر می‌شوند و در جهت پیمان نظامی منطقه‌ای با شرکت امریکا از نوع پیمان سنتو پیش می‌روند. در مقابل، جبهه نیروهای مترقی و انقلابی منطقه نیز می‌باید صفوف خود را بیشتر بهم نزدیک نمایند.

### انقلاب السالوادور هم چنان به پیش می‌رود

انقلابیون السالوادور چند ماهی است در یک جبهه متحد علیه امپریالیسم و حکومت وابسته این کشور متحد شده‌اند. در هفته گذشته به پیروزیهای چشم‌گیری دست یافتند. طی هفته گذشته چریکهای انقلابی السالوادور موفق شدند بطور همزمان شش ایستگاه رادیویی را برای مدتی به تصرف خود درآورده و پیام‌های انقلاب را از طریق رادیوهای دولتی به گوش زحمتکشان این کشور برسانند. نیروهای انقلابی السالوادور در این پیام‌ها از مردم خواستند علیه دولت دست‌نشانده این کشور دست به قیام همگانی بزنند. از طرف دیگر حکومت مرجع السالوادور در هفته‌های گذشته همچنان با همکاری گروه‌های شبه‌فاشیستی دست به کشتار نیروهای مترقی و مردمی زده است. طی یکی از این توطئه‌های ترور یک استاد دانشگاه که در رابطه با نیروهای انقلابی بود، به قتل رسید. چندین هزار نفر در مراسم یادبود وی به نشانه اعتراض به دولت شرکت نمودند.

به دنبال اوج‌گیری مبارزات خلق السالوادور جبهه انقلابی دمکراتیک ال‌سالوادور تشکیل یک دولت انقلابی را اعلام نموده. همچنین نیروهای مقاومت ملی (یک سازمان مسلح) به جبهه انقلابی دمکراتیک پیوست.

دولت انقلابی که در یک ناحیه آزاد شده در شمال السالوادور تشکیل شده، توسط ارگان‌های خود گردان ملی اداره می‌شود. رهبری جبهه اعلام کرده که هیچگونه مذاکره‌ای را با نظامیان حاکم بر السالوادور نمی‌پذیرد. میهن‌پرستان که یک ایستگاه رادیویی را در پایتخت اشغال کرده و اعلامیه‌هایی را از آن پخش نموده‌اند، طی بیانیه‌ای اتحاد ضد مردمی حکومت ال - سالوادور و امپریالیسم را افشا و محکوم و وحدت و یکپارچگی مبارزات مردم را خواستار شده‌اند.

### تلاش نیروهای وابسته به امپریالیسم برای درهم شکستن استقلال جامائیکا

انتخابات جامائیکا در فضائی پرتنش پایان یافت و "ادواردو سیگا" از طرف حزب کارگر (حزب دست‌راستی) به عنوان نخست وزیر این کشور برگزیده شد.

ادواردو سیگا تبعه سابق امریکا بجای مایکل مانلی نخست‌وزیر پیشین این کشور که دارای گرایشات ترقیخواهانه بود، قدرت را در دست می‌گیرد. در زمان حکومت مانلی روابط بین جامائیکا و کشورهای سوسیالیستی و ترقیخواه بخصوص کوبا گسترش یافت و گام‌هایی در جهت استقلال کشور به پیش برداشته شد لیکن روی کار آمدن سیگا که مورد حمایت امپریالیسم امریکا می‌باشد، مسلما باعث گسسته شدن روابط این کشور با نیروهای مترقی و نزدیکی و همکاری با امپریالیسم امریکا خواهد شد.

### اخبار کردستان

#### سردشت

هواپیماهای عراقی در چند مورد شهرها و روستاهای کردستان را مورد حمله قرار داده‌اند. در این حملات خسارات فراوانی به مردم کردستان وارد آمده است. در بمباران شهر سردشت توسط بمبافکن‌های عراقی ۳۱ نفر کشته و ۵۷ تن مجروح شدند.

#### مهاباد

علیرغم بمباران هواپیماهای عراقی به شهرها و روستاهای کردستان، حزب دمکرات کردستان و کومله حملات خود را به ستون سربازان جمهوری اسلامی ایران افزایش داده‌اند. این حملات در عین حال به ستون‌هایی از سربازان که برای دفاع از میهن عازم جبهه‌های خورستان و غرب میهن هستند، صورت می‌گیرد. از جمله ستون‌های نظامی مستقر در مهاباد، سقر سنج، مریوان به هنگام ترک این شهرها، توسط حزب دمکرات و کومله مورد حمله قرار گرفته و صدها تن از سربوهای دولتی را به هلاکت رسانده‌اند.

لشکر ۶۴ ارومیه طی اطلاعیه‌ای که در اغلب شهرها و روستاهای کردستان انتشار یافت، ضمن هشدار به مردم کردستان اعلام کرد در ازای نابودی هر خودروی نظامی یک روستا را با خاک یکسان خواهد کرد. مردمی که شهر را ترک کرده بودند، اینک بتدریج برمی‌گردند. برخلاف سایر شهرهای کردستان کومه دستگیری‌های زیادی صورت گرفته است، در مهاباد فعلاً کسی دستگیر نشده است. فرمانده پاسداران مهاباد در مصاحبه‌ای که دو بار از رادیوی مهاباد پخش شد، ضمن حمله به گروه‌های سیاسی از مواضع سازمان استقبال کرد و مواضع سازمان را بسود انقلاب مردم ایران

دانست. در تظاهراتی که روز ۲۸ مهر به دعوت شورای شهر علیه تجاوزات رژیم بعث برگزار شد، در حدود ۱۰۰۰ نفر از جمله عده‌ای از هواداران شرکت کردند. حدود ۵۰ نفر کومله‌ای و دمکراتی و خط سهای تظاهرکنندگان را با سنگ مورد حمله قرار دادند. روز بعد عده‌ای ناشناس به منزل جعفر کروی یکی از فعالین کنگره چهار حمله می‌کنند و جعفر و برادرش را به طرز فجیعی ترور و به شهادت می‌رسانند. این عمل از سوی عناصر ناسیونالیست افراطی صورت گرفته است.

بطور کلی وضع شهر آرام است. اینک چند روز است که اتوبوس‌های مسافری از مهاباد به شهرهای دیگر حرکت می‌کنند. پاسداران از مسافران درخواست شناسنامه می‌کنند. یک لیست نیز از اسامی افراد شناخته شده گروه‌های سیاسی و از جمله عده‌ای از هواداران سازمان چریکهای فدایی خلق ایران (اکثریت) را در دست دارند. سربوهای دولتی در داخل شهر مستقر نیستند و فقط در شهر رفت و آمد می‌کنند.

مردم بیش از هر چیز به فکر آینده و مخصوصاً زمستان هستند. مواد سوختی به شدت کمیاب است و مواد غذایی و دارویی نیز همینطور. بسیاری از زخمی‌های جنگ که دارای زخم‌های سطحی بودند در اثر نبودن دارو و پزشک جان سپردند. بسیار اتفاق می‌افتاد که بیمارانی که زخم‌های سطحی داشتند بر اثر خونریزی زیاد جلو چشم بقیه جان می‌سپردند. و این در شرایطی است که جمهوری اسلامی ایران کوچک‌ترین اعتنائی به مردم کردستان ندارد و شهرها همچنان در محاصره اقتصادی بسر می‌برند.

پیشگام مهاباد که در جریان جنگ با تشکیل تیم‌های امداد به نحو چشم‌گیری فعال بود، هنوز

هم برای مداوا و پانسمان زخمی‌ها به خانه‌های مردم سر می‌زنند. مردم در بسیاری جاها نسبت به کار پیشگام در طول جنگ اظهار رضایت کرده‌اند. پیشگام در ضمن توانسته است تا اندازه‌ای نیز به تبلیغ مواضع سازمان بپردازد.

#### سقر

حملات مداوم شبانه از طرف نیروهای پیشمرگه به این شهر صورت می‌گیرد. حزب دمکرات روز عید قربان با توپ و خمپاره به پادگان این شهر حمله می‌کند و قسمتی از شهر را نیز تصرف می‌کند لیکن بعداً از شهر عقب نشینی می‌کند. در طی زد و خوردهای سقر در اثر شلیک توپ و خمپاره نیروهای دولتی بیش از ۱۰ تن کشته و نزدیک به ۵۰ نفر زخمی می‌شوند. نیروهای دولتی همچنین عده‌ای از مردم شهر را بازداشت کرده‌اند. راه سقر به بوکان همچنان بسته است.

#### بانه

روز ۱۱ مهر در اثر انفجار مین در نزدیکی شهر یک ماشین ارتشی منهدم و ۶ نفر از سرنشینان آن کشته می‌شوند. در بسیاری از شهرها تضاد بین پاسداران و افراد سازمان پیشمرگان مسلمان کرد تشدید شده است. پاسداران از نحوه برخورد افراد این سازمان که اکثراً از عناصر وابسته به رژیم سابق هستند ناراضی‌اند. در بانه یکی از افراد این سازمان بنام محمدخان احدی که از عوامل رژیم سابق می‌باشد به‌وسیله پاسداران بازداشت شده است. هیئت پاکسازی آموزش و پرورش در بانه

۱۸۵ نفر از مصلحان بانه را اخراج کرده است. عده زیادی از این مصلحان وابسته به گروه‌های سیاسی هستند. روز ۱۵ مهر ماشین پاسداران مورد حمله قرار می‌گیرد و رئیس سپاه کشته و سه نفر دیگر زخمی می‌شوند. بد دنبال این جریان پاسداران و پیشمرگان مسلمان کرد حدود ۱۰۰ نفر را دستگیر می‌کنند.

بانه نیز از محاصره اقتصادی جمهوری اسلامی رنج می‌برد و با کمبود ارزاق عمومی روبروست و قیمت اجناس بنظر سرسام‌آوری افزایش یافته است. پاسداران گاهی دست به اقدامات انقلابی زده و عناصر وابسته به رژیم سابق را که مخصوصاً بصورت جاش به استخدام دولت درآمده‌اند، دستگیر و بازداشت می‌کنند. پاسداران همچنین خانه ملا رحیم شیخ الاسلامی نماینده مجلس در زمان شاه را مصادره کرده‌اند. افراد منقضی خدمت سال ۵۶ به پادگان برای اعزام به جبهه خوزستان مراجعه کردند. این افراد گفته‌اند: ما را برای جنگ با رژیم بعث اعزام کنید. مقامات پادگان تقاضای این افراد را رد کردند. این عمل فرماندهان پادگان مورد اعتراض مراجعه‌کنندگان واقع شد.

روز ۱۸ مهر دو هواپیمای عراقی به شهر بانه حمله کرده و استادیوم ورزشی و نیز ساختمان یک مرغداری را بمباران می‌کنند. در نتیجه این بمباران دو نفر زخمی و قسمتی از ساختمان مرغداری از بین می‌رود. متعاقب این حمله هوایی پیشمرگان دمکرات ستون نظامی مستقر در فرودگاه راه‌آخمپاره مورد حمله قرار می‌دهند.

پاسداران از جوانان شهر خواسته‌اند که کنترل و نظم شهر را در دست بگیرند. پاسداران گفته‌اند به افراد سازمان پیشمرگان مسلمان کرد (جاشها) که ایادی رژیم گذشته و فئودال‌ها هستند اعتمادی ندارند.

#### مریوان

در مریوان نیز حمله پیشمرگان به داخل شهر

باعث دستگیری و اعمال فشار از طرف ارتش و پاسداران بر مردم شهر شده است طبق گزارشهای رسیده از مریوان مردم شهر در برابر حملات رژیم صدام حسین به ایران لحن حمایت‌آمیز از نیروهای جمهوری اسلامی دارند و حمله نیروهای پیشمرگه به شهر با استقبال مردم روبرو نمی‌شود. برعکس در روستاهای مریوان مردم از حملات رژیم بعث جانبداری می‌کنند. مردم شهر از افراد سازمان پیشمرگان مسلمان کرد بسیار ناراضی هستند و معمولاً از دست آنان به پاسداران شکایت می‌کنند. پاسداران نیز تا اندازه‌ای به شکایات رسیدگی می‌کنند و تاکنون چند تن از افراد این سازمان را دستگیر و یا خلع سلاح کرده‌اند. عده‌ای از دستگیر شدگان اظهار داشته‌اند که به علت بیگاری و بی‌پولی به استخدام سازمان پیشمرگان مسلمان کرد درآمده‌اند. جهاد سازندگی در مریوان فعال است و علاوه بر کارهای عمرانی بعضی از مواد مورد نیاز مردم را نیز تهیه و در اختیار آنها می‌گذارد. عده زیادی از کارگران بیگار به کار گمارده شده‌اند حتی عده‌ای از دانش‌آموزان نیز در جهاد کار می‌کنند. مواد سوختی و بعضی مواد غذایی بسیار کمیاب است و پاره‌ای مواد غذایی منطقه از طریق عراق وارد می‌شود. فعالیت نیروهای ضدانقلاب در منطقه تشدید شده است. عناصری چون محمود آشتیانی، توفیق مریوانی و خله‌مرانه‌ای که قبلاً در حزب دمکرات بوده (هر کدام با عده‌ای تفنگچی) و بعداً جدا شده بودند، اخیراً با موافقت کمیته مرکزی حزب دوباره به حزب برگشته‌اند. این عناصر بطور مرتب با مقامات رژیم بعث ارتباط داشته و وسیله و امکانات دریافت می‌کردند.

در حمله کومله به پاسداران و ارتش در گردنه گساران، عده‌ای پاسدار و سرباز کشته شده‌اند. نیروهای ارتش عراق در یک کیلومتری مرز "بابوه" خاک ایران را با سلاح‌های سنگین مورد حمله قرار می‌دهند. نیروهای ارتش ایران نیز به این تیراندازی‌ها پاسخ داده‌اند. روز ۲۳ مهر ۵۹ بمب‌افکن‌های عراقی اطراف مریوان را بمباران کردند.

# زمین از آن کسانی است که روی آن کار می‌کنند



بتیید از متحد ۲۴

## حیره بندی کالاهای ...

می‌گوید: سه نفر در صف الکتریکی که در رژیم شاهنشاهی گذشته نیز در راس کارهای صف بودند، الان نیز در راس اتحادیه قرار دارند... گروهی از تجار شرکت‌ها جنس‌های وارداتی خود را فقط به این روشی اتحادیه می‌دهند... (روزنامه جمهوری اسلامی ۴ آبان)

بنابر این تا موقعی که بخش خصوصی بر تجارت حاکم است نه تنها سودجویی‌ها و غارتگری‌ها کاهش نخواهد یافت، بلکه اوضاع آشفته ناشی از جنگ دست آنان را برای تشدید غارت مردم بازخواهد گذاشت. لذا در شرایطی جیره‌بندی کالاهای ضروری و تشکیل شوراهای محلات برای نظارت و کنترل و توزیع موثر خواهد شد که دست تجار بزرگ، دلالان و واسطه‌ها، محتکران و... از اقتصاد جامعه کوتاه شود. برای این‌کار دولت باید به اجرای کامل ملی کردن تجارت خارجی بپردازد. تعاونی‌های دولتی را در رابط‌های هماهنگ با شبکه توزیع خرد و کسبه جز گسترش دهد و با خودداری از توزیع سریع کالاها و با انبار کردن کالاها در گمرکات عملا و بدون سر و صدا دست به احتکار می‌زنند، علاوه بر آن وارد کنندگان تاجر منافعی غارتگرانه خود را فقط در انتقال کالاهاى خویش به واسطه‌ها و دلالان می‌توانند تأمین کنند. در این مورد یکی از اعضای شورای هفت نفره از مآزه‌داران صنف الکتریکی در مصاحبه‌ای چنین

تاجر ودلالان عمده دارد. نامه اخیر سمتن از اعضای مستعفی دادگاه ویژه صنفی در تشریح علل استغفای خود به‌خوبی فعالیت مخرب این سرمایه‌داران انگلی را روشن می‌سازد. در قسمتی از این نامه آمده است:

"... هم اکنون پرونده‌هایی در دادسرا موجود است که تجار اجناس تقلبی وارد کرده و یا با مارک تقلبی فروخته و یا مدارک بازرگانی را جعل نموده‌اند که علاوه بر سود کلان، ارز بیشتری را هم از کشور خارج کرده و به جیب بیگانگان ریخته‌اند. از نظر تجارت داخلی هم سوءاستفاده‌ها گرانفروشی‌ها و دلالتی و واسطگی که باعث سرگردانی و تورم می‌شود و سودجویی‌های غیر عادلانه و ثروت‌های بی‌حساب را به‌دنبال دارد بسیار است... شما اگر سری به انبار گمرکات بزنید و یا به انبارهای موجود تهران، کمتر کالاهایی را می‌بینید که مورد نیاز مردم باشد و در انبارها ذخیره نشده باشد..."

(انقلاب اسلامی ۳ آبان)

سرمایه‌داران تاجر با خودداری از توزیع سریع کالاها و با انبار کردن کالاها در گمرکات عملا و بدون سر و صدا دست به احتکار می‌زنند، علاوه بر آن وارد کنندگان تاجر منافعی غارتگرانه خود را فقط در انتقال کالاهاى خویش به واسطه‌ها و دلالان می‌توانند تأمین کنند. در این مورد یکی از اعضای شورای هفت نفره از مآزه‌داران صنف الکتریکی در مصاحبه‌ای چنین

بفیه از صفحه ۱۰

## شهادت رفیق

### محمد اسدالله نژاد رودبند

#### در سنگر نبرد...

از پای ننشست. او از سال ۵۳ و در تمام دوران دانشجویی‌اش چه در دانشکده علم و صنعت و چه در دانشکده کشاورزی کرج، همواره در مبارزات مردم حضوری فعال داشت و بنا بر خصوصیات برجسته‌اش در سازماندهی این مبارزات نقش موثری ایفا می‌کرد. در همین دوران یک بار توسط ساواک دستگیر و زندانی گردید و برای مدتی نیز از تحصیل در دانشگاه محروم شد. اما دستگیری و تهدیدات ساواک نتوانست رفیق را از ادامه راهش بازدارد.

پس از قیام و پیروزی انقلاب نیز رفیق یک دم از فعالیت آگاه‌گرانه خود در میان کارگران و زحمتکشان دست نکشید و در این راه با پیگیری و بردباری تمام سعی خود را به کار می‌بست.

با آغاز تهاجم نظامی رژیم مرتجع عراق به خاک میهن انقلابی‌مان، رفیق به‌دنبال رهنمود سازمان مبنی بر شرکت هرچه فعالتر در ارگان‌های بسیج برای دفاع از دستاوردهای انقلاب، تمام گوش خود را برای پیوستن به جبهه جنگ به‌کار انداخت، با پیوستن به بسیج موفق شد پس از مدت کوتاهی عازم جبهه شود.

تا این که در سحرگاه روز دوشنبه ۱۲ آبان ماه ۵۹ در حالی که داوطلبانه در یک عملیات ویژه شرکت کرده بود در منطقه‌ای بین سوسنگر و اهواز مورد اصابت رگبار مسلسل‌های ارتش مزدور عراق قرار گرفت و قهرمانانه با نثار خون خویش در راه پیروزی زحمتکشان میهنمان به شهادت رسید.

وصیت نامه کوتاه ولی پر بار رفیق بهترین گواه بر ایمان خلل ناپذیر او در

## از حرمت شهیدان انقلاب

### دفاع کنیم

اوباشان چماقدار جسد فدائی خلق شهید حبیب‌الله فرحبخش را ربوندند.

مادر پیر رفیق کارگر ما با چشمانی که دیگر اشکی برای آن نمانده بود، چادر سیاه خود را از سر بر گرفت و بر روی تابوت کشید. صحنه تکان دهنده‌ای بود. نفرت سرتاسر وجود مردی را که گرد آمده بودند در بر گرفته بود.

هنگامی که پشت سر رفیق شهید به حرکت در آمدم، چشمم به دیوار افتاد، بر روی آن نوشته شده بود: "دهها هزار کشته، صدها هزار مجروح، هرگز مباد سازش، هرگز مباد تسلیم." خط "حبیب" را شناختم. او خود اینک در اردوی شهیدان خلق بود. اوباش چماقدار که پایه‌های جمعیت می‌آمدند، در اواخر مسیر به مردم حمله کردند، با سلاح سرد، چاقو تهمه و هرچه با خود داشتند، مشایعت کنندگان را مضروب می‌کردند و سرانجام نیز جسد را با خود بردند!

حتی خانواده رفیق نیز نتوانستند بفهمند که دشمنان مردم با عزیز شهیدشان چه کرده‌اند. دو روز بعد بنیاد شهید خبر داد که "حبیب" را در گورستان شهر دفن کرده‌اند ولی از ترس چماقداران نشانی دقیق محل دفن آن را ندادند!

بگذار "حبیب" همچون سربازی گمنام در ژرفای گورستانی ناشناس خفته بماند بگذار دشمن از دفن شهیدان خلق جلوگیری کند. غافل از آن که زحمتکشان قهرمان ما در تدارک تدفین امیربالمیم آمریکا و همه مزدوران و تفاله‌هایش هستند! آنگاه رفیق حبیب! فارغ از ستم دشمن بر مزارت گرد می‌آئیم و عمیق‌ترین احساسات خلق خود را نثار تو می‌کنیم که با شهادتت ما را در پیروزی بر دشمن یاری دادی!

در زیر گزارشی کوتاه از حمله اوباشان به مراسم تشییع جنازه رفیق شهید حبیب‌الله فرحبخش درج می‌گردد:

"روز اول آبان‌ماه خیر شهادت رفیق حبیب‌الله فرحبخش به کرمان رسید. پذیرش مرگ رفیق و این که او دیگر در میان ما نیست، برایمان دشوار بود. در حالی که خود را برای تدفین این شهید خلق آماده می‌کردیم خبر رسید که عده‌ای از اوباش، جسد او را دزدیده و حاضر نیستند به خانواده‌اش تحویل دهند و تمام کوشش‌های ما نیز برای یافتن محل نگهداری جنازه او بی‌نتیجه ماند.

روز ۳ آبان رادیو کرمان خبر داد که تشییع جنازه "حبیب‌الله فرحبخش" ساعت ۵/۵ صبح همان روز انجام می‌شود! این بخشی از توطئه‌ای بود که در شرف انجام بود. هیچ چیز آماده نبود. هیچ‌کس خبر نداشت. ما (تعدادی از رفقایمان) به همراه چند تن از اقوام و همسایگان او در محل حاضر شدیم. مدتی منتظر ماندیم ولی مراسم شروع نمی‌شد، گویا منتظر چماقدارانی بودند که با عجله خود را به محل انجام مراسم می‌رسانند. بعد از دو ساعت ۳۰-۴۰ نفر از چماقداران جمع شده بودند. تحریکات شروع شد، آنها بی‌شرمانه‌ترین و وقیحانه‌ترین اعمال را نسبت به این شهید خلق انجام می‌دادند. وقتی پیکر بی‌جان و تکه پاره شده از خیمه‌اره حبیب را از سردخانه بیرون آوردند، کوشش چماقداران برای ربودن آن بی‌نتیجه ماند. در این میان پارچه سیاه تابوت به سرعت برده شد و



ولی عصر روز چهارشنبه ۳۰ مهرماه ۵۹ نوشتم. دارایی ندارم. هرچه دارم متعلق به سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اکثریت) است. به‌امید پیروزی زحمتکشان ۳۰ مهرماه ۱۳۵۹ محمد اسدالله نژاد رودبند

پیکار برای رهایی کارگران و زحمتکشان است. یاد او گرامی و راه او برقرار باد.

"برای رهایی زحمتکشان برای نابودی امپریالیسم و برقراری جامعه‌سوسیالیستی، این وصیت‌نامه را در یادگان

گفته باد همه وابستگی‌های اقتصادی، سیاسی، نظامی، فرهنگی با امپریالیسم جهانی بسر گردگی امپریالیسم امریکا

### جنبش دهقانی ایران

## صیادان روستای زاغمرز

# نوطه زمینداران بزرگ را خنثی کردند

را می آوریم!  
مردم آگاه و مبارز زاغمرز!  
در حالیکه امپریالیسم امریکا  
و رژیم ضد مردمی صدام  
حسین انقلاب ما را از هرسو  
مورد سهاجم همه جانبه قرار  
داده اند، عده ای فرصت طلب  
با تشکیل جلسات خصوصی و  
جلب حمایت عده ای از  
صیادان واجد شرایط، سعی  
دارند مانند سالهای قبل،  
به دنبال منافع خود در دنیا  
به صید بپردازند. در حالیکه  
به هیچ وجه واجد شرایط  
صیادی نمی باشند. ما ضمن  
محکوم نمودن این عمل از  
عموم اهالی می خواهیم در  
صورت مشاهده این عمل از  
طرف افراد فوق به مقامات  
ذیصلاح اطلاع دهند...  
گروهی از جوانان زاغمرز

مستمر کردند و در آن  
حیله های زمین داران بزرگ را  
با زحمتکش روستا در میان  
گذاشتند آنها توجه صیادان  
را به سراپا خطر حاکم بر  
مسئله انقلابی جلب نمودند و  
در اطلاعیه ای از آنها  
خواستند که برای مقابله با  
دسایس امپریالیسم امریکا و  
رژیم مرتجع "صدام حسین"  
به تشکیل شورا و مبارزه پیگیر  
در زمین داران بزرگ اقدام  
نمایند. این اطلاعیه مورد  
استقبال همه زحمتکشان  
زاغمرز قرار گرفته است.  
صیادان هم اکنون شورای  
خود را تشکیل داده اند و  
مبارزه با زمین داران بزرگ را  
با شکیبایی به پیش می برند.  
در زیر بخشی از اطلاعیه  
جوانان آگاه و مترقی روستا

احرا از طرف دادسرای  
انقلاب شهرستان بهسهر  
پیرامون برآمد کار صیادان  
در فصل صید، آئین با ماهی  
صادر شد. زمین داران بزرگ  
یلاقاصه پس از صدور این  
آئین نامه در صدد برآمدند که  
آن را سفع خود مورد  
استفاده قرار دهند. از جمله  
زمین داران بزرگ روستای  
"زاغمرز" با تشکیل حساب  
خصوصی و فریب عده ای از  
صیادان زحمتکش تلاش  
کردند که همچون گذشته به  
غارت دسترچ زحمتکش  
روستا بپردازند.  
لیکن صیادان مبارز روستا  
به کمک جوانان آگاه و مترقی  
از همان آغاز به افتای  
دسیسه زمین داران برخاستند  
حوااس آگاه روستا اطلاعیه ای

### نامه ای از روستائیان امامزاده ابراهیم

"امامزاده ابراهیم" از روستاهای گیلان است. اخیرا  
نامه ای از این روستا به نشریه "کار" رسیده است. لین  
نامه را جمعی از جوانان زحمتکش روستا نوشته اند و به  
همراه آن بخشی از حاصل کار خود را به عنوان کمک برای  
سازمان ارسال نموده اند. نامه سراپا شور و عشق به  
سعادت زحمتکشان است. امید به آینده پیروزمند کارگران  
و زحمتکشان و ایمان به سازمان پرافتخارشان در بند  
بند نامه موج می زند...  
با گرم ترین درودها به رفقای پرشورمان در "امامزاده  
ابراهیم" و مناطق اطراف، نامه آنها را چاپ می کنیم:

### به سازمان چریکهای فدایی خلق ایران (اکثریت)

درد و هاپ آتشین و صمیمانه  
ما را از یکی از فقیرترین و  
عقب مانده ترین روستاهای  
گیلان (امامزاده ابراهیم)،  
بپذیرید. ما فرزندان  
رنجبرانی هستیم که پدران  
ما مانند سایر زحمتکشان  
ایران در فقر و فلاکت و  
تیره روزی بسر می برند. اینجا  
روستایی است که اکثریت  
مردمش طرفدار فدائی هستند  
چون دیده اند این سازمان  
حرفهای آنها را می زند و  
خواستها و تمایلات آنها را  
در "کار" منعکس می کند.  
ما هم با تمام فقر و رنج  
خانواده هایمان چون کوه  
سرسخت و استوار ایستاده ایم  
برای اینکه چشم به آینده ای  
دوخته ایم که در پیش داریم،  
دورنمایی که در آن از فقر و  
بی بهداشتی و بیماری و تیره  
بختی خبری نباشد. آینده ای  
که در آن جامعه ای خواهیم  
داشت فارغ از ستم و استثمار  
انسان از انسان، جامعه ای که  
کار زحمتکشان سبیل آن  
است.  
رفقا! چه شما که زحمات  
شبانه روزی را برای توده های  
محروم میهنان محتمل  
می شوید و چه کارگران و  
روستائیان و هم ما که  
فرزندان روستائیان هستیم  
همه و همه یک هدف مشترک  
داریم و آنهم مبارزه با  
امپریالیسم امریکایی و  
امپریالیسم امریکایی و  
سربایه داران وابسته به آنها  
است. بغول سازمان، ما تا  
رسیدن به آینده ای که ستم  
و استثمار نباشد و دسترچ  
مردم زحمتکش ما غارت  
نکردد "یک دنیا کار داریم"  
ما هم از این روستای دور  
مقدار ناچیزی از کوله بار  
سنگین و طاقت فرسای سازمان  
را بردوش می کشیم تا این راه  
پربراز و نشیب را با موفقیت  
طی نمائیم ما در اینجا  
ضن کار روزانه (بخصوص در  
تاپستان) مانند بنای،  
کوبه بارکشی، عکاسی،  
خیاطی، چوبانی، لوبیا  
فرشی، کتاب می خوانیم،  
با خانواده هایمان صحبت

### زحمتکشان سریند آراک:

چنانچه راه های منطقه درست شود، ما می توانیم با تحویل به موقع محصولاتمان به  
شهرها در مبارزه با تحریم اقتصادی امپریالیسم فعالانه تر شرکت کنیم.

تحمل کرد.  
زحمتکشان روستاهای  
"سریند" همه می گویند:  
"از آنجا که جاده درست  
و حسابی نداریم، نمی توانیم  
میوه هایمان را به شهر  
برسانیم و بفروشیم، لگر هم  
بخواهیم این کار را بکنیم،  
کرایه میوه از قیمتش بیشتر  
می شود، به همین علت  
هرساله مقدار زیادی میوه را  
دور می ریزیم"  
آنها از دولت می خواهند  
که هرچه زودتر به وضع  
راههای منطقه شان رسیدگی  
کند. روستائیان زحمتکش  
"سریند" معتقدند که چنانچه  
جاده درست شود، آنها  
می توانند با ازدیاد محصول  
و رساندن آن به شهر، هرچه  
فعالتر در مبارزه علیه  
محاصره اقتصادی امریکا  
شرکت کنند.

شهر قطع می شود. یک  
روستایی تعریف می کرد که:  
"ما در زمستان خیلی  
برفگیر است و هیچ ارتباطی  
با شهر نداریم. اگر کسی در  
فصل زمستان مریض شود و  
احتیاج به دکتر و دوا پیدا  
کند، زنده ماندنش بسیار  
خداست"  
او می گفت:  
"سال گذشته معلم ده ما  
که زن بود، مریض شد اما  
چون نتوانستیم او را به شهر  
ببریم، همین جا مرد!"  
روستایی دیگری می گفت:  
"اواخر پائیز سال گذشته  
که یکی از روستائیان مشغول  
روشن کردن حمام ده بود،  
لباسش آتش گرفت و بدنش  
سوخت و چند روز طول کشید  
تا نتوانستیم او را به شهر  
ببریم. در این مدت او  
بیشترین درد و ناراحتی را

"سریند" منطقه وسیعی  
است که در شمال غربی آراک  
قرار دارد. این منطقه  
کوهستانی دارای بیش از ۱۳  
روستاست. اهالی زحمتکش  
این منطقه سالها زیر بار ستم  
رژیم شاه و اربابان زورگو  
بیشترین محرومیت را متحمل  
شده اند. در این منطقه وسیع  
از امکانات رفاهی، بهداشتی  
و آموزشی کمتر نشانه ای  
می توان پیدا کرد. از جمله  
مشکلاتی که روستائیان این  
منطقه همیشه با آن دست  
به گریبان بوده اند، مشکل  
جاده است. مردم این  
منطقه وسیع از داشتن جاده  
اصلی یا شهرهای نزدیک  
مثل آراک و شازند محرومند.  
در فصل زمستان تمام راههای  
فرعی بسته می شود و گاه  
اتفاق می افتد که روستائیان  
تا چند ماه ارتباطشان با



رویم مردمی عراق با مبارزان مراکز اقتصادی و تاسیسات نفتی، موجب کمبود سوخت در  
سلط کشور شده است.

**در چنین شرایطی روستائیان زحمتکش باید:**

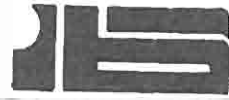
با ایجاد تعاونی های توزیع و با از طریق شورای روستایی برای به موقع رساندن مواد  
سوختی جهت مصرف اهالی روستا و گرمگوبها و کارخانه های برنجکوبی اقدام نمایند.

**هم چنین دولت جمهوری اسلامی موظف است:**

با توزیع عادلانه مواد سوختی آن را مستقیماً در اختیار شبکه های تعاونی

توزیع و یا شوراهای روستایی قرار دهد.





## \* فرماندهان خیانتکار باید تصفیه و محاکمه شوند

در شرایطی که تسوده سربازان و فرماندهان با کمک افسران و فرماندهان مترقی و ضدامپریالیست ارتش با شهادت و از جان گذشتگی به دفاع از انقلاب برخاسته‌اند و با نثار خون پاک خود میهن انقلابی را پاس می‌دارند، در شرایطی که آنها همهجا دست در دست توده‌های زحمتکش، نیروهای انقلابی و پاسداران حماسه‌ها و قهرمانی‌های فراوانی را می‌آفرینند، ناراضی‌های مردم ایران از اعمال عده‌ای از فرماندهان ارتش بالا گرفته است. اکنون در شهرهای جنگ زده خوزستان زحمتکشان ضمن تأیید مبارزات دلاورانه پاسداران، نیروهای انقلابی خلق، سربازان، درجه‌داران افسران و فرماندهان میهن پرست، آشکارا از خیانت‌ها و کارشکنی‌های محافظان درون ارتش سخن می‌گویند. نمونه‌های متعددی دیده می‌شود که واحدهایی از ارتش بدستور این دسته از فرماندهان از مقابله با دشمن امتناع می‌کنند. مردم مبارز پاسداران و نیروهای انقلابی را در زیر آتش سنگین مزدوران جنایتکار رژیم صدام تنها می‌گذارند، از تقویت و کمک‌رسانی به سربازان و درجه‌داران کوتاهی می‌کنند، در امر دفاع از شهرها در مقابل هجوم هواپیماها و آتش توپخانه دشمن بر خانه و گاشانه مردم تعلل می‌ورزند در ارسال اسلحه، مهمات، خوراک و... برای سربازان و پاسداران در جبهه‌های جنگ کارشکنی می‌کنند و حتی در برخی موارد نقشه‌ها و اسرار جنگی را به دشمن اطلاع می‌دهند و... توطئه‌های خائنه و ناجوانمردانه محافظان وابسته به آمریکا در درون ارتش و همدستی آنان با رژیم جنایتکار صدام تاکنون موجب شهادت بسیاری از مردم مبارز، سربازان، درجه‌داران افسران و فرماندهان میهن پرست گردیده است. این توطئه‌های خائنه آنقدر آشکار و جدی است که حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی نیز به هنگام دیدار نمایندگان مجلس با "امام خمینی" به آن اشاره کرده و گفت:

" ما به کسانی که با مسامحه‌کاری باعث از بین رفتن جوانان شوند، اخطار می‌کنیم که یقیناً ملت و رهبر انقلاب از گناه آنان نخواهند گذشت"

در برابر کارشکنی همین دسته از فرماندهان درجه‌داران تسوید و ارسال اسلحه به جبهه‌های جنگ است که "امام خمینی" در یکی از پیام‌های خود چنین گفتند: "به قوای نظامی اخطار می‌کنیم که با کمال جدیت و بدون فوت وقت ساز و برگ

کودتای نوزه را ریخت و امروز نیز این عناصر مزدور و وابسته یار و یاور امپریالیسم آمریکا و رژیم جنایتکار صدام در لشکرکشی علیه خلق زحمتکش ایران هستند.

فرماندهان آمریکایی درون ارتش با دست زدن به این اعمال چه هدفهایی را دنبال می‌کنند؟

آنها می‌خواهند با استفاده از موقعیتی که جنگ تجاوز - کارانه رژیم صدام برایشان فراهم آورده، از طریق تضعیف نیروهای مدافع

**تصفیه فرماندهان و عناصر آمریکایی درون ارتش گامی دیگر در جهت دفاع از استقلال میهن و درهم شکستن تجاوز امپریالیسم جهانی و رژیم جنایتکار صدام است.**

جنگی را که بحمدالله در حد کافی در اختیار دارید، در اختیار رزمندگان چه قوای مسلح و چه سایر جوانان فداکار گذاشته و کوچک‌ترین مسامحه را جایز ندانید.

ادامه این "مسامحه‌کاری‌ها" و خیانت‌ها، رژیم جمهوری اسلامی ایران را وادار ساخت که نتواند چند از فرماندهان مخالف انقلاب و مزدور را در جبهه‌های جنگ به جوخه‌های اعدام بسپارد.

محافظان فرماندهان آمریکایی ارتش از نخستین روزهای انقلاب بهمن‌ماه هیچگاه دست از توطئه بر علیه منافع زحمتکشان ایران برنداشتند. آنها با شوراها و انجمن‌های سربازان و درجه‌داران و افسران ضد امپریالیست درون ارتش که امروز خونشان قهرمانانه در جهت حراست از استقلال میهن بر زمین می‌ریزد، همواره بیشترین دشمنی را نشان داده‌اند. آنها کوشیدند تا اطاعت کورکورانه را در ارتش مجدداً برقرار سازند تا امروز توده سربازان بی‌هیچ گفت و گوئی مجری فرمان‌ها و سیاست‌های ضد انقلابی‌شان باشند. آنها از باقی ماندن عناصر وابسته و مزدور و کودتاچی و اخراج نیروهای انقلابی، ضد امپریالیست و طرفدار انقلاب از صفوف ارتش دفاع کردند. امپریالیسم آمریکا با کمک این دسته از فرماندهان و شبکه‌هایی که آنان در ارتش ایجاد کرده‌اند، ماجرای طمس را آفرید، طرح

انقلاب و کمک‌کردن به پیروزی رژیم صدام، نقشه‌های ضد مردمی امپریالیسم آمریکا را پیاده کنند. آنها می‌شمارند در رویای تشکیل دولت ضد انقلابی در خوزستان و مناطق غربی میهن، تبدیل آن به پایگاه مستحکم ضدانقلاب بر علیه مردم ایران، به غارت بردن نفت، سرنگونی جمهوری اسلامی و نهایتاً روی کار آوردن یک دولت دست‌نشانده به ریاست مزدورانی چون اویسی و پالیزیان در سرتاسر ایران هستند.

از سوی دیگر، فرماندهان آمریکایی درون ارتش، با کارشکنی در مبارزه عادلانه مردم میهن ما، ضرب‌زدن به مقاومت توده سربازان دریپکار با ارتش متجاوز صدام و کمک به کسب پیروزی‌های نظامی دشمن، می‌خواهند چنین وانمود سازند که ارتش ایران به دلیل اعدام‌ها و تصفیه‌های فرماندهان و عناصر "ورزیده" و "متخصص" و در واقع کودتاچیان و دیگر وابستگان امپریالیسم، در درون آن از یکسو و عدم دریافت سلاح و وسایل یدکی از امپریالیسم آمریکا از سوی دیگر، تضعیف شده و قادر به مقابله با ارتش صدام نیست. فرماندهان و عناصر آمریکایی درون ارتش بدین طریق کوشش دارند " ضرورت" رابطه با امپریالیسم و در رأس آن امپریالیسم آمریکا را برای "تقویت ارتش" به جمهوری اسلامی بقبولانند و

جلوی گسترش مبارزات مسلحانه توده‌های مردم را، که این دسته از فرماندهان ارتش بشدت از آن هراس دارند، بگیرند.

اخبار و گزارش‌هایی که از جبهه‌های جنگ می‌رسد و حتی فیلم‌های تلویزیونی که از جبهه جنگ تهیه می‌شود، بخوبی نشان می‌دهد که زحمتکشان قهرمان مدافع شهرهای جنوبی میهن که نیروی اصلی پیکار عادلانه خلق ما در برابر تجاوزات امپریالیسم آمریکا و رژیم صدام هستند، با کمترین تجهیزات، با دست‌خالی، با کوکتل و سهراهی و حداکثر با تفنگ‌های ژ-۳ به مقابله با تانکها و هواپیماهای دشمن می‌روند. بخش وسیعی از تلفات زحمتکشان و نیروهای انقلابی تنها به دلیل عدم تجهیز آنان به سلاح‌های لازم و سنگین است.

فرماندهان آمریکایی ارتش با جلوگیری از مسلح شدن پاسداران به سلاح‌های سنگین و کارشکنی در آموزش آنان در جهت استفاده از سلاح‌های نظیر تانک، هواپیماها و توپخانه، شریک جنایتکارانی هستند که خون پاسداران مدافع انقلاب را بر زمین می‌ریزند. در یک کلام محافظان آمریکایی درون ارتش همه کوشش خود را بکار می‌گیرند تا جلوی تسلیح توده‌ها و توده‌های شدن جنگ را سد کنند و برای این کار از قربانی شدن تعداد بیشتری از زحمتکشان و نیروهای انقلابی نیز ابائی ندارند.

برای مقابله و خنثی ساختن این توطئه‌های امپریالیستی چه باید کرد؟

اجازه داد مردم، پاسداران و سایر نیروهای انقلابی خلق

و پرسنل ترقیخواه ضد امپریالیست و میهن پرست ارتش قربانی توطئه‌های شوم شستی عناصر وابسته به امپریالیسم گردند. دیگر نباید اجازه داد " کسانی با مسامحه‌کاری باعث از بین رفتن جوانان شوند" و دستاوردهای انقلاب مردم ما را به خطر اندازند. در شرایط کنونی برای درهم شکستن توطئه‌های ضدانقلابی محافظان آمریکایی درون ارتش و تبدیل ارتش به ارتشی نیرومند و مردمی - که نیاز انقلاب ماست - باید:

تصفیه باقی‌مانده عناصر مزدور و وابسته از صفوف ارتش بی‌درنگ و با جدیت به اجرا درآید، شوراها و انجمن‌های سربازان و درجه‌داران ایجاد و از حمایت رژیم جمهوری اسلامی برخوردار شود. وحدت میان سربازان، درجه‌داران، افسران و فرماندهان مترقی و ضدامپریالیست ارتش با پاسداران و نیروهای انقلابی و با مردم زحمتکش و قهرمان میهنمان بیش از پیش تحکیم یافته و گسترش یابد. چنین ارتشی باید با استفاده از امکانات و کمکهای دوستان جهانی انقلاب ایران که رژیم جمهوری اسلامی موظف است زمینه‌های آنرا فراهم سازد، به سلاح‌های مدرن تجهیز شود.

قطعا در چنین ارتشی، مزدوران وابسته به امپریالیسم جانی برای توطئه و خیانت نخواهند یافت و امپریالیسم آمریکا و امرای فرماندهان ایرانی وابسته بدان از غلبه‌یافتن بر ارتش بعنوان یکی از دستگاه‌های بسیار مهم و حساس که در پیروزی یا شکست انقلاب تأثیرات تعیین‌کننده‌ای دارد محروم خواهند شد.

مواد غذایی را ذخیره نکنید

مردم را به مصرف کمتر تشویق کنید

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران (اکثریت)

## اتحاد دانش آموزان و معلمان اخراجی بوشهر

• اخبار...  
بعد از صفحه ۲۲

## فعالیت کمیته کمک رسانی به برونج کاران آستارا

### دومین مدیرکل

### بانک ملی هم به خارج فرار کرد

حسین الماسی مدیر کل بانک ملی که سه ماه پیش برای شرکت در یک کنفرانس بانکی به مصر رفته بود، سر از پاریس درآورده است! وی بعد از "جلیل شرکاء"

دومین مدیر کل بانک ملی است که به خارج فرار می کند. سازمان چریکهای فدایی خلق ایران (اکثریت) در "کار" شماره ۴۵ به تاریخ دوشنبه ۲۱ آبان ۱۳۵۸، حسین الماسی و جلیل شرکاء و ۳۰ نفر دیگر از مدیران بانکها را که عموماً از وابستگی به رژیم سابق بودند، افشاء کرد و خواهان برکناری آنها شد.

بر اساس مدارک تا گه یکسال پیش منتشر شد، حسین الماسی قبل از انقلاب در راس چند بانک مهم کشور از جمله بانک داریوش و بانک بین المللی قرار داشت. مدارک نشان می دادند که الماسی مدافع سرخسخت سرمایه داران وابسته به امپریالیسم است. با این وجود وی پس از انقلاب به مدیریت عامل بانک تهران منصوب شد و پس از فرار جلیل شرکاء مدیر کل سابق بانک ملی، جای او را گرفت چندی پیش الماسی به وسیله انجمن اسلامی و هیئت پاکسازی نیز افشاء شده بود.

فرز حسین الماسی که در راس یکی از مهم ترین بانکهای کشور قرار داشت، یکبار دیگر خاطره فرار تیمسار مدنی، خسرو قشقائی و... دیگر نوکران امپریالیسم را به یاد می آورد.

سیاست های مسامحه کارانه ای که به این عوامل سرسپرده امکان می دهد همچنان بعضی از مواضع مهم مملکتی را در دست داشته باشند، تاکنون ضربات جدی بر انقلاب میهن ما وارد آورده است. فرار حسین الماسی زنگ خطر دیگری است که ضرورت مقابله هرچه قاطع تر با لیبرال ها و همه مدافعین سرمایه داری وابسته را ایجاب می کند.

برداشت برونج آغاز می شود لطمه زیادی به محصول وارد می کند و موجب بوسیدگی و از بین رفتن برونج می شود. به همین منظور برونجکاران تا قبل از باریدن باران بتوانند هرچه سریع تر محصول خود را جمع آوری کنند. با توجه به این امر فعالیت بگیر برونجکاران با استقبال روستائیان روبرو شد.

حرکت مردمی هواداران سازمان، در آستارا و در روستاهای اطراف بازناب گسترده ای داشت و پیوند ناگسسته فدائیان خلق را با زحمتکشان به نمایش گذارد.

آستارا: هواداران سازمان در آستارا به هنگام برداشت محصول برونج، با برپا کردن چادری که محل اجتماع هواداران و جوانان شهر برای کمک رسانی به برونجکاران بود شروع به فعالیت کردند. از نخستین روز فعالیت کمیته کمک رسانی مردم و به ویژه هواداران، گروه گروه به محل چادر مراجعه می کردند و به کشتار عوام می شدند. دو شادوش برونجکاران به برداشت محصول می پردازند. لازم به یادآوری است که بارانهای موسمی که هنگام

به دنبال اخراج یکصد تن از معلمان مبارز بوشهری از طرف اداره آموزش و پرورش بوشهر، دانش آموزان خواستار بازگشت معلمان خود می شوند و از حضور در کلاس درس معلمینی که به جای معلمان اخراجی به کلاس فرستاده می شوند، حمایت دانش آموزان از معلمان دلخور و مبارز موجب می شود که آموزش و پرورش بوشهر در مورد اخراج معلمان تجدید نظر کرده و

## تقرقه افکنان

## دشمنان مردم اند

### هم میهنان مبارز!

در مراسم تشییع جنازه دو تن از شهدای فدائی که در جریان مبارزه ای فخرمانه علیه امپریالیسم آمریکا و رژیم جنایتکار صدام در سنگرهای سرخ خوزستان جان باختند، مردم مبارز شهرهای کرمان و رشت شاهد اعمال غیرانسانی و شرم آور عده ای عناصر متعصب و ناکاه به رهبری گروهی از اوباشان و مزدوران شناخته شده بودند. اینان که وظیفه ای جز تلاش مذبحخانه علیه وحدت و یکپارچگی مردم مبارز میهن ما برای خود نمی شناسند، در مراسم تشییع جنازه کارگر شهید فدائی خلق حبیب الله فرحبخش اهل کرمان و رفیق علی مصاف اهل رشت که جنازه آنان برای دفن به زادگاهشان فرستاده شده بود، بیشرمی را بغایت رساندند. این گروه محدود درحالیکه ظاهراً شعارهایی به طرفداری از اسلام می دادند، در جلو چشمان مادران و پدران پیر شهدا، در جلو چشمان غمزده خانواده های قهرمانی که عزیزانشان را در راه انقلاب و دفاع از استقلال ایران از دست داده و در برابر انظار مردمی که گرد آمده بودند تا یاد شهدای خلق را گرمی دهند، ضمن تکرار زنده ترین شعارها علیه شهدای فدائی، به تشییع کنندگان حمله ور شده و مراسم تشییع شهدا را با اقداماتی شرم آور و غیر انسانی برهم زدند.

شهید حبیب الله فرحبخش، این کارگر فدائی خلق به محض تهاجم رژیم صدام، خود را به خوزستان رساند و مثل هزاران کارگر دیگر، برای دفاع از میهن جان بر کف در کنار زحمتکشان، در کنار پاسداران، سربازان و افسران و درجه داران میهن پرست علیه تجاوزگران به نبرد برخاست و تا هنگامی که به شهادت رسید، لحظه ای از پیکار و تلاشی علیه دشمن باز نایستاد.

رفیق شهید علی مصاف نیز در همان روزهای آغاز تهاجم مزدوران بعثی به جبهه های نبرد خونین خوزستان شتافت و تا لحظه شهادت دلیرانه با دشمنان مردم به نبرد پرداخت.

### هم میهنان مبارز!

هویت سردستان اوباش این گروه ها که این چنین به مقدسات و سنن میهنی، مذهبی و ملی مردم ایران جسارت کرده اند، بر اهالی شهرهای کرمان و رشت و بر سازمان ما معلوم است. اما تاکنون مقامات مسئول



(اکثریت)

در کرمان و گیلان نه تنها هیچ اقدامی برای دستگیری و مجازات آنان نکرده، بلکه به قرار اطلاع با حمایت برخی مسئولان مشکوک این دو استان، جسارت یافته اند به چنین اعمال وحشیانه، ضد مردمی و بیشرمانه دست بزنند.

آیا از این اعمال جنایتکارانه چه کسی بجز امپریالیسم آمریکا و متحدان آن سود می برد؟ آیا عاملین این فجایع را بجز خدمتگزاران و مزدوران امپریالیسم چه می توان نامید؟

ما با صراحت اعلام می داریم کسانی که این اعمال جنایتکارانه را رهبری کرده و یا از آن حمایت کردند، در هر پست و مقامی که باشند، دشمن انقلاب و مردم ایرانند. ما و هر نیروی ضد امپریالیست دیگری موظفیم چهره کریه این دشمنان وحدت و یکپارچگی مردم را در پیشگاه خلق افشاء کنیم.

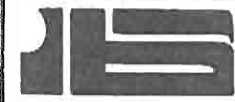
این اعمال غیرانسانی و نفرت انگیز آنهم در این شرایط حساس، گوشه ای از تلاش مذبحخانه دشمنان انقلاب علیه مردم ستمدیده ای است که هم اینک علیه عظیم ترین تجاوز امپریالیسم، قهرمانانه پیکار می کنند.

با توجه به اینکه هویت سازمان دهندگان و رهبران اینگونه جنایات بر مردم کرمان و رشت روشن است، هرگونه تعلل در دستگیری و محاکمه آنان دست آنها و آریابان آنها را برای ادامه این قبیل اقدامات و ایجاد یاس و دلسردی و پراکندگی میان مردم و به شکست کشاندن انقلاب باز می گذارد.

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اکثریت) ضمن تاکید بر این نکته که محافل ترقیخواه و ضد امپریالیست حکومت جمهوری اسلامی از عواقب اعمال وحشیانه این عناصر مرتجع آگاهی دارند، خواستار دستگیری فوری و مجازات آنان است.

ما بار دیگر برغم همه تلاشهای مزدوران امپریالیسم اعلام می داریم که پیگیرتر و مصمم تر از همیشه بر پیمانی که با خون فدائیان شهید امضاء شده است، وفاداریم و این اعمال بیشرمانه هرگز صدها هزار فدائی خلق را که جان برکف برای دفاع از میهن و برای وحدت همه مردم مبارز ایران از هر عقیده و مذهب و ملیتی که هستند، پیکار می کنند، باز نخواهد داشت.

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اکثریت)  
یکشنبه ۱۸ آبانماه ۱۳۵۹



# جرا

## رژیم صدام جنایتکار جنگی است؟

رژیم صدام دستاوردهای انقلاب ایران را پایانی بر دیکتاتوری فاشیستی خویش می بیند. توطئه های این رژیم علیه انقلاب ایران در بهیچوجه قیام خونبار ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ آغاز می شود. حزب کمونیست عراق طی گزارش یازدهمین پلنوم خویش مورخ ژوئیه ۱۹۷۹ یعنی نزدیک به دو سال پیش ( زمان قیام ) چنین می نویسد :

" ... اکنون نوبت توطئه علیه انقلاب مردم ایران رسیده است. با این امید که رژیم می داند این انقلاب یکی از استوارترین دژهای امپریالیسم را درهم ریخت ، پیمان ستورا ریشه کن کرد ، نیروهای نظامی شاه را از عمان فراخواند ، صدور نفت به اسرائیل را قطع کرد روابط سیاسی خود را با اسرائیل و مصر برهم زد و آشکارا اعلام کرد که هم رزم ملت های عرب و به ویژه ملت قهرمان فلسطین است ، با رژیم از توطئه علیه آن دست نکشد. این شیوه گستاخانه علیه انقلاب ایران از سوی محافل امپریالیستی و سازمان های تبلیغاتی ایشان مورد تحسین و آفرین فراوان قرار گرفت "

توطئه برای از بین بردن دستاوردهای انقلاب و ایجاد زمینه تجاوز ، درست با پیروزی قیام ۲۲ بهمن آغاز می شود. این نوشته سندی است بر رد ادعاهای کاذب رژیم صدام مبنی بر آغاز تحریک توسط جمهوری اسلامی ایران. همکاری های نزدیک عوامل سرسپرده امپریالیسم همچون بختیار و پالیزیان با رژیم صدام و تبدیل بغداد به پایگاه توطئه گران جیره خوار امپریالیسم علیه دستاوردهای انقلاب ما نقش مرتجعانه و چهره ضدانقلابی صدام را به خوبی آشکار می سازد. ما می گوئیم رژیم صدام متجاوز است زیرا تجاوز بر طبق کلیه اصول انسانی و بین المللی زمانی آغاز می شود که مرتجعین تعهدات خویش را در قبال جامعه جهانی به منظور دستیابی به هدف های ضد بشری خویش زیر پا نهند. و رژیم صدام کلیه تعهدات خویش را چه در روابط بین ایران و عراق و چه در سطح بین المللی ، به زیر چکمه های دیکتاتوری خویش به منظور دستیابی به اهداف مرتجعانه و ضدانقلابی خود لگدمال کرده است. آنچه در زیر می خوانیم بخشی از تعهدات عراق در برابر ایران و جامعه بین المللی است که با شروع جنگ و تجاوز علیه ایران لگدمال شده است.

الف - ماده ۶ عهد نامه مربوط به مرز دولتی و حسن همجواری منعقد فی مابین ایران و عراق به تاریخ ۱۹۷۵ حل و فصل هرگونه اختلاف را بین دو کشور از طریق ذیل تعیین کرده است : در حلقه نخست از طریق مذاکرات دو جانبه ؛ (در حالی که رژیم صدام حتی یکبار نیز در خصوص اختلافات حاصله پیشنهاد مذاکره نداده است ) .

ناسا در صورتی که طرف ۳ ماه اختلافات از طریق مذاکره دو جانبه نتیجه نداد ، از طریق مساعی جمله دولت ثالث اقدام می شود (هیچگونه دلیلی حاکی از تمایل رژیم صدام به حل اختلافات قبل از آغاز سهاجم از این طریق در دست نیست )

ثالثا - در صورتی که به فاصله یک ماه روش قبلی نتیجه بخش نبود اختلافات از طریق داوری بایستی حل و فصل شود و در صورت عدم توافق ، بر داوران ، دادگاه داوری مرجع حل اختلاف خواهد شد و در نهایت امر دیوان بین المللی دادگستری و بر طبق الحاقیه به بند زبور در صورت به نتیجه نرسیدن کلیه مساعی فوق الذکر مقررات کنوانسیون لاهه ، مورخ ۱۸ اکتبر ناظر بر حل و فصل اختلافات خواهد بود. در حالی که تجاوز عراق با فسخ یک جانبه همین قرار داد و بدون حتی اعلان جنگ ( که بر طبق اصول بین المللی لازم الرعایه می باشد ) صورت می پذیرد .

ب - موافقت نامه بین ایران و عراق راجع به کلانتران مرز : صریحا اعلام می دارد که اختلافات جزئی مرزی از طریق دوستانه و به وسیله کلانتران مرز مجاز دو کشور حل و فصل خواهد شد .

ج - موافقت نامه بین ایران و عراق راجع به مقررات مربوط به کنسیرانی در شط العرب : در این قرار داد نیز حل اختلافات بر طبق مقررات پیش بینی شده ، در ماده ۶ عهد نامه مربوط به مرز دولتی و حسن همجواری صورت خواهد پذیرفت ( که در قسمت الف در فوق آمده است )

د - مواد یک و دو عهد نامه بین المللی تحریم جنگ مورخ اوت ۱۹۲۸ که صراحتا اعلام می دارد : توصیه یا حل هرگونه اختلافات و یا مناقشات از هر قسم و منشأ که بین دولت ها رخ دهد ، به هیچ وجه نباید جز به وسایل مسالمت آمیز انجام گیرد و توسل به جنگ را برای تسویه اختلافات بین المللی و اجرای سیاست ملی مطرود اعلام می کند .

ه - منشور ملل متحد : مواد ۱ و ۲ منشور ملل متحد به صراحت اعلام می کند : اعضای سازمان ملل بایستی اختلافات خود را به وسایل مسالمت آمیز حل نمایند و از توسل به تهدید یا استعمال قوه قهریه خواه علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی دولت ، خواه به هر صورت دیگر خودداری نمایند. ( در حالی که شورای امنیت سازمان ملل متحد به جای آنکه متجاوز و نقض کننده منشور را محکوم نماید ، به اخطار تشریفاتی توصیه به آتش بس اکتفا کرده و می داند ملتی که مورد تجاوز قرار گرفته ، و نیروهای متجاوز خاکش را در اشغال دارند ، آتش بس را نخواهد پذیرفت ) .

رژیم متجاوز صدام که همچون دیگر مرتجعین و متجاوزین تاریخ سرنوشتی جز زباله دان تاریخ نخواهد داشت ، برای نیل به هدف های مرتجعانه و ضد انقلابی خویش تمام اصولی را که مانع دستیابی او به اهداف کثیفش باشد ، نادیده گرفته و خواهد گرفت .

ما می گوئیم رژیم صدام در تجاوز و جنگ علیه دست آوردهای انقلاب ما جنایتکار جنگی است. جنایتکاری که ماهیت ضد مردمی اش روز به روز آشکارتر شده و با جنایتکاران سلف خویش کوس برابری می زند. آنجا که مردم بی دفاع دزفول بمباران می شوند ، آنجا که کودکان مدارس کرمانشاه کشتار می شوند ، آنجا که مردم دهکده می لای در وینتام قتل عام می شوند ، آنجا که دبرپاسین است آنجا که تل زعفران است ، آنجا که کشتارگاه آشویتس است ، رد چکمه های یافت می شود که عاج های مشابهی دارند و استهای

راحتان دادگاه خلق ها و سرانجام زباله دان تاریخ است .

دادگاه رسیدگی به جنایات جنگ که در سال ۱۹۴۶ در نورنبرگ تشکیل شد و جنایتکاران جنگ جهانی دوم را به پشت میز عدالت کشید ، جنایت بر ضد صلح را چنین توضیح داد :

" ... اداره یا شروع و تهیه یا ادامه جنگ تعرضی یا جنگی که بر خلاف عهدنامه ها و پیمان ها یا قراردادهای بین المللی واقع شود ... "

آیا رژیم صدام ، جنایتکار جنگی است ؟

- شروع جنگ تعرضی و حمله و بمباران فرودگاه های ایران و مناطق مسکونی روز اول مهر .

- حمله و بمباران مناطق مسکونی تبریز در جمعه ۱۱ مهر و کشتار ۳۹ نفر غیر نظامی

- بمباران بازار و مفازه های دزفول و خانه های مسکونی مردم در ۱۱ مهر و کشتار ۳۰ نفر غیر نظامی .

- حمله جنگنده های هوایی عراق به شاهین شهر اصفهان ( شهرک مسکونی ) و کشتار ۵ زن و کودک .

- حمله به روستای کردنشین هنگ آباد پیرانشهر و کشتار ۱۲ نفر غیر نظامی .

- بمباران میدان بارفروشها و زیباشهر و منازل مسکونی سازمانی در کارون اهواز .

- بمباران وحشیانه شهر دزفول با موشک های دورزن در نیمه های شب چهارشنبه ۱۶ مهرماه و کشتار حداقل ۶۰ نفر غیر نظامی .

- بمباران وحشیانه مدارس و مساجد و مناطق مسکونی شهر کرمانشاه در تاریخ روز شنبه ۲۶ مهرماه و کشتار بیش از ۱۳۵ نفر کودک

- بمباران و کشتار در بیمارستان های شهرهای خرمشهر ، آبادان ، اهواز و دیگر نقاط به دفعات و حمله به وسائط نقلیه بهداری ها اعم از آمبولانس هلی کوپتر و غیره که حامل مجروحین است .

آیا رژیم صدام مفاد کنوانسیون لاهه و قراردادهای ژنو را که به دفعات و صریحا از مجروحین و بیمارستان ها حمایت نموده و حمله به آنها را محکوم نموده اند ، نقض نمی کند ؟

- به بیما بردن و غارت خانه های مسکونی مردم در خرمشهر و غارت خانه های مسکونی مردم در مناطق اشغالی ، آیا ناقض مواد ۴۶ و ۴۷ کنوانسیون لاهه نیست که صراحتا هر نوع تجاوز به اموال مردم و اشخاص ثالث را در ضمن جنگ محکوم و ممنوع نموده است ؟

آیا تجاوز به زنان و کودکان در مناطق اشغالی نقض کامل کلیه اصول انسانی و بشری نیست ؟ آیا موارد و شواهد دیگری نیاز است تا جنایت های بی شمار رژیم صدام چه در افکار جهانی و چه در مجامع بین المللی ، متوجه شود ، آیا زمانی که دادگاه نورنبرگ جنایات را به :

۱- جنایت بر ضد بشریت .  
۲- جنایت بر ضد صلح و  
۳- جنایات جنگ برمی شمرد ، اعمال رژیم صدام جز انطباق با هر سه مورد بوده و جز این است که بایستی در دادگاه نورنبرگ دیگری محاکمه شود ؟

جنایت نسبت به بشریت و صلح و جنایت جنگی ماهیت درنده خوئی و مرتجعانه و ظالمانه جنگ افروزان را اعلام و افشا نموده و صفت مشخصه یک جنگ ظالمانه را بطور بارزی عیان می سازد. نیروهای مترقی و انقلابی و بالنده در مبارزات عادلانه خویش هرگز به حمایت دست نمی زنند. این نیروهای مرتجع ، میرا و جنایتکارند که در واپسین دم حیات خویش به هر نوع جنایتی برای ادامه زندگی سنگین خویش دست می یازند .

خلق ها پیروز نهایی مبارزه بوده و جنایات جنایتکاران خلقی در اراده پولادین آنها برای پیروزی وارد نخواهد ساخت. ما بار دیگر اعلام می کنیم رژیم صدام متجاوز و جنایتکار است و خلق های ایران و عراق پیروز نهایی مبارزه خواهند بود .

# «کمیسیون کار و امور اجتماعی» مجلس چه می‌کند؟

کمیسیون کار و امور اجتماعی مجلس چند ماه است که کارش را آغاز کرده است. کار این کمیسیون، چنانکه از نام آن بر می آید، تحقیق و بررسی مسایل کار و کارگری و تدوین و ارائه قوانین و آئین‌نامه‌های ناظر بر این امور است با توجه به کمیت چشم‌گیر کارگران ایران و ظرفیت انقلابی عظیم این طبقه در دفاع از انقلاب ایران و تکامل آن، حل و فصل مسایل مربوط به کار و کارگران و حرکت در جهت رفع موانع و مشکلاتی که انبوه میلیونی کارگران با آن مواجه‌اند، می‌بایست از جمله مسائلی باشد که در صدر برنامه‌های حکومت قرار گیرد لیکن از آستانه انقلاب تا کنون، عمده‌ترین مسائلی که کارگران با آن دست به گریبان بوده‌اند (قانون کار و تامین اجتماعی و...) همچنان به صورت مشکلات اولیه و مبرم، به قوت خویش باقی مانده‌اند. مسئولیت خطیری که کمیسیون کار و امور اجتماعی مجلس برعهده دارد، قبل از هرچیز باید با توجه به همین واقعیت عینی تعیین شود. حال آنکه هنوز این کمیسیون به مسئولیت خطیری که برعهده دارد، آنچنانکه باید توجه لازم نکرده است. کمیسیون هنوز نتوانسته است طرح روشن و مشخصی در خصوص امور کارگری ارائه دهد و این از نواقص اساسی کار کمیسیون است که کارنامه‌اش پس از چند ماه همچنان بی‌نتیجه‌هاست. نشست‌های اولیه و طرح‌های سطحی محدود مانده است و مادام که کمیسیون طرح‌هایش را در چارچوب سنگ قوانین و آئین‌نامه‌های صدکارگری پیشین محصور کرده‌اند، علیرغم نیات خیر خواهانه هیچ گرهی از مشکلات کارگری را نخواهد گشود. مسئولین امور کارگری مجلس باید بدانند که طبعه کارگر ایران در سگر رزم و در عرصه تداوم تولید، برای دفاع از انقلاب و استقلال مهنی به حان ایستاده‌است ولی در مقابل، ضدانقلابیون

سرمایه‌دار با نهایت بیشرمی و وقاحت به اتکای قوانین ضد کارگری شاهنشاهی و به‌ویژه ماده ۳۳ قانون کار، به هر اقدام تبهکارانه‌ای علیه کارگران و انقلاب دست می‌زنند. اخلال در تولید، احتکار مواد ضرور، به تعطیل کشاندن کارخانه‌ها، اخراج کارگران مبارز و آگاه و... از جمله تبهکاری‌ها و جنایات روزمره سرمایه‌دارانی است که به این قوانین ضد کارگری پیشین و دست و دل‌بازی کارگران لیبرال منش وزارت کار، انبان‌های فراح غارت و استثمار را پر می‌کنند. مصوبات ضد کارگری شورای انقلاب در خصوص مسئله سود ویژه، آئین‌نامه شوراها و ارائه پیش‌نویس‌های شرم‌آور قانون تامین اجتماعی و... که چیزی جز روپوشی از قوانین آریامهری بود، از یک‌طرف و ضعف و بی‌برنامگی دولت جدید از سوی دیگر، راه را برای مغفط طلبی‌های راهزانه طبقه سرمایه‌دار ایران بار گذاشته است. در حالیکه فشار تورم و گرایی و کمبایی کالاهای مورد نیاز عامه و ضعف قدرت خرید کارگران و رحمتکش از یک طرف و حیل عظیم کارگران بیکار و نیروهای جوان آماده به‌کار از طرف دیگر، آنگاه گسترده‌شده که برآستی ابعاد فاجعه‌باری یافته است و اسهمه در شرایطی است که خلق ما در یکی از حساس‌ترین لحظات سرد صد امپریالیستی خویش، درگیر جنگ خمیلی همه‌جانبه‌ای با رژیم صدمردمی عراق است. کارزاری چسب سروسن‌سار، بدون بردید به حبه‌هاست سوار می‌شود و وسع همه کارخانه‌ها، محله‌ها و سگرهای جنگ و... اند منکی اند کمیسیون کار و امور اجتماعی مجلس که خود را موظف می‌داند به مشکلات کار و کارگران پاسخ گوید، اگر قصد دارد در کنار بوده‌های رحمکنس گام بردارد، اند بر این حقیقت آسکار جتم گنساند که کار بانغرسا و مارره حسکی بایدیر کارگران و رحمکنس در سگر تداوم

تولید و جنبه‌های جنگ، نه‌تنها کمترین ملازمه‌ای با تشدید استثمار و غارت از جانب سرمایه‌داران و تجار بزرگ ندارد بلکه تنها و تنها همراهی نفی امنیسات چپ‌اولگرانه این طبقات طفیلی، عرصه گسترده‌تری می‌یابد و چشم‌اندازهای شکوهمندتری از انقلاب ایران را بروی خلق می‌کشد. امروز لغو قوانین شاهنشاهی در زمینه کار و تامین اجتماعی، از اهمیتی اساسی برخوردار است. طبقه کارگر در عین حضور کارساز و شمربخش خویش در صفوف مقدم برود ضد امپریالیستی در شرایطی که در سگرهای رزم جنوب و غرب ایران، در سگرهای کارخانه و محله برای دفاع از دستاوردهای انقلاب، جان در گمان ایثار انقلابی سپاده است از مبارزه برای لغو قوانین پس‌مانده رژیم سرکوس شده شاه، لحظه‌ای غافل نیست و باید هم باشد. حبس کارگری ایران که اینک همه هسی خویش را در سرد غلبه حبه‌جهایی ضد انقلاب، از طبقه سرمایه‌دار ایران گرفته تا امپریالیسم امریکا و رژیم مرجع صدام آزایی می‌دارد، نمی‌تواند در فید و سد فوایسی سر برد که میراث سوم حکومت دست‌برورده امریکانس، بدون سک کمیسیون کار و امور اجتماعی مجلس، اگر نه احام وطبه‌های که بر عهده گرفته است، مومن و معتقد اند، باید در مقابل این جفعب که مصالح انقلاب در دفاع از منافع کارگران و رحمکنس بوده و روند انقلاب به انکای نامن همین منافع اساسی است که توان کسرس می‌اند، سر نائند فرود آورد و برآن صحه گنارد. کمیسیون کار باید ست‌های ضد کارگری دولت موقت و شورای اغلاب را که چیزی حر بکریم ججولانه فوایس ورکسنه آریامهری نبود، مصممانه به کناری سهد و بر حقیقت اغلابی کارگران در مارره جهت لغو فوایس

ضد کارگری پیشین صحه گذارد تا بتوانند شرایط لازم را جهت تدارک و برنامه ریزی طرح‌های نوین و انقلابی در خصوص مسائل کار و کارگری فراهم سازد. بدیهی است که شرکت فعال و پیگیرانه تشکیل‌های کارگری (سندیکاها و شوراها) در امر تدوین قانون کار و تامین اجتماعی جدید لازمه تحقق چنین امری است. تشکیل‌های کارگری و نمایندگان آگاه آن باید جزء جزء اقدامات و برنامه‌های کمیسیون کار و امور اجتماعی مجلس را پیگیرانه بررسی و تعقیب کند و باید ضمن آنکه مسئولیت خطیر کمیسیون کار را در قبال کارگران به آن هشدار می‌دهند، به حوی مسئولانه از این ارگانس بخواهند گزارش دقیق و

جامع اقداماتی را که تاکنون انجام داده است و همچنین طرح‌ها و برنامه‌های در شرف تدوین را بطور مشخص از طریق مطبوعات و رادیو و تلویزیون به استحضار کارگران ایران برساند. کمیسیون کار و امور اجتماعی مجلس بدون اتکاء به مشارکت مسئولانه تشکیل‌های کارگری هیچگاه نخواهد توانست در طرح و تدوین قوانین جدید کار، از اسلاف خود (دولت موقت و شورای انقلاب) گامی فراتر گذارد. تنها به اتکای اینگونه مشارکت‌های مسئولانه است که دستاوردهای انقلاب تضمین می‌شود و دامنه انقلاب ضد امپریالیستی-دمکراتیک مهنی گسترش می‌یابد.

## سندیکاهای کارگری اصناف

### در سگرهای مبارزه ضد امپریالیستی

#### استوار ایستاده‌اند

بدبال تحاور رژیم ضد مردمی عراق به ایران، سندیکاهای کارگران قناد، کفاش و خیاط اقدام به تشکیل کمیته مشترکی از سه سندیکا نمودند. این کمیته مشترک پس از جلب موافقت ستیج و سپاه برای آموزش نظامی کارگران توانست همکاری یکی از پزشکان عضو اتحادیه پزشکان و داروسازان را بر سر برای آموزش کمکهای اولیه و خدمات درمانی جلب نماید و همچنین در امر جمع‌آوری کمکهای حسنی و داروئی برای جنبه و جنگ‌زدگان فعالانه شود کند. این کمیته طی اطلاعیه‌ای از کارگران سه صف خواست که ضمن سرک در جلسات مسرک (روز جمعه) با کمیته مسرک سندیکاها، همکاری کند تا کمکهای عدی و حسنی و داروئی کارگران اصناف را از طریق سیج به مناطق جنگ‌زده ارسال نماید. این اقدام کمیته مسرک سندیکاها با استقبال کارگران مواجه شد.

هیئت‌های مدیره سندیکا در رابطه با وظایف و مسئولیت‌های سوبین کارگران در شرایط کوسی و ضرور سرک کارگران چه در جنبه و جد در امر تداوم تولید و

همچنین ارسال کمکهای عدی حسنی، داروئی، دادن خون و... سخنرانی کردند و از کارگران خواستند که برای مقابله تائیسسه با رژیم مرجع عراق و توطئه‌های امپریالیسم فعالانه در امر آموزش نظامی آموزش خدمات اغلابی پست حبهه ار قبیل امداد و غیره و همچنین در امر تامین و توزیع مایحتاج عامه از طریق سوراهاى محلی، فعالانه شرکت نموده و خود را سبن از پپس برای دفاع و باسداری از اغلاب آماده نمایند. کمیته سندیکاها ناکون ۱۰۰۰۰۰۰ ریال پول معد. ۷۰ گارس پوساک و معداری دارو و مواد غداتی از کارگران اصناف جمع آوری نموده و از طریق سارمان دفاع ملی، دفر سح و شماره حساب ۳۲۳۳ دفر امام به مناطق جنگ‌زده ارسال داسد است. همچنین عداد بسیاری از کارگران برای آموزش نظامی سبام کرده‌اند و کلاس آموزش کمکهای اولیه و خدمات درمانی سیر با اسفعال کارگران مواحه سده است کمیته مسرک سندیکاها، هم اکنون به‌حوی پیگیرانه به فعالیت و سازمانگری اغلابی خویش ادامه می‌دهد.

## گسترده باد همگامی و همکاری

همه نیروهائی که در راه ایرانی آزاد و دمکراتیک مبارزه می‌کنند...





# خلق ما از پای...

و بی‌چیزترین مردم محروم ما می‌ریاید. اینجا هیچ‌کس، کسی را به ماندن دعوت نمی‌کند. شوق نیرو دادن به خلق است که میهن پرستان واقعی را در اینجا نگاه داشته است. خلق ستمدیده‌های که بعد از سال‌ها ستم می‌رود که روی پای خودش بایستد، مقاومت را تجربه کند، نهاد اتحاد را تجربه کند، نهاد امید را در قلب خود بگذارد تا درخت تنومندی سبز شود درختی که از شاخه‌های آن گل‌های زیبای صلح و استقلال و آزادی شکوفان شود.

با تمام وجود احساس می‌کنم، دشمن در برابر چنین خلق بزرگی چقدر زبون و حقیر است!

## مقاومت از آن زحمتکشان و نیروزی نیز مال آنهاست

در نگاه اول اهواز خالی از سکنه به نظر می‌رسد. ثروتمندان، سرمایه‌داران، تجار، محترمین، این مفتخواران پیش از آنکه پای جنگ به شهر برسد، به رسم همیشه خود از اینجا گریخته‌اند. اینان با فرار بی‌شرمانه خود خشم و نفرت همه زحمتکشان شهر را برانگیخته‌اند. سودطلبان و خودپرستان، در گریز رسوای خود، حتی از گوشتکوبین وسایل منزل خویش نیز چشم پوشیده‌اند. آنها که نفی اقتصادی شهر را در دست دارند، با بستن حازه‌ها و تعطیل بازار، بخشی از امکانات شهر را نیز با خود به بیما برده‌اند. آری، ستمدیدگان اهواز، یک بار دیگر، مثل همیشه، خنجر سرمایه‌داران زانو صفت را در پشت و سینه خود احساس کرده‌اند. مدارس به صورت تعطیل و ادارات به صورت نیمه تعطیل درآمدند.

کارگران از کارگاه‌ها و کارخانه‌ها به سنگرها رفته‌اند. سیلابی خروشان از کارگران انقلابی نورد، فولاد

در این شهر هر اسلحه‌ای که از دست رزمندگانی بر زمین می‌افتد، دستان دیگری هست که آن را بردارد. در اینجا با آنکه زخم و جراحت می‌بارد، اما امدادگران انقلابی جانبازان در رفت و آمدند تا مبادا زخمی بی‌مرهم بماند. اینجا به راستی میدان عمل است. میدان محک خوردن میبار صداقت‌ها، وفاداری‌ها و پایداری‌هاست. اجماع فاجعه‌ای که همچون باران استوایی بر منطقه می‌بارد، بزرگتر از آن است که جانی برای گزاشات گروه‌گراپانه باقی گذارد. اینجا فقط یک شعار است که می‌تواند بر ستار منطقه پرواز کند. **فقط یک شعار: متحد شویم! تجاوزات امپریالیسم امریکارادرم کوپیم.** جز این راهی نیست. کارگر و پیشور، پاسدار و فدایی، عرب و فارس، نظامی انقلابی و غیر نظامی همه از پیر و جوان به یکدیگر تکیه داده‌اند. در جبهه‌های جنگ اگر مصونیتی هست، بیشتر در پناه

دست‌های به هم حلقه شده است. در اینجا اگر سرودی هست، همانا سرود همبستگی و اتحاد است.

۱۳ آبان  
رفقای سازمان از سنگرهای خونین مقاومت آبادان و خرمشهر، امروز به مناسبت سالروز ۱۳ آبان پیامی فرستادند. در این پیام آمده است:

"ما فدائیان خلق، ۱۳ آبان را امسال در سنگرهای مقاومت برگزار می‌کنیم. همانگونه که رفقای ما در دیگر جبهه‌های جنگ آن را اینگونه ارج می‌نهند، چرا که امروز وظیفه مستقیم نیروهای ضد امپریالیست چیزی جز مقابله تا پای جان در برابر ارتش متجاوز حکومت جنایتکار صدام حسین که جنگ را بر توده‌های مردم ما تحمیل کرده است، نمی‌باشد. از این رو امروز ۱۳ آبان را در کنار توده‌های بسیج شده، در حالی گرامی می‌داریم که فدائیان و تا آخرین نفس به دفاع از انقلاب برخاسته‌ایم."

## از یادداشت‌های یک رفیق امدادگر

۱۹ مهرماه  
دیروز با یک اکیب پزشکی وارد آبادان شدیم و در دو گروه در بیمارستان طالقانی و زایشگاه خرمشهر مستقر شدیم. عده‌ای از رفقا از روزهای اول جنگ در آبادان مستقر بودند.

۲۰ مهرماه:  
به اتفاق یک رفیق دیگر به زایشگاه خرمشهر رفتیم. شهر بطور کامل زیر آتش توپخانه و خمپاره دشمن است و مقاومت یکپارچه خلق همچنان ادامه دارد. بزودی بران مراقبی از هیچ جنبه‌ای روی گردان نیستند. امروز یکی از پزشکان مستقر در مسجد جامع (دکتر صادقی) شهید شد. ملیرفم همه قهرمانی‌ها شهر در آستانه سقوط است. یکی از تکاوران با انتقاد از عدم سازمان یافتگی نیروهای مردمی معتقد بود که نبود

نیروهای زرهی و توپخانه و عدم فرماندهی، خونین شهر را در آستانه سقوط قرار داده است.

۲۱ مهرماه  
موقعیت زایشگاه در خطر است. ولی هیچ‌کس حاضر به ترک بیمارستان نیست تا بالاخره رفیق جراح دستور تخلیه کلیه پرسنل را صادر نمود. ما به بیمارستان امدادگران رفته و در آنجا مستقر شدیم.

۲۲ مهرماه  
روز دوم استقرار ما در بیمارستان امدادگران، محوطه بیمارستان توسط دشمن مورد اصابت توپخانه قرار گرفت. ۳ شهید و ۲۷ مجروح نتیجه این عمل جنایتکارانه رژیم عراق است. رفقا با جدیت فراوان بخش مراقبت‌های ویژه را برای بیماران که تحت عمل‌های سنگینی قرار می‌گیرند، به وجود آورده‌اند. امروز می‌شنویم که فرمانده کاتوشای آبادان به جرم خیانت اعدام شده است.

۲۵ مهرماه:  
مردم هنوز مسلح نشده‌اند. نیروهای مردمی توسط سازمان در حملات برای سنگر بندی و

تهیه ما محتاج سازماندهی شده‌اند. فعالیت و حرکت سازمان مورد تأکید و توجه مردم است.

۲۶ مهرماه  
باخبر می‌شویم که پرسنل بیمارستان پایگاه دریائی که محل ماوریتشان در خرمشهر بود به هنگام عزیمت به دارخوین در بین راه توسط عراقی‌ها به گروگان گرفته می‌شوند.

۲۷ مهرماه  
درگیری شدیدی در کوی ذوالفقاری اتفاق می‌افتد. دشمن بر روی بهمنشیر پل زده است و فشار بر شهر افزایش یافته. من و یکی از جراحان به بیمارستان امدادگران که در ۲ کیلومتری محل دیگری است، اعزام می‌شویم.

۲۸ مهرماه  
در عرض ۴۸ ساعت درگیری شدید و مداوم نیروهای دشمن با تلفات سنگینی عقب راننده می‌شوند. پل نیز تخریب می‌شود. از نیروهای خودی شصت زخمی و ۸ شهید به جای می‌ماند. در این مدت بیمارستان و اطراف آن مرتباً با خمپاره کوبیده می‌شود.

## بازرگان به نمایندگی از طرف لیبرال‌ها: «تاکتی این برنامه‌ها ادامه خواهد داشت»

مهندس بازرگان که این روزها به کسوت یک روزنامه نگار برگار در آمده و صفحات روزنامه با ممدادی "میزان" را مرصه یک‌تازی‌های "نهضت آزادی" نموده است اخیراً مقاله‌ای به نام "گرز پهلوان و حیای گربه" در نشریه مزبور (مورخ ۱۲ آبان ماه ۵۹) به چاپ رسانیده است که از بسیاری جهات چکیده برخورد لیبرال‌ها را در مقطع کنونی بیان می‌نماید.

مقاله با این ادعا آغاز می‌شود که: در تاریخ که برگردید چیزی شبهه دلآوری‌هایی که الان شاهد آن هستیم... پیدا نخواهید کرد". آنگاه

پس از تمجید بسیار از ارتش و نیروهای مسلح و اظهار فضل‌های نامربوط درباره "انقلاب‌های سیاسی به رهبری امثال گاندی، عبدالناصر، مائو، بن‌بلا و غیر آنها" و تحلیل‌های "علمی" درباره "مکتب ناسیونالیسم و لیبرالیسم و سوسیالیسم و خلاصه بسیاری بی‌ربط گوشه‌ها و این شاخه و آن شاخه پیریدن‌ها به موضوع اصلی و بحث مورد نظر خود می‌رسد.





## بازرگان به نمایندگی از طرف لیبرال ها : « تا کی این برنامه ها ... »

دولت موقت و شخص بازرگان پاک شود ، در آغاز آب تطهیر بر سر دولت موقت ریخته می شود :

"علیرغم سیاست و برنامه های دولت موقت که تکرار می کرد ستاب نورزیم ، همه چیز را یکباره و یکروزه خواهیم ... سنگر به سنگر پیش رویم ... نان خودمان را بخوریم و حلیم مارکس را بهم نزنیم ... محوری برنامه های آنها که می خواهند ما امپریالیسم را به دست دشمنان ، که اسلام و ایران است بکنند ، نشویم ... همه اینها ... به گوش آنها ... فرو نمی رفت ... روش عاقلانه را سازشکاری دانستند اسلام را لیبرالیسم و ما را خائن خواندند و متولیان روحانی انقلاب سیز آنها را تأیید کردند ."

همچنین برای آنکه مقاله زیاد "تند و افراطی" قلمداد نگردد وقت و بی وقت روشه های سیاسی بی "انقلابیون" داده می شود و نتایج شریخش مبارزات "مردم عاشق" بر شمرده می گردد :

شجاعانه پا روی دم پلنگ گذاشتیم که همان نزدیک شدن به دم او هزار خطر داشت ، چه پله های پشت سر را که خراب کردیم تا راهی جز به جلو نداشته باشیم ... چه محرومیت ها و گرفتاری های وحشتناک را به هیچ گرفته ، نترسیدیم ... بعد از آنکه همه نان قرض دادن ها به پایان می رسد و خیانت های دولت موقت "روش عاقلانه" جلوه داده می شود ، مبارزه ضد امپریالیستی مشکل تراشی "قلمداد می گردد و افشاگری امثال نزیه ، تیمسار مدنی و علوی ، امیرانتظام و مقدم مراغه ای" به آن طرف انداختن خودی میان راه" خوانده می شود . "حرف حساب" مهندس بازرگان پس از پائین وبلا رفتن های بسیار و در یک جمله فشرده بیان می شود :

"خوب ، تا کی این برنامه ادامه خواهد داشت؟" بازرگان مذبوحانه تلاش دارد آب رفته را به جوی باز گرداند . باید هرطور شده

بفد از صفحه ۲۱  
انقلاب بر "تعویق" مبارزه بر علیه آمریکا و دوستان داخلی آن یعنی سرمایه داران و زمینداران و "تخفیف" در مورد خیانت پیشگانی نظیر امیرانتظام قطب زاده و دیگر یاران بازرگان می تواند باشد؟

اتفاقی نیست که در تمام مقاله حتی یک بار سخنی از امپریالیسم آمریکا گفته نمی شود . اگر از امپریالیسم آمریکا سخن رود و اهداف اساسی انقلاب ضد امپریالیستی - دمکراتیک روشن گردد ، دیگر نمی توان رک و پوست کنده از "تغییر" و تعویق و تخفیف برنامه سخن راند و از مردم پرسید " خوب ، تا کی این برنامه ادامه خواهد داشت؟" وقتی هدف از انقلاب روشن نشود وقتی زمینه های خیزش و پها خیزی خلق ترسیم نگردد ، آن وقت می توان با سرهم کردن مطالب نا مربوط و ظاهرالصلاح کالای سازش و تسلیم به آمریکا را مودیان آف کرد . جنگ و عواقب تهاجمی که رژیم صدام حسین به ترغیب و حمایت آمریکا به خلق ما تحمیل نموده ، نیز فرصت مناسبی است تا همه دشواری های که عمدتاً نتیجه توطئه ها و دسیسه های امپریالیسم آمریکا و کارشکنی لیبرال ها و از جمله دولت موقت است ، بر سر "افراطی" بودن نیروهای ضد امپریالیست "دانشجویان خط شیطان" شکسته شود و راه برای پیاده نمودن سیاست "گام به گام" نزدیکی با آمریکا باز گردد .

اما مردم انقلابی ایران و نیروهای ضد امپریالیست به رغم توصیه مهندس بازرگان مبنی بر این که " ما به انقلابیون افراطی می گوئیم آیا شما هم تا آخرین نفر و نفس را از مردم خواهید خواست و پیش خواهید رفت؟ اگر در دیزی باز است حیای گربه کجا رفته است؟" و سوسه های لیبرال ها در گوش آنها تأثیر نخواهد کرد . خلق ما از مبارزه ضد امپریالیستی "حیا" نمی کند و همانگونه که تاکنون پیش رفته است تا کسب استقلال و آزادی کامل دست از مبارزه نخواهد شست . "حیا" و "شرم" را کسانی باید بکنند که برهم سازش و تسلیم به دوش کشیده و در زمره دشمنان انقلاب و مردم هستند .

بفد از صفحه ۲

## جعل و افترا در خدمت تضعیف

فداکاری شما ، با وجود این همه شهید و زخمی شما باز هم در روزنامه ها و تلویزیون علیهتان تبلیغ می کنند ، حتی منکر شرکت شما در جنگ می شوند ، حمایت می کنید؟

به اعتقاد ما تبلیغات این انقلابی نماها هیچ فرق اساسی با تبلیغات رادیو بغداد ، "رادیو آزاد" ، محافل ضدانقلاب داخلی ندارد . آنچه جبهه انقلاب را تقویت می کند ، وحدت و انسجام می بخشد ، ضامن تداوم انقلاب و تقویت پرولتاریاست و بیشترین ضربات را به سیاست های انحصار طلبانه می زند ، مشخصاً شرکت هرچه پیگیرتر و قاطع تر ما در جنگ علیه امپریالیسم آمریکا و رژیم جنایتکار صدام است . آنان که به بهانه سیاست های جمهوری اسلامی و زیر شعار عدم سازش با حکومت جمهوری اسلامی بی عملی را تبلیغ می کنند و در واقع سازش با امپریالیسم و رژیم صدام را تبلیغ می کنند ، چه بخواهند و چه نخواهند ، خائن به منافع و مصالح خلق و خائن به طبقه کارگرند ، وظیفه ما افشا و طرد آنان است . دشمن هم امروز بی عملی را در برابر امپریالیسم آمریکا و رژیم صدام تبلیغ می کند و اتفاقاً درست همان دلایلی را ارائه می دهد که انقلابی نماها می دهند . ما برای آرمان طبقه کارگر و برای رهایی خلقمان ، با تمام نیرو در پیکار علیه تجاوز رژیم صدام شرکت داریم و هیچ عاملی نمی تواند حتی لحظه ای ما را از وظایف انقلابی مان بازدارد . پرولتاریا و نمایندگان آن امروز باید در عمل به توده ها نشان دهند که پیگیرترین میهن پرستان ، آشتی ناپذیرترین دشمنان امپریالیسم و تجاوزگران هستند و تنها ، تنها شرکت همه جانبه ما در دفاع از استقلال میهن ، دفاع از انقلاب است که همه عوامفربان را در پیشگاه خلق افشا می کند و صف پرولتاریا را نیرومندتر .

## توضیح

اصرار ورزیدند ، بنا به تصمیم مرکزیت ، از سازمان اخراج شدند و مراتب فوق به تمام اعضای سازمان نیز اطلاع داده شد . اخیراً سازمان مطلع شده است که این افراد جزوای تحت عنوان "جنگ ایران و عراق ، انحلال طلبی راست و مواضع ما" و به امضای جناح چپ اکثریت منتشر کرده اند . سازمان چریکهای فدایی خلق ایران (اکثریت) ضمن تأکید بر جمعی بودن این امضاء ، اعلام می دارد که چون این افراد هیچگونه مسئولیتی در سازمان برعهده ندارند ، سازمان نیز هیچگونه مسئولیتی در مورد اقدامات و مواضع آنان برعهده نخواهد داشت . سازمان چریکهای فدایی خلق ایران (اکثریت)

پس از انشعاب اقلیت ، سازمان پذیرفت که چند نفر از اعضا که موضع روشنی در قبال اقلیت نداشتند ، در صورت رعایت کامل ضوابط تشکیلات در سازمان باقی بمانند . این افراد چون برایشان مسلم شده بود که انشعاب ، اقلیت را منفرد و منزوی خواهد کرد ضمن مخالفت با سازمان ، انشعاب اقلیت را هم تأیید نکردند . اما زمانی که اثبات شد این افراد در سازمان مانده اند که همان روش های ضدسازمانی و ضدتشکیلاتی اقلیت را ادامه دهند و پس از آن که چندین بار از آنها خواسته شد که از روش های ضدتشکیلاتی خودداری کنند اما آنها همچنان به این روشها ادامه داده و بر آن

پرتوان باد جنبش طبقه کارگر

پیشواز مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران

## جیره بندی کالاهای ضروری اقدامی مثبت اما ناکافی

دولت برای مبارزه با گرانی و کمبود کالاهای ضروری اخیراً اقدامات مثبت و موثری را آغاز کرده است. این اقدامات عبارت است از تشکیل و تقویت مراکز تهیه و توزیع کالا، تشکیل ستاد بسیج اقتصادی، اجرای مقدمات طرح جیره بندی مایحتاج عمومی مانند نفت، برنج، قند و شکر. ادامه این سیاست می تواند تا حدودی هرج و مرج و آشفتگی های حاکم بر توزیع کالا را کاهش دهد ولی جیره بندی و کنترل

توزیع تعدادی از کالاها به تنهایی قادر نخواهد بود دست سودجویان حرفه ای را که هنوز در توزیع عمده (تجار بزرگ، واسطه ها، محترکین و دلالان) نقش مهمی دارند، کوتاه نماید. تا زمانی که رقم مهمی از تجارت خارجی توسط تجار و بخش خصوصی صورت می گیرد تا زمانی که ذخایر عمده کالاها در دست دولت متمرکز نیست نباید انتظار داشت که مسئله گرانی و کمبود کالا حل شود. اخبار گوناگون توطئه های تجار بزرگ،

دلالان و واسطه ها در پی منافع غارتگرانه خویشتن به درستی این واقعیت را نشان داده و به اثبات رسانده است. کشف انبارهای پر از کالا، برجای ماندن بسیاری از کالاهای متعلق به سرمایه داران بزرگ در انبار گمرکات، دیر رساندن آنها به بازار، کشف کالاهای تقلبی، خروج میلیون ها دلار ارز از طریق گشایش اعتبار به بهانه وارد کردن کالا و... همه و همه حکایت از چپاولگری های سرمایه داران

بقیه در صفحه ۱۵

## • اخبار شهرستانها •

### مردم بندرگز

با قتل و کلاب رزمندگان را به جبهه فرستادند

بندرگز: یکصدوسی تن از سربازان و درجه داران منقضی خدمت سال ۵۶ برای طی دوره آموزش نظامی و اعزام به جبهه های جنگ به بندر ترکمن عزیمت کردند. سربازان و درجه داران هنگام حرکت به سوی بندر ترکمن در صفوف منظم و سازمان یافته راهپیمایی کردند و با شعارهای: پرتوان، پرغشوش، علیه امپریالیسم، اتحاد، اتحاد، علیه

امپریالیسم آمریکا تو خالیست و بتنام گواهیست نه سازش، نه تسلیم، نبرد با آمریکا و... آمادگی خود را برای مقابله با دشمنان مزدور مراتی و امپریالیسم آمریکا اعلام داشتند. مردم شهر و به ویژه هواداران سازمان در این راهپیمایی پرشکوه فضالانه شرکت داشتند و با نقل و کلاب رزمندگان را تا ایستگاه راه آهن بدرقه کردند.

بقیه در صفحه ۱۸

## \* فرماندهان خیانتکار باید تصفیه و محاکمه شوند

بقیه در صفحه ۱۷

## اخبار کردستان

در صفحه ۱۴

## چرا

## دژیم صدام جنایتکار جنگی است؟

در صفحه ۱۹

سال های اخیر به خوبی نشان می دهد که بخش قابل ملاحظه ای از مردم آمریکا بر این امر واقف شده و اعتراض خود را به وسیله عدم شرکت در انتخابات نشان می دهند. طبق آمار منتشره تنها حدود نیمی از رای دهندگان در انتخابات شرکت کرده اند.

کارتی از گردونه خارج می شود

در سال ۱۹۷۶ هنگامی که کارت با شمار فریبنده "حقوق بشر" به کاخ سفید وارد شد، امپریالیسم آمریکا در یکی از بحرانی ترین ادوار پس از جنگ دوم غوطه ور بود. شکست مفتضحانه امپریالیسم آمریکا در ویتنام ضربات مرگباری بر "اعتبار" و "حیثیت" امپریالیسم آمریکا در سطح جهان وارد کرد. افتضاح وانترگیت چهره واقعی کاخ سفید نشینان و حکام آمریکا را برملا ساخت و پشت رسوایی آنان را از بام فرو انداخت. نیکسون تحت فشار افکار عمومی ناچار به کناره گیری شد و سیاست "صلح شرافتمندانه" او در مورد ویتنام که به وسیله فورد دنبال می شد با فرار مفتضحانه به پایتان رسید و بحران سرمایه داری روند تشدید در پیش گرفت.

کارتی در چنین اوضاع و احوالی بحرانی پای بقیه در صفحه ۲۲

## انحصارات آمریکائی برای اجرای سیاست فظلمی گری، ریگان را برگزیدند

سرمایه داران آمریکایی به طبقه کارگر و توده های مردم تنها این "حق" را می دهند که از میان چند نماینده سرمایه داران یکی را برای حکومت بر خود "انتخاب" کنند.

بدین ترتیب سرمایه داران همه شرایط را برای پیروزی خود در انتخابات تضمین نموده اند. تنها مسئله ای که باقی می ماند این است که کدام نامزد سرمایه داران انتخاب می شود؟ در اینجا مسئله رای مردم به میان می آید که از طریق تبلیغات نمایندگان یکی از آنها را انتخاب کرده و به وی رای دهند. البته نامزد انتخاباتی برای مقبول کردن خود نیز حیل های انتخاباتی را چاشنی این نمایشنامه می سازد.

پائین آمدن درصد رای دهندگان آمریکائی در

## رهنمود

### جهت پیشگیری

و درمان بیماری های ناشی از جنگ

در صفحه ۷

انتخابات ریاست جمهوری آمریکا با "انتخاب" ریگان به پایان رسید. انتخابات آمریکا همچون نمونه های گذشته نشان داد که در جامعه ای که سرمایه داران حکومت را در جنگ دارند، انتخابات ریاست جمهوری نیز در انحصار امپراطوری های عظیم مالی این کشور قرار دارد. سرمایه داران آمریکائی به طبقه کارگر و توده های مردم تنها این "حق" را می دهند که از میان چند نماینده سرمایه داران یکی را برای حکومت بر خود "انتخاب" کنند. در آمریکا که تمام رسانه های گروهی در کنترل صاحبان انحصارات است، افکار عمومی به وسیله تبلیغات سرسام آور مسموم شده و نامزدهای اصلی انتخاباتی نیز کسانی هستند که کنترل این رسانه ها و مخارج گزاف تبلیغاتی را در اختیار دارند. بطور نمونه مخارج تبلیغاتی کارت و ریگان هر یک ۳۰ میلیون دلار و اندرسون ۱۰ میلیون دلار اعلام شده است. دولت آمریکا هم به هر یک ۳ میلیون دلار کمک مخارج تبلیغاتی پرداخت می نماید. (این مبلغ فقط به کسانی که بیش از ۵% رای را دارند تعلق می گیرد) البته ارقام واقعی تبلیغات بسیار بیشتر از اینهاست و گاندیداها همواره سعی دارند مخارج واقعی را پنهان نگاه دارند.

## پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر